



مرکز جامع توانبخشی نویدمهر اهواز

راهنمای کار با کودکان اتیسم

جزوه تکنیک های رفتاری

تکنیک های آموزشی – رفتاری برای کودکان در خودمانده

The Me Book ترجمه قسمت هایی از کتاب

نوشته پروفیسور **Lovaas**

آذرماه ۹۶

مقدمه مترجم

مراقبین و والدین محترم، مطالبی که پیش رو دارید برگرفته از کتاب نوشته پروفیسور لوواس مربوط به آموزش کودکان اوتیسم است. هدف از انتشار این مطالب در اختیار قرار دادن اطلاعات و راهکارهایی برای افزایش کیفیت آموزش و بالا بردن سطح آگاهی خانواده ها و مربیان عزیز می باشد. مواردی که در این جزوه مورد بررسی قرار می گیرد به والدین می آموزد که چگونه می توانند با صرف وقت، و به کارگیری دقت بیشتر با کودکان خود رفتار کنند و موارد مورد نیاز کودکان را چگونه به آنها آموزش دهند که اشتیاق یادگیری در فرزندشان شکوفا شود. ما می توانیم با راهکارهایی که در این جزوه ذکر گردیده بچه ها را هم از لحاظ آموزشی و هم از لحاظ رفتاری یاری نماییم

برخی از نکات احتیاطی درباره فلسفه درمان آموزش :

نخست اینکه، هیچ روشی که بتواند تمام مشکلات افراد ناتوان ذهنی را حل کند، وجود ندارد. البته افرادی که سعی دارند به این اشخاص کمک کنند، به تعدادی از تکنیک های آموزشی نیاز دارند. به عنوان مثال: روش هایی که برای محبت کردن و یا ترساندن یک کودک نابینا به طور ویژه ای خوب جواب می دهد. ممکن است برای یک کودک اوتیسم سرکش تا اندازه ای متفاوت باشد. به هر حال ((معلم، درمانگر یا والد)) باید انعطاف پذیر، خلاق و قادر بر ایجاد تنوع در تکنیک ها و روش ها باشد

در آغاز کار، اهداف کوچک را مورد بررسی قرار دهید، به گونه ای که شما و کودکتان مورد توجه قرار گیرید. مراحل کوچک رو به جلو را بیابید. به جای امید داشتن و تقلا کردن برای دسترسی به برخی از ایده آل های دست نیافتنی و یا فراتر از حد انتظار باید به مجموعه ای از اهداف کوچک تر توجه کنید. برنامه ها در توالی توسعه یافته ای گسترش داده می شوند، به طوری که برنامه های آغازین باید قبل از موارد دیگر شروع شوند. زمانی که یک برنامه آغاز می گردد بچه موفقیتی در برخی از مهارتهای اولیه کسب کرد، برنامه های بعدی ممکن است به گونه ای ارائه شوند که زیر مجموعه برنامه های نخستین باشند. اکثر برنامه ها تداوم دارند به طوری که دارای هیچ نقطه پایانی معنی داری نیستند. همچنین در آغاز ممکن است یک کودک سه یا چهار برنامه را دریافت دارد. (به عنوان مثال در ماه های نخستین، او در جریان برنامه مربوط به کاهش عصبانیت، نشستن به طور مناسب، ایجاد تماس چشمی و توسعه تقلید غیر شفاهی قرار می گیرد). در حالی که یک سال بعد ممکن است ۴۰ برنامه جاری را دنبال کند. برنامه های آغازین با جزئیات مرحله به مرحله به طور قابل توجهی گسترده می شوند. چنین جزئیات وسیعی در برخی موارد فراوان به نظر می رسند، اما ما ترجیح داده ایم که با دقت به آن ها نگرینسته شود.

فصل اول

انتخاب پاداش:

پاداش های مثبت: معمولاً وقتی بچه کاری را درست انجام داد، او را با این عبارات تشویق کنید: ((این جا یک تکه شیرینی به عنوان پاداش وجود دارد)). ((امشب می توانی دیرتر بخوابی)). ((می توانی یک تکه بستنی بخوری)). یا چیزهایی شبیه به این جملات را بیان کنید. بنابراین شما چیزی را به او می دهید که علاقه دارد. در آغاز کار، پاداش ها باید کاملاً واضح و واقعی باشد (مثل بستنی و بوسه). زمانی که کودک مورد نظر پیشرفت می کند، جوایز معمولاً کم رنگ تر می گردند، به گونه ای که در این هنگام فقط توسط یک نگاه یا برخی از تصدیقات اندک رفتار فرد، انتقال داده می شوند. خیلی از معلمان احساس می کنند که رفتارهای معین، ممکن است خودشان در حال تحسین قرار گرفته شوند و پاداش های دیگر مثل غذا و تحسین اجتماعی برای ابقای رفتار، مورد نیاز نیستند. اما در آغاز کار، تحسین کردن به خاطر رفتار ویژه، باید صورت گیرد تا آن رفتار با اطمینان تثبیت شود. این پاداش ها، مثبت نامیده می شوند. موقعی که شما افراد ناتوان ذهنی را تحسین می کنید، بر آن رفتار تأکید زیادی داشته باشید. مثلاً موقعی که می خواهید با بیان عبارات او را تشویق نمایید. کلمات ((آفرین)) ((خوبه)) یا ((عالی بود)) را با صدای بلند بیان کنید. در صورتی که حضار وجود دارند از آن ها بخواهید تا برای او دست بزنند و او را در آغوش بگیرند، بیوسند نوازش کنند. ما نوعاً همراه با تشویق و تحسین در غالب عبارات، از پاداش های خوراکی نیز استفاده می کنیم. به عنوان مثال، شما با خرد کردن غذای یک بچه و تبدیل آن به تکه های خیلی کوچک (یعنی بخش هایی به اندازه یک نیمه از قند، نوشیدن مقدار اندکی از مایعات، لیس زدن یک شکلات کارامل برای یک بار) می توانید هزاران پاداش را برای رفتار مطلوب ایجاد نمایید. شما باید انواع گوناگونی از تصدیق ها را به کار برید و ببینید کدام یک بهتر جواب می دهد

دوری از منفی ها:

نوع دیگری از پاداش، دوری از موارد منفی است. یک بچه نرمال نوعاً در رابطه با شکست یا ضعف احساس نگرانی می کند. درست انجام دادن رفتار، ناراحتی یا دلواپسی او را کاهش می دهد. لیکن برخی از بچه های ناتوان ذهنی به خاطر اشتباه کردن احساس ناراحتی و پریشانی ندارند. حتی اگر به طور قابل توجهی از هم نوعانشان عقب تر باشند و تحت کنترل قرار گیرند. غالباً قانع و خوشحال به نظر می رسند و دنیا را همان طور که هست باور می نمایند. در چنین مواردی معلم باید با صرف نظر کردن از پاداش های مثبت یا عدم تصدیق رفتارشان، به عنوان مثال با صدای بلند گفتن ((نه)) باعث گردد تا آنها به خاطر رفتار اشتباه تا اندازه ای احساس ناراحتی و عدم آرامش کنند. این مورد انجام می شود تا تحرک بچه ها جهت یادگیری را افزایش دهد و بنابراین به آنها کمک کند تا مشکلات بعدی را کاهش دهند. با جدی بودن در مقابل کودکان و شاید با ایجاد ناراحتی و ترس اندک در او توسط فریاد کشیدن بر او یا تنبیه کردنش، تحسین های اجتماعی شما (گفتن ((آفرین)) بوسه ها و در آغوش کشیدن های شما) بلافاصله برای او موثرتر و مهم تر می گردند به گونه ای که وقتی به او نشان داده اید که شما نیز می توانید از دست او عصبانی شوید، او شما را بیشتر تصدیق می کند

نکته مهم دیگر که باید به خاطر داشته باشید این است که تا جایی که ممکن است خیلی زود از مرحله‌ی پاداش غذایی خارج شده و پاداش‌هایی مثل تحسین‌های رایج ((خوبه!)) ((عالی!)) که نرمال و طبیعی هستند را به کار ببرید. بچه به شما می‌فهماند که چه موقع این برنامه را تغییر دهید. اگر شما پاداش‌های غذایی را متوقف نمایید و رفتار بچه نامتناسب شود دوباره به سمت پاداش‌های غذایی برگردید و رفتارش را بهبود بخشید، سپس دوباره این تغییر جهت را آغاز کنید

تنبیه:

یکی از روش‌های تنبیه کردن این است که عملی را انجام دهیم که برای بچه ناخوشایند باشد. به عنوان مثال با صدای بلند گفتن ((نه!)) از جمله این موارد است. برای برخی از بچه‌ها، گفتن کلمه ((نه!)) تمام آن چیزی است که شما باید بگویید تا آن‌ها کاری را که انجام می‌دهند، متوقف نمایند. مواردی را امتحان کنید که بچه از آن‌ها بیزار است و شما می‌توانید از آن‌ها به عنوان تنبیه استفاده کنید. به عنوان مثال برخی از بچه‌ها از ورزش کردن نفرت دارند، بنابراین شما می‌توانید در زمان وقوع رفتار نامطلوب از ورزش‌هایی (مثل بشین-پاشو یا دویدن به دور ساختمان) استفاده کنید

Time-out: محروم کردن

غالباً این حالت ((محروم کردن)) می‌تواند به طور ساده با روی گرداندن معلم از بچه به صورت عدم نگاه به او، یا کمی گسترده‌تر با قراردادن بچه در گوشه اتاق و شاید در حالت شدیدتر، قرار دادن او در یک اتاق مجزای بدون جذابیت و فارغ از فعالیت‌های مطلوب دیگر انجام شود. فاکتور معمول این اعمال، این است که آن‌ها به بچه نشان دهند که یک مدت زمان معینی وجود دارد که در آن هنگام او به انجام فعالیت‌های مطلوبش دسترسی نمی‌یابد و در آن موقع نمی‌تواند آن‌ها را انجام دهد. ممکن است بچه به مدت ۳ تا ۵ دقیقه در محرومیت قرار داده شود، به طوری که در ۳۰ ثانیه آخر او باید کاملاً ساکت باشد. اگر در موقعی که بچه عصبانی می‌شود، او را از حالت محرومیت خارج کنید شما سهواً او را به خاطر عصبانیتش تشویق نموده‌اید. همچنین مواظب باشید که بچه را بیش از ۵ دقیقه در محرومیت نگه ندارید

Over correction: جبران اضافی

شاید بهتر این باشد که روش جبران اضافی با ارائه برخی از نمونه‌های کاربردی آن معرفی گردد. تصور کنید بچه شما به طور مکرر، شیر را بر کف آشپزخانه می‌ریزد. برای متوقف کردن چنین رویدادی در مراحل بعدی، باید او را وادار کنید تا نه تنها خودش این مقدار شیر را از روی زمین پاک کند، بلکه تمام کف آشپزخانه را نظافت نماید. سپس باید او را تمرین دهید تا لیوان‌های مملو از شیر را در آشپزخانه به دست گرفته و حرکت کند، بدون این که آن را بر روی زمین بریزد. هر مورد ریختن شیر برابر با تمیز کردن کل آشپزخانه است.

فصل دوم

نشستن مناسب:

ممکن است عجیب به نظر برسد اما باید به بچه های خاص یاد داده شود که به طور صحیح روی صندلی بنشینند. این اولین تجربه یادگیری است که می تواند گام خوشایندی باشد. قبل از اینکه به برنامه های دیگر بپردازید، این برنامه را آموزش دهید. سه دستور مفید برای کمک کردن به بچه تا بتواند به طور صحیح در جلسات آموزشی بنشیند عبارتند از: ۱- بشین ۲- بلندشو ۳- دست هایت آرام و راحت باشد.

بشین

اولین دستور بشین است که همیشه لازم نیست آن را آموزش دهیم، اگر بچه نمی داند چگونه روی صندلی بنشیند باید از دستورات زیر پیروی کنید.

- ۱- صندلی متناسب با اندازه ی بچه انتخاب کنید، صندلی را مستقیماً پشت سر بچه بگذارید.
- ۲- دستور بشین را به بچه می دهیم و سپس به او کمک می کنیم (او را هل می دهیم یا او را هدایت فیزیکی می کنیم تا روی صندلی بنشیند).
- ۳- وقتی کودک نشست، بلافاصله او را با مواد خوراکی یا پاداش های دیگر تشویق می کنیم.
- ۴- به بچه می گوییم بلند شو (اگر لازم بود بلندش می کنیم) و سپس مرحله ی دوم و سوم را انجام می دهیم.

- ۵- به بچه می گوییم بشین و کمک ها را کاهش داده و به تدریج آن ها را محو می کنیم. آن قدر به بچه کمک می کنیم تا زمانی که خودش به تنهایی بنشیند. پاداش ها وقتی داده می شود که بچه روی صندلی نشسته باشد. در گام های بعدی به تدریج فاصله صندلی و بچه را افزایش دهید. اگر قبل از اینکه شما از او بخواهید، بلند شد با تأکید(شاید با جدّیت) او را سرچایش بنشانید آن قدر که او به خاطر بلند شدن از روی صندلی بدون اجازه شما، ناراحت شود.

حالا باید دستور ((بلندشو)) را مطرح کنیم. ابتدا او را راهنمایی کنیم و اگر لازم شد بچه را از روی صندلی بلند کنیم و به او پاداش دهیم. به خاطر داشته باشید وقتی به او می گویید ((بنشین)) بنشیند و وقتی می گویید((بلند شو)) بلند شود.

بچه باید در انجام اینکه به دستور شما روی صندلی بنشیند، مهارت پیدا کند. در ابتدا به مدت ۵ ثانیه روی صندلی بنشیند و به تدریج این زمان را افزایش دهید.

درست نشستن(صاف نشستن):

بچه می تواند روی صندلی بنشیند، اما ممکن است روی صندلی خم شود یا سر بخورد.

اگر بچه به این صورت روی صندلی نشست، مطمئناً به طور شایسته ای به آموزش توجه نمی کند. برای اینکه بچه خوب کنترل شود و پیچ و تاب نخورد، باید صاف روی صندلی بنشیند، گام های زیر برای آموزش این دستوالعمل ها توصیه می شوند:

- ۱- وقتی بچه روی صندلی خم می شود، یک سری فرمان ها باید به او داده شود:
صاف بنشین (باید محکم گفته شود) اجازه بدهید بچه معنی این کار را بفهمد.
- ۲- فوراً معنی نشستن را با صحیح نشستن خودمان بر روی صندلی به بچه نشان بدهیم.
ممکن است لازم باشد بوسیله ی هل دادن از روبرو یا صاف کردن پشت بچه او را راهنمایی کنیم.
- ۳- به کودک برای درست نشستنش جایزه بدهید.
- ۴- بچه را در موقعیت های مختلف قرار دهید و از او بخواهید که بنشیند یک یا دو بار او را راهنمایی کنید و سپس به او فرصت انجام این کار را بدهید.
- ۵- اگر بچه نمی تواند صاف بنشیند و شما احساس کردید که او تنبلی می کند یا لجباز است. او را با زور بنشانید. شما باید بچه را به گونه ای آماده کنید که بتواند خودش به طور مناسب و سریع بنشیند و سپس کار را با او شروع کنید.

۶- بعد از اینکه بچه پس از هر دستوری به طور صحیح نشست. خیلی گرم و صمیمانه او را تشویق کنید و لیکن باید به جدیت خود ادامه دهید زیرا اگر جدیت شما کم باشد او همچنان خمیده می نشیند.

دست ها آرام و بدون حرکت

سه دستور مهم برای آرام و بی حرکت ماندن دست ها.
همه بچه هایی که بی قرارند و یا خود تحریکی با دست هایشان دارند، نمی توانند توجه شان را جلب کنند. این بچه ها ممکن است صحیح نشسته باشند و درست گوش بدهند.
اما اگر دست هایشان را تکان بدهند ممکن است کلماتی را که شما می گوئید نشنوند.
آرام بودن دست ها ممکن است به چندین صورت باشد.

۱- دست ها آرام و آویزان در کنار بچه باشد.

۲- دست هایش را صاف روی پاهایش بگذارد.

۳- دست به سینه بنشیند.

موقعیتی که برای بچه طبیعی تر و برای شما مفید است را انتخاب کنید. بچه هایی را که انگشت شصت و انگشت دیگر لمس می کنند را باید در موقعیت ۲ قرار داد. با گذاشتن کف دست و انگشتان به صورت جدا از هم روی پا را امتحان کنید تا بی قراری او کاهش پیدا کند. برای بچه هایی که انگشتانشان را تکان نمی دهند ولی دست هایشان را تکان می دهند موقعیت ۱ و ۳ مناسب است

گام ۱: وقتی بچه بی قرار است به او بگویید دستهایت را آرام نگه دار و سپس او را مجبور کنید دست هایش را در آن موقعیتی که می خواهید قرار دهد.

گام ۲: جدی باشید، بچه باید یاد بگیرد که اگر خودش این کار را انجام دهد خوشایندتر از آن است که شما آن کار را برای او انجام دهید.

گام ۳: وقتی که در گام های ابتدایی به بچه کمک می کنید برای پیروی از دستوراتتان به او پاداش دهید.

گام ۴: به تدریج مقدار کمکی که به بچه تان می کنید برای اینکه دست هایش را به دستور شما در موقعیت مناسب قرار دهد را کاهش دهید. به بچه زمان کافی برای پاسخ دادن به دستوراتتان بدهید و فقط زمانی که ضرورت دارد به او کمک کنید و تا جایی که لازم است راهنمایی ها را کم کنید

a: وقتی شما می خواهید رفتاری را انجام دهید به بچه بگویید((اینجوری کن)).

b: اگر لازم شد او را راهنمایی کنید تا از شما تقلید کند.

c: برای تقلید کردن از شما به او پاداش دهید.

d: به تدریج و آرام آرام راهنمایی ها را کم کنید و بعد به او دستور بدهید(برای اینکه کارش را به طور مناسب انجام دهد اصلاً از حرکات دستتان برای او استفاده نکنید).

گام ۵: وقتی بچه متوجه شد از او چه می خواهید، به تدریج پاداش های غذایی را کم کنید و رفتار درست او را فقط با تأییدهای اجتماعی ادامه دهید. برای مثال، هنگامی که شما بعد از هر پاسخ صحیح با غذا به او پاداش می دهید، بعد از آن به ازای هر سه پاسخ صحیح، و سپس به ازای هر ۵ پاسخ صحیح به او غذا بدهید و به تدریج این پاداش ها را کاهش داده و تأییدهای اجتماعی را جایگزین آن کنید. سرانجام تأییدهای اجتماعی را کم کنید، آن قدر که بچه یاد بگیرد هر روز به همان صورتی که از او انتظار می رود به طور صحیح بنشیند

تعمیم دهی درست نشستن

بعد از اینکه بچه یاد گرفت به طرز صحیح روی صندلی با یک بزرگسال و در یک اتاق بنشیند. این یادگیری را به افراد دیگر و جاهای دیگر تعمیم دهید. او باید روی صندلی های مختلف در اتاق نشیمن، آشپزخانه، حمام و اتاق خواب و به دستور شما بنشیند. اشخاص مختلفی به عنوان معلم با او کار کنند و از صندلی های مختلفی نیز استفاده کنید. احتمال دارد وقتی جای بچه را عوض کرده و او را کنترل می کنید تا به تقاضاهای شما جواب دهد هر چند تقاضاهای شما معقول و ساده باشد، بچه کج خلق شود و نق بزند

فصل سوم

ایجاد توجه و تمرکز نگاه و هدایت آن :

برای برقراری تماس چشمی، دستور((به من نگاه کن)) را به کار ببرید، قبل از آن بهتر است مطمئن شوید که کودک درست نشستن و توجه کردن را به طور مناسب آموخته است.

گام ۱ : کودک روی یک صندلی روبروی شما بنشیند.

گام ۲ : دستور((به من نگاه کن)) را هر ۵ تا ۱۰ ثانیه تکرار کنید.

گام ۳ : با هر بار نگاه کردن صحیح کودک، او را با جایزه یا غذا تشویق کنید. پاسخ صحیح هنگامی روی می دهد که ۲ ثانیه بعد از دستور شما، به مدت یک ثانیه به چشمان شما نگاه کند. به طور واضح برای کودک روشن کنید که به خاطر دادن پاسخ کافی و نگاه کردن به شما، به او جایزه می دهید.

گام ۴ : اگر کودک به صورت شما توجه دیداری نداشته باشد، در حدود ۲ ثانیه وقفه ایجاد کنید. بعد حدود ۵ ثانیه به طور پیوسته به او نگاه کنید و سپس آن دستور را دوباره تکرار کنید.

گام ۵ : وقتی شما می گوئید((به من نگاه کن)) بعضی از بچه ها نمی خواهند به شما نگاه کنند. بنابراین شما باید پاسخ را هدایت کنید. شما می توانید تماس چشمی را با نگه داشتن تکه ای غذا (یا هر چیز دیگری که مورد توجه قرار می گیرد) ایجاد کنید. به این صورت که شیء مورد نظر را در مسیر مستقیمی بین چشم های کودک و چشم های خودتان نگه دارید و مانند زمانی که به او دستور می دهید توجه او را هدایت کنید. سپس دستور ((به من نگاه کن)) را تکرار کنید و همزمان راهنمایی و هدایت را نیز ارائه دهید.

گام ۶ : هنگامی که تماس چشمی به فاصله ۲ ثانیه و طی ۱۰ بار درخواست مکرر برقرار شد، سعی کنید به تدریج و به طور مرتب راهنمایی را کاهش داده و حرکات دست که برای جلب توجه به کار می رود را به تدریج و طی در خواست های متوالی کم کنید. برای افزایش زمان برقراری تماس چشمی و استمرار آن به تدریج مشوق را به تأخیر بیندازید یعنی طول مدت زمانی که بچه باید به چشمان شما نگاه کند را افزایش دهید و سپس پاداش را به او بدهید. قبل از اینکه به او پاداش بدهید آرام آرام تا ۲ بشمارید، سپس تا ۳ ، تا ۵ و تا جای که او به تدریج یاد بگیرد که مدت زمان بیشتری به شما نگاه کند.

توجه : نکاتی که در این کار بسیار مهم است .

شما باید برای آنچه که می خواهید انجام دهید، ثابت قدم باشید و برای جزئیات و مسائل فرعی نگران و مردد نشوید. در اجرای هدف نهایی این نکته بسیار مهم است زیرا هنگامی که آموزش شما به کودک به صورت آرام و تدریجی باشد، اشتباهات قابل بخشش نیست. بهترین زمان برای آموزش تماس چشمی هنگامی است که کودک روی صندلی بنشیند. زیرا صندلی یک موقعیت ساده و مناسب یادگیری را فراهم می کند و پرت شدن حواس کودک را کم می کند و این موقعیت را به آسانی برای شما ایجاد می کند که شرایط را تحت کنترل خود در آورید. پس از اینکه نگاه او به شما(در حالی که روی صندلی نشسته است) کنترل شد، بخواهید که ایستاده به شما نگاه کند و این کار را در اتاق های دیگر و محیط های مختلف انجام دهید و برای هر بار

موفقیت در انجام این کارها او را تشویق کنید. با مدت ۱ ثانیه شروع کنید و به تدریج از او بخواهید که به مدت بیشتری به شما نگاه کند، ۲ ثانیه، ۳ ثانیه و بیشتر و هر بار او را تشویق کنید.

تقلید، مطابقت و زبان اولیه:

شما با تقلید به بچه می آموزید که دستش را بالا ببرد برای اینکه بینی اش را لمس کند، دست بزند، بلند شود، لبخند بزند و وقتی او توانست از حرکات شما تقلید کند، شما می توانید در کارهای زیادی به او کمک کنید از قبیل اینکه به او بیاموزید چگونه با اسباب بازی هایش بازی کند، چه طور لباس بپوشد، چگونه از بیان چهره ای استفاده کند. تقلید یکی از موثرترین شیوه های آموزشی است و شاید ابتدایی ترین راهی باشد که بچه های عادی از جامعه بزرگسال یاد می گیرند، همیشه باید به خاطر داشته باشید که سرعت یادگیری بچه ها متفاوت است. مسئله ای که در مورد این بچه ها مهم می باشد این است که تقلیده های آن ها را کنترل کنیم تا آنها توانایی استفاده به موقع از آنها را پیدا کنند.

فصل چهارم

تقلید از کارهای ساده:

بچه های عادی رفتارهای پیچیده ای مثل ورزش و بازی را با مشاهده ی رفتار دیگران و در مورد زبان بوسیله ی شنیدن صدای دیگران بدست می آورند. بنابراین بچه ها اکثر مسائل را از مشاهده ی جامعه ی خود و مهارت های بازی را با تقلید یاد می گیرند. بعد از کار با کودکان دارای اختلال نافذ رشد شما مشاهده می کنید که این بچه ها چگونه در تقلید از رفتارهای شما شکست می خورند یا اینکه آن ها رفتارهای شما را اشتباه تقلید می کنند یا شاید شکست های آن ها در یادگیری رفتارهای مهم از مردم در زندگی روزانه، می تواند به ناتوانی آن ها در تقلید مناسب نسبت داده شود. تحقیقات نشان داده اند که بچه ها قبل از اینکه بتوانند مهارت های بسیار پیچیده را تقلید کنند باید رفتارهای بسیار ساده را از همسالان یا بزرگترها یاد بگیرند. زمانی که بچه یاد گرفت مهارت های حرکتی درشت را که با بیان ((اینجوری کن)) از طرف مربی می باشد را به خوبی تقلید کند، این یادگیری به او کمک می کند تا او رفتارهایی مثل مهارت های خودیاری، بازی های مناسب، ورزش ها و روابط اجتماعی قابل قبول را به خوبی یاد بگیرد. تقلید از رفتارهای اجتماعی دیگران رشد هوش اجتماعی بچه را بالا می برد. باید به خاطر داشته باشیم که مهم ترین وسیله برای یادگیری، تقلید است که در آن بچه به محیط اطرافش بیشتر توجه می کند و بدین وسیله علاقمند و تحریک می شود که کارهای دیگران را انجام دهد. نکته ی مهمی که در یادگیری رفتارهای تقلیدی وجود دارد برقراری تماس چشمی است که یکی از عوامل اصلی در آموزش است. اگر بچه به طور مداوم پرخاشگری و رفتارهای از هم گسیخته از قبیل کج خلقی ها یا خود تحریکی داشته باشد ممکن است به شما نگاه نکند و دستورات شما را نبیند. بنابراین باید ابتدا سعی کنید کج خلقی ها و خود تحریکی های بچه را متوقف کنید و به تماس های چشمی او پاداش دهید، سپس آموزش برنامه های تقلیدی را شروع کنید.

کار شما زمانی سخت می شود که بچه فقط نشسته، ولی چشم هایش را می چرخاند، لبخند می زند، دست می زند و در خود فرو می رود و غیره. باید این رفتارها را متوقف کنید. بچه باید بداند، آن کار را باید انجام دهد و شما با گریه کردن، نق زدن، کج خلقی، خودآزاری یا هر رفتار مزاحم دیگری که در یادگیری مداخله کند، کوتاه نمی آید. مایوس نشوید، برای اینکه بچه شما را بپذیرد، احتیاج بیشتری برای کنترل او دارید. پیشرفت بچه باید توسط شما یا مشاهده گر در تمام طول یادگیری به صورت اعداد و ارقام ثبت شود.

تقلید حرکتی درشت

بالا بردن دست ها:

گام اول: بچه روبروی شما می نشیند، دست هایش را به هم می زند و به صورت شما توجه می کند.
گام دوم: تحریکات: در این مرحله دستورات را با صدای بلند به او بدهید. بگویید ((اینجوری کن)) و دست هایتان را به طور مستقیم بالای سرتان ببرید. اگر او نتوانست به عملکرد تقلیدی شما پاسخ صحیح بدهد، او را راهنمایی کنید.

گام سوم : راهنمایی ها و دستور بیانی ((اینجوری کن)) در حالی که مانند گام دوم دست‌هایتان را بالای سرتان می برید، تکرار کنید. بعد از اینکه دست‌هایتان را بالا بردید، دست‌های بچه را به طرف جلو بکشید و آن‌ها را بالای سرش قرار دهید و به مدت ۱ ثانیه نگه دارید و یا پشت سر او بایستید و او را راهنمایی کنید تا دست‌هایش را بالا ببرد. بچه را به دلیل پاسخ صحیح اش تشویق کرده و به او پاداش دهید.

گام چهارم : راهنمایی را کم کنید. اگر بچه نتوانست به سعی دوباره شما، برای بالا بردن دست‌ها پاسخ صحیح بدهد، گام سوم را دوباره شرح دهید. شما باید او را چندین بار هدایت کنید. سپس راهنمایی را کم کرده و بعد از مدتی آن‌ها را محو کنید و دوباره آن تمرین را آزمایش کنید. بدین صورت که به عنوان مثال به او بگویید ((اینجوری کن)). سپس دست‌هایش را بلند کنید تا به صورت موازی بالای سرش قرار گیرد. بعد دست‌هایش را رها کنید و فوراً دست‌های خودتان را بالای سرتان قرار دهید. اگر بچه حتی ۱ ثانیه، دست‌ها را بالا نگه داشت، به او پاداش دهید. اگر نتوانست آن‌ها را بالا نگه دارد، به گام ۳ برگردید و از راهنمایی‌های ارائه شده در آن استفاده کنید.

گام پنجم : اگر کودک به طور مناسب به چند آزمایش متوالی شما، با راهنمایی‌هایی که در گام ۴ گفته شد، پاسخ صحیح داد. شما باید راهنمایی‌ها را کم کنید تا به هدف نهایی برسید.

مثال: به بچه دستور ((اینجوری کن)) بدهید و سپس دست‌های بچه را به طرف جلو نگه دارید و به تدریج آن‌ها را به سمت بالا بکشید، شما نیز دست‌هایتان را بالای سرتان نگه دارید. اگر بچه به تقلید از شما خودش دست‌هایش را حتی به مدت خیلی کوتاه بالای سرش نگه داشت، به این کار او پاداش دهید و اگر نتوانست، مطابق آنچه در گام ۴ آمده، او را راهنمایی کنید.

گام ۶ : با به کار بردن راهنمایی‌هایی که در گام ۵ توضیح داده شد، بچه ممکن است قادر باشد که به آموزش شما پاسخ صحیح بدهد. شما باید راهنمایی‌هایتان را کم کنید. یعنی به جای اینکه دست‌های بچه را بگیرید و به طرف بالا بکشید، به طور ساده ای دست‌های او را با نوک انگشتانتان بگیرید و بالا ببرید. اگر او دست‌هایش را به تقلید از شما بالا برد، فوراً به او پاداش دهید و سعی کنید در مراحل بعدی از راهنمایی استفاده نکنید. بعضی مواقع شما فکر می کنید، بچه به کمک زیادی نیاز دارد در حالی که این طور نیست. بچه‌ها اگر بدانند شما در انجام کارها به آنها کمک می کنید، سعی و تلاش کمتری برای انجام آن کار می کنند. به هر حال کار سختی است ولی این یک حقیقت است که شما باید این مراحل را با بچه طی کنید.

دست زدن

گام ۱ : بچه روبروی شما بنشیند و به صورت شما توجه کند.

گام ۲ : تحریکات: دستور شفاهی اینجوری کن را بدهید، و در زمان‌های متفاوت با هم دست بزنید.

گام ۳ : راهنمایی : اگر بچه جواب مناسب نداد، شما باید تعدادی از راهنمایی‌ها را به کار ببرید تا اینکه مطمئن شوید بچه پاسخ صحیح می دهد. برای دست زدن وقتی دو شخص به بچه کمک کنند و او را راهنمایی کنند، کار آسان تر می شود. روبروی بچه بنشینید و با او چهره به چهره باشید وقتی که با او کار می کنید. کمک کننده یا زانو بزند یا پشت سر بچه بنشیند و شما بگویید اینجوری کن. شما دست بزنید و همزمان

کمک کننده دستهای بچه را از پشت بگیرد و به تقلید از شما شروع به دست زدن کند. فوراً برای خوب دست زدنش به او پاداش دهید.

گام ۴ : راهنمایی ها را محو کنید. (کمک کننده، کمک ها را کم کند) در عوض شما دستور کلامی را ارائه دهید و دست بزنید و بعد کمک کننده ، دستهای بچه را یک یا دو بار به هم بزند و اگر بچه حتی یک بار خودش به تنهایی دست زد، او را تشویق کنید. در تمرین های متوالی کم کم راهنمایی ها را محو کنید. فقط دستهای بچه را در موقعیتی ببرید که می خواهد دست بزند. در هر تمرین راهنمایی را انجام دهید که مطمئن هستید بچه با آن پاسخ صحیح می دهد. اگر بچه در دادن پاسخ مناسب در مراحل ارائه شده شکست خورد، برگردید و از راهنمایی های قوی تری استفاده کنید که بچه قادر شود جواب صحیح بدهد. در غیر این صورت راهنمایی کم نمی تواند مفید باشد. بچه را شرکت دهید و اصرار کنید به شما توجه کند و کار شما را انجام دهد، یا اینکه برای او مدل شوید.

تغییر برای دست زدن

در این جا روش هایی پیشنهاد شده است برای اینکه اگر شما شخصی را برای کمک کردن در دسترس ندارید.

گام ۱ : به گام ۱ (دست زدن) در بالا نگاه کنید.

گام ۲ : شما بگویید اینجوری کن. دستهای بچه را بگیرید و خودتان دست بزنید و دست های او را برایش به هم بزنید. در این روش، هر دوی شما در زمان یکسانی دست می زنید. بعد از چندین بار دست زدن، فوراً او را برای خوب دست زدن تشویق کنید.

گام ۳ : راهنمایی ها را کم کنید. دستور شفاهی بدهید و دست های بچه را بگیرید و با هم یکبار یا دوبار به هم بزنید و سپس خودتان چندین بار دست بزنید. در حالی که می گویید ((اینجوری کن)) فوراً برای خوب دست زدن به بچه جایزه بدهید. شما باید محو کردن راهنمایی ها را ادامه دهید. به جای اینکه دستهای بچه را برایش به هم بزنید، به او دستور شفاهی بدهید و دستهای بچه را بگیرید و فقط آن ها را در موقعیت دست زدن قرار دهید. شما فوراً چندین بار دست بزنید. اگر بچه پاسخ بدهد، حتی یکبار دست بزند به او فوراً جایزه بدهید. اگر بچه شکست خورد به گام ۲ برگردید.

گام ۴ : دستور شفاهی بدهید و شروع به دست زدن کنید. اگر بچه نتوانست از شما تقلید کند، او را راهنمایی کنید و دست هایش را تا کنار لباسش بالا ببرید. سپس دست زدن را ادامه دهید و بگویید ((اینجوری کن)). اگر بچه در پاسخ دادن مناسب شکست خورد به گام قبل برگردید و راهنمایی های واضح بیشتری را به کار ببرید. در این روش شما باید به گونه ای در آموزش بچه تأثیر داشته باشید که او بتواند بدون کمک دهنده از شما تقلید کند. وقتی بچه بوسیله تقلید صحیح از شما بتواند به مقدار معینی پاسخ دهد، رفتارهایی که یاد گرفته است را با هم مخلوط کنید و آموزش آن ها را شروع کنید. مثلاً باز کردن دست ها، لمس کردن بینی و دست زدن را به صورت تصادفی ارائه دهید. به خاطر داشته باشید که بچه باید تقلید

صحيحی از رفتارهای تصادفی که ارائه می شوند، داشته باشد. در غير این صورت او ممکن است به دستورات مخصوص یا متوالی پاسخ دهد.

فصل پنجم

طبقه بندی اشیاء ساده

گام ۱: ابتدا دو شیء که بچه شما باید طبقه بندی کند را انتخاب کنید (به اشیاء A و A⁻ اشاره کنید). این کار به شیء مخصوصی احتیاج ندارد. اما نباید شکل خیلی پیچیده باشد. برای مثال با یک جفت فنجان زرد شروع کنید. فنجان زرد را (شکل A) روی میز جلو بچه که کاملاً برای او شفاف و پیدا باشد، بگذارید. یک فنجان زرد به او بدهید (شکل A⁻) و آن را جلو بچه نگه دارید و مطمئن شوید که به آن نگاه می کند (ممکن است احتیاج باشد که به آن مورد اشاره کنید و به کودک بگویید نگاه کند). در حالی که A⁻ در دست شما است (فنجان) آن را به بچه بدهید و به او بگویید ((بگذار روی شکل خودش)) بچه شما باید فنجان A⁻ را بردارد و نزدیک یا روی فنجان A بگذارد. بعضی بچه ها به سختی جای اشیاء روی میز را می دانند. یک راه کمک به بچه ها این است که A را در یک ورقه ۳ اینچی قرار دهیم. وقتی کودک A را در جای یکسان (خودش) می گذارد باید او را تشویق کنیم. تکه هایی از کاغذ ۳ اینچی به او کمک می کند تا پاسخ صحیح را مشخص کند همچنین این کار به او برای نگاه کردن به مکان اشیاء نیز کمک می کند. (مخصوصاً اگر بزرگسال کاغذ را در موقعیتهای مختلف روی میز بعد از هر تمرینی جابه جا کند). شما باید به خاطر داشته باشید که در حال حاضر فقط یک شیء وجود دارد و کودک شما ممکن است خسته شود. وقتی شما برای شروع گام بعدی آماده می شوید، احتمالاً نگاه بچه منحرف می شود. ممکن است کودک شما نداند، از او چه می خواهید که انجام دهد. شما باید او را راهنمایی کنید که روی مثل خودش بگذارد. وقتی او یاد گرفت راهنمایی ها را محو کنید.

گام ۲: طبقه بندی اشیاء ساده - دو جفت: دو شیء B که می خواهید به بچه آموزش دهید را انتخاب کنید و تا جایی که ممکن است باید آن شیء از شیء اولیه متفاوت باشد. برای مثال: اگر شیء اول شما یک قاشق بوده است، یک چنگال را انتخاب نکنید. اگر اولین شیء شما (A) یک فنجان بوده، دومین شیء (B) یک جوراب را انتخاب کنید (A و B فنجان و قاشق) را روی میز جلو بچه بگذارید. سپس B یک قاشقی که روی میز است و می شناسد) را به او بدهید و بگویید ((بگذار روی مثل خودش)) اگر بچه اشتباه کرد به او اجازه ندهید که همان وقت آن را درست کند. به او بگویید ((نه)) و شیء را از او پس بگیرید و آن کار را دوباره شروع کنید. مشکل اصلی خود تصحیحی در طول آموزش این است که ممکن است بچه فقط جایگزین کردن یک پاسخ را بدون اینکه به چیزهای دیگر نگاه کند، یاد بگیرد. بهترین روش این است که قابل انعطاف شویم و روش های مختلف را برای اینکه ببینیم کدام روش برای بچه شما مفید است را به کار ببریم. اگر پاسخ بچه شما صحیح بود (B) را روی b⁻ نزدیک (A) به او پاداش دهید. ارائه b⁻ را ادامه دهید در حالیکه موقعیت شکل A و B را ثابت نگه می دارید تا بچه شما مقایسه مناسبی داشته باشد.

گام ۳: طبقه بندی اشیاء ساده - ارائه به صورت تصادفی موضوعات A و B را با فاصله یکسان از خط وسط روی میز جلو بچه قرار دهید A و B باید در روی میز در طول این گام ثابت باشند و وسایل A⁻ و B⁻ به صورت تصادفی ارائه دهید. برای مثال A⁻ را دوبار، سپس B⁻ را یکبار، A⁻ را یک بار و B⁻ را سه بار و ارائه بدهید. اگر کودک شما در گام ۱ نتواند شیء A⁻ را یا A طبقه بندی کند پیشنهاد می شود. شما ابتدا فقط یک موضوع را ارائه دهید. اگر شما وقتی شیء را به کودک می دهید، دست هایتان را تغییر دهید یا دست ها را

کنار میز یا کنار بدنانتان نگه دارید، شما ممکن است به صورت غیر عمدی کودکتان را به سمت شیء که در کنار میز است هدایت کنید. برای مثال: اگر شما شیء را با دست چپ به کودکتان می دهید، شما به صورت تصادفی می توانید کودکتان را به شیء که در دست چپتان است هدایت کنید به همین دلیل وقتی می خواهید شی را به کودک بدهید باید دست‌های شما ثابت باشد. دستتان را تا حد ممکن به کنار بیاورید و نزدیک خط وسط جلو چشم بچه قرار دهید. مطمئن باشید که در حین کار از اشارات زیاد بدنی یا اشارات صورتی خودداری کنید. بعد از اینکه شیء را به دست بچه دادید، مطمئن باشید بدنانتان را به سمت شیء خم نمی کنید. در حین کار آرنج تان را روی میز نگذارید. قبل از اینکه شیء را به بچه بدهید، به شیء صحیح نگاه نکنید. در حالی که او مشغول طبقه بندی است به او نگاه نکنید. در طی مراحل طبقه بندی هنگامی که او به مورد صحیح یا غیر صحیح نزدیک می شود لبخند نزنید و اخم نکنید. اگر کودک شما در انجام تکالیف مردد بود. احتمال بسیار زیادی وجود دارد که به شما نگاه کند. برای اینکه او خودش را مجبور به انجام تکالیف کند. از هر بازخوردی خودداری کنید.

احتمالاً این گام یکی از برنامه های بسیار مشکل است، زیرا انتخاب های زیادی وجود دارد که بچه باید در یادگیری قانون آن دستورات موفق شود.

گام ۴: اشیاء ساده را طبقه بندی کنید. موقعیت تصادفی: شیء A و B را روی میز در مسافتی مساوی در مقابل چشم کودک قرار دهید. در هر تلاش جدیدی به صورت تصادفی اشیاء (A و B) را به کودکتان بدهید همانند گام قبلی. علاوه بر این موقعیت اشیاء (B) و (A) را روی میز تغییر دهید. به این معنی که بعضی اوقات که A در سمت راست است، بعضی مواقع آن را در سمت چپ بگذارید. این آزمایش را ادامه دهید تا اینکه بچه متناسب با معیار شما شود.

گام ۵: اشیاء ساده را طبقه بندی کنید- سه جفت: شیء A یا شیء B را روی میز قرار دهید و شیء جدید C را جایگزین آن کنید. سعی کنید که شیء C از شیء A و B متفاوت باشد. برای مثال اگر شما از فنجان و چنگال استفاده می کنید، برای C از جوراب استفاده کنید. گام ۲ تا گام ۴ را تکرار کنید و از شیء C استفاده کنید و اشیاء دیگر را از روی میز بردارید. در گام ۲ شیء C را جایگزین شیء B کنید. وقتی گام ۴ را کامل کردید، دوباره شیء را نشان دهید و گام ۳ و ۴ را تکرار کنید و از هر ۳ موضوع استفاده کنید و هر سه شیء روی میز باشد (C)، B، (A ثابت باشد ولی اشیایی که به دست بچه می دهید را تغییر دهید). (C، B، A) به همان صورتی که شما اشیاء را به دست بچه می دهید، موقعیت اشیاء روی میز را تغییر دهید.

گام ۶: موضوعات ساده را طبقه بندی کنید. (۴ یا بیشتر از چند جفت). ۴ شیء را نشان بدهید (D) مانند قبل شیء D را ارائه دهید. به این معنی که گام های ۲ تا ۴ را با شیء D و یکی از اشیاء دیگر تکرار کنید تا بچه متناسب با معیار شما آن کار را انجام دهد. وقتی معیار شما رسیدن به گام ۴ است، یکی از دو شیء دیگر را دوباره نشان دهید و گام های ۳ و ۴ را با ۳ شیء انجام دهید. سرانجام اشیاء باقی مانده را نشان دهید و گام ۳ و ۴ را با چهار شیء تکرار کنید. وقتی این مرحله کامل شد، شما می توانید معرفی اشیاء جدید را در حین کارتان انجام دهید، گام ۲ تا ۴ را با شیء که نشان می دهید، تکرار کنید. وقتی بچه متناسب با معیار شما شد، سپس گام ۳ و ۴ را تکرار کنید تا اینکه همه ی موردهای قبلی را دوباره نشان دهید. اگر شما احساس کردید

اشیاء بسیار زیاد است و یا اگر جای آن ها را روی میز عوض کنید، کودک گیج می شود. آموزش موضوعات جدید را شروع نکنید و تعدادی از موردهایتان را نیز کاهش دهید. و موضوعاتی که قبلاً یاد گرفته را به او نشان ندهید. هنگامی که ۴ تا ۵ موضوع روی میز باشد شما می توانید گام ۳ و ۴ را تکرار کنید.

طبقه بندی رنگ ها

برای رنگ هایی که می خواهید طبقه بندی کنید به ۲ یا تعداد بیشتری از مربع های رنگی نیاز دارید. از مراحل شبیه مراحلی که برای آموزش طبقه بندی اشیاء استفاده شد، می توانید استفاده کنید. از لحاظ دیداری طبقه بندی رنگ ها نسبت به تصاویر یا اشیاء راحت تر است. از آن جایی که بچه این کار را دوست دارد، آن را در زمان تعیین شده و سریع انجام دهید. شما باید از این دستور استفاده کنید. (بگذار رنگ خودش). بهترین روش این است که این برنامه را حدود ۳ تا ۴ هفته انجام دهید (یک ساعت در روز یا بیشتر). اگر بچه پیشرفت نکرد، برنامه را برای یک ماه یا بیشتر کنار بگذارید و سپس آن را شروع کنید.

طبقه بندی شکل ها

از آن جایی که بچه فقط طبقه بندی رنگ ها را کامل کرده، اگر رنگ شی ای که شما به دست کودکتان می دهید با رنگ آن شی که روی میز است یکسان باشد ممکن است گیج شود. برای مثال: اگر یک چهار گوش زرد و یک گردی سبز روی میز است و شما به بچه تان یک گردی زرد می دهید ممکن است او به رنگ توجه کند و به شکل آن توجه نکند. بنابراین پیشنهاد می شود چیزی که بچه ی شما را در کار گیج می کند را حذف کنید تا هدف شما را از هر دو کار بفهمد. یک راه برای اجتناب از اشتباه در طبقه بندی کردن شکل ها با رنگ ها این است که شکل ها را با رنگهای یکسان انتخاب کنید. وقتی شما شکل هایی با رنگ های متفاوت به بچه نشان می دهید، مطمئن باشید هر شکلی را که به او می دهید، رنگ های متفاوت داشته باشد یا همه ی شکل های روی میز رنگ یکسانی داشته باشند. توصیه می شود موردی که به بچه می دهید از نظر رنگ با مورد متناظر روی میز متفاوت باشد و آنچه که به بچه می دهید باید رنگی متفاوت از چیزی که مورد آزمایش جدید شما است را داشته باشد. شما باید در این برنامه به شکل توجه داشته باشید، نه به رنگ و باید به بچه هم این برنامه را آموزش دهید. وسایل مورد نیاز این کار ممکن است از قطعات متفاوت بریده شده ی مقوای رنگی، کاغذهای رنگی و یا پلاستیک باشد شما ممکن است بخواهید به بچه آموزش دهید که طبقه بندی شکل ها را به وسیله ی نشان دادن شکل هایی که در اندازه متفاوت هستند، تعمیم بدهد. یک کارت را با اندازه ی ۱۲ اینچ با شکل های متفاوت (مثلث، مربع، دایره) روی میز جلو بچه بگذارید. حالا کارت کوچکتری به شکل مثلث با اندازه ی ۲ اینچ به او بدهید و از او بخواهید که آن ها را طبقه بندی کند. این روش می تواند برای طبقه بندی اشکال دیگر هم استفاده شود.

فصل ششم

تقلید صداها و کلمات

مرحله اول: تولید صدا

تولید صدا عبارتست از: هر صدای ایجاد شده توسط تارهای صوتی نظیر خرخر کردن، قهقهه زدن، بیج بیج کردن، ((آه گفتن)) و ((ای)) گفتن هدف این مرحله از برنامه، افزایش بسامد این آواهای ایجاد شونده می باشد.

گام اول: شما و کودکتان باید رو در روی یکدیگر و با فاصله ۱/۴۸ تا ۲/۹۶ سانتی متر دور از هم بنشینید. در موقعی که بچه ها، ساکت می شوند (ایجاد صدا را متوقف می کنند) وقتی ناراحت می گردند، این موضوع حائز اهمیت است که موقعیت مورد نظر را تا حد ممکن دوستانه کنید و باعث خوشحالی او شوید. سعی کنید تا از به کار بردن تنبیهات جزئی به مقدار زیاد جهت کنترل کج خلقی ها و رفتار خودسرانه بپرهیزید. زیرا این مورد باعث می شود تا او به طور کامل ساکت و بی صدا گردد. ولی هر مورد کج خلقی و رفتار خودسرانه باید در سطح قابل کنترل باشد.

گام دوم: بگویید ((حرف بز)) و بلافاصله هر پاسخ آوایی (ایجاد صدا) را با تحسین کردن و غذا دادن پاداش دهید. باید دستور مورد نظر را هر ۵ تا ۱۰ ثانیه تکرار کنید.

گام سوم: اگر بچه شما، هیچ صدایی را ایجاد نمی کند. باید او را به طور فیزیکی (با غلغلک دادن، در آغوش گرفتن یا فعالیت بدنی مانند پریدن) کمک کنید که باعث می شود تا او صدایی ایجاد نماید.

بلافاصله هر صدایی را که بچه شما ایجاد می کند، تقویت نمایید. در هنگامی که بچه، ۱۰ مورد ایجاد صدا یا بیشتر از آن را به طور گسترده در هر دقیقه و در هر دوره زمانی ۲ یا ۳ دقیقه انجام نمود می توانید تصور کنید که بچه مرحله اول را با مهارت فراگرفته است و او آن را به خوبی می شناسد.

مرحله دوم: تحت کنترل آوردن آواهای ایجاد شده

هدف از مرحله دوم این است که بچه یاد بگیرد بعد از آن که به او گفتید: ((حرف بز)) ظرف ۳ ثانیه، صدایی را ایجاد کند. در مرحله اول به او تعلیم دادید که می تواند با استفاده از ایجاد صدا، مقدار پاداش ها را کنترل نماید. اکنون به او چیزهایی، را یاد خواهید داد که تا اندازه ای پیچیده تر هستند.

گام اول: شما و بچه تان باید رو در روی هم با فاصله ای در حدود ۱/۴۸ تا ۲/۹۶ سانتی متر دور از هم بنشینید.

گام دوم: بگویید: ((صحبت کن)) و با تشویق کردن و غذا دادن، هر پاسخ آوایی ایجاد شده در حدود ۳ ثانیه بعد از درخواست تان را تقویت کنید. این موارد آموزشی باید ادامه یابند، تا زمانی که بچه ظرف مدت ۳ ثانیه، برای ۱۰ آزمایش پی در پی بر مبنای دستورتان پاسخی آوایی را ارائه دهد.

گام سوم: اکنون فاصله زمانی بین دستور شما و پاسخ او باید در حدود ۲ ثانیه کاهش یابد. اکنون بچه شما باید ظرف ۲ ثانیه بعد از فرمان شما مبنی بر ((صحبت کن)) پاسخی را بر اساس ایجاد صدا ارائه نماید.

گام چهارم: در موقعی که بچه، در فاصله زمانی ۲ ثانیه ای به منظور میزانی در حدود ۱۰ آزمایش پی در پی موفق شده است. پس از آن این فاصله زمانی به میزان یک ثانیه کاهش می یابد.

هنگامی که بچه ظرف یک ثانیه پس از بیان تقاضا از سوی شما به ۱۰ آزمایش پی در پی پاسخ آوایی می دهد، وارد مرحله سوم شوید. آواهای اختیاری (یعنی آواهایی که خارج از برنامه زمانی در رابطه با تبعیت از درخواست شما مبنی بر جواب به ((صحبت کن)) ایجاد می گردند، به اندازه اندکی باید پاداش داده شوند که با تکان دادن سر و گفتن ((کلمه خوبی بود)) تحسین گردد. شما باید به آوایی که ظرف فاصله زمانی آزمایش روی می دهند، تقویت کننده های وسیعی (مثل غذا و بوسه) را در نظر بگیرید. برخی از افراد، در تمام مدت آموزش اولیه آوای اختیاری را تقویت نمی کنند، زیرا احتمال دارد کار بچه را سخت تر کند چون کودک نمی تواند تشخیص دهد کدام رفتار در حال تصدیق شدن است. یعنی اگر او به خاطر اختیاری بودن رفتار، پاداش گیرد، موقعی که به خاطر ایجاد صدا تشویق می شود را درک نمی کند.

مرحله سوم: تقلید یا ادای صداها

هدف از این مرحله، این است که به کودکان آموزش دهید تا صداها را تقلید کنند که بعداً در جریان گفتن کلمات به کار می روند. کودک شما باید یاد بگیرد تا ۱۰ صدا را ادا نماید.

آ ب ف د ک م و ای پ ت

صدای اول:

روش زیر، برای آموزش به بچه، به منظور ایجاد نخستین صدا، بر اساس تقلید از صدای شما، به کار برده می شود.

گام اول: شما و کودکان باید رو به روی هم به فاصله ۱/۴۸ تا ۲/۹۶ سانتی متر، دور از هم بنشینید.

گام دوم: برای هر آزمایش، یک صدا را بگویید مثل ((آ))

گام سوم: در ۵ آزمایش نخست به هر صدایی که بچه ظرف ۳ ثانیه بعد از صدای شما، تولید کرد. حتی اگر شباهت نزدیکی با صدای شما داشت به او پاداش دهید. به عنوان مثال، اگر در آزمایش آغازین، شما در حالی که می گوید((آ)) او در جواب بگوید((آ)) یا ((ا)) این جواب قابل قبول است.

گام چهارم: برخی از صداها را که شما ایجاد می کنید را بچه نمی تواند تلفظ کند، در این موارد باید از راهنمایی دیداری یا فیزیکی استفاده کرد تا شباهت نزدیکی را با صدای خود برقرار کنید.

در روش راهنمایی دیداری، وقتی صدایی را تلفظ می کنید، شکل دهان خود را به طور برجسته و واضح به او نشان دهید. به عنوان مثال هنگامی که می گوید((آ)) باید دهان خود را تا حد امکان باز کنید و بچه را به خاطر تقلید از شکل دهان شما، پاداش دهید. خواه صدا را تولید کرده باشد یا نکرده باشد. (در این مرحله

شکل دهان به حالت صدا بیشتر مورد نظر است). در صورت نیاز دهانش را باز کنید. هنگامی که بچه، به طور موفقیت آمیز، شکل دهان شما را تقلید کرد از او بخواهید تا در همین حال صدایی را ایجاد کند.

صدا یا آوای حاصل شده، باید حداقل شباهت کمی با صدایی که شما ایجاد کردید، داشته باشد.

راهنمایی دیداری ادامه داده می شود، تا زمانی که بچه صدایی نظیر آنچه شما ایجاد کردید را برای ۵ بار پی در پی ایجاد کرده باشد. در روش راهنمایی فیزیکی دهان بچه را به شکل مناسب نگه دارید. هنگامی که بچه، صدا را ایجاد می کند. همچنین هنگامی که با نگه داشتن لب های بچه بر روی همدیگر آوایی را سر می دهد. می توانید صدای ((م)) را با راهنمایی کردن او به صورت فیزیکی ایجاد نمایید. این راهنمایی بچه را وادار می کند تا حداقل صدایی نه چندان دقیق همانند صدای شما ایجاد نماید.

گام پنجم: بعد از این که بچه به مدت ۵ بار صدایی شبیه به صدای شما را به طور نه چندان دقیق ایجاد کرد پاسخ او به گونه ای طراحی می گردد که صدایی را ایجاد کند که بیشتر از پیش به صدای شما، شباهت دارد. یعنی بر اساس تمرینات موفق، او را وادار کنید تا صدایش را تا حد امکان، شبیه به صدای شما نماید.

گام ششم: وقتی بچه صدای نخست را برای ۱۰ بار پی در پی به طور صحیح ادا کرد. آموزش تقلید صدای دوم را آغاز کنید.

دومین صدای انتخاب شده برای آموزش تلفظ کلمه، باید از صدای اول کاملاً متفاوت باشد. به عنوان مثال، اگر در ابتدا صدای ((آ)) یاد داده شد، صدای ((م)) دومین صدای مناسب خواهد بود.

گام اول: مراحل ۱ تا ۶ که در آموزش صدای اول به کار برده شده را برای آموزش بچه به منظور ادا کردن صدای دوم ((م)) نیز استفاده می شوند.

گام دوم: بعد از این که بچه، صدای دوم ((میم)) را به مدت ده بار پی‌پی، به طور درست تلفظ کرد. صدای اول ((آ)) را دوباره بیان کنید. آزمایش کردن و آموزش دادن را ادامه دهید، تا این که بچه شما یادگیرد، ۵ بار پی‌پی جواب را تکرار کند.

گام سوم: گام های اول و دوم را تکرار کنید، تا زمانی که بچه در جریان پاسخ، یا انجام رفتار، برای هر آزمایش در آغاز کار فقط یک اشتباه را مرتکب گردد و در واقع در اولین بار تلفظ هر کلمه، غلط داشته باشد و در دفعات بعدی این غلط ها را تکرار نکند.

گام چهارم: اکنون باید حالت تغییر صداهای یاد داده شده را با دو صدا آغاز کنید. به عنوان مثال ((آ)) و ((میم)) و ((آ)) و ((میم)) و ((آ)) و ((آ)) و ((آ)) و ((آ)) و ((آ)) و ((آ)) و ((آ)) و ((آ)) و ((آ)).

اگر در طول این مرحله، بچه یکی از صداها را جا انداخت، دوباره باز گردید و آن را بیان کنید. سپس دو صدا را در حالت تغییر و جابه جایی قرار دهید. به جابه جا کردن صداها ادامه دهید تا زمانی که بچه، به طور دقیق با این صداها، واکنش درست داشته باشد. اکنون بچه شما آماده است تا صدای سوم را تقلید کند.

صدای سوم:

گام اول: روش آموزش این صدا، همانند روش به کار برده شده برای آموزش دو صدای نخستین است.

گام دوم: بعد از این که بچه توانست هر صدای جدیدی را تلفظ کند. باید بازنمایی هایی از صدای جدید را به طور متغیر، همراه با بازنمای های صداهای آموزش داده شده قبلی، با هم ترکیب کنید. تا زمانی که بچه به طور دقیق به دستور شما پاسخ درست داده و آن را با دقت اجرا کند.

گام سوم: وقتی بچه شما بتواند ۶ تا ۱۰ صدا را تقلید نماید، باید وارد مرحله بعد شوید، در حالی که صامت ها و مصوت ها و کلمات را ایجاد می نماید. باید آموزش را ادامه دهید تا به کودکان یاد دهید، صداهای موجود در لیست زیر را تقلید کرده، تلفظ کند. در هنگام کار کردن با بچه در رابطه با تقلیدهای شفاهی آگاه باشید که این امر هم برای شما و هم برای بچه کاری سخت است به طوری که ممکن است بچه پس رفت کند یعنی کج خلقی و خودسری را آغاز نماید.

در این صورت، باید به مرحله قبل باز گردید و او را آرام نمایید.

مرحله چهارم: تقلید کلمات: (تلفظ)

کلماتی که جهت آموزش، انتخاب می کنید، باید شامل صداهایی باشند که بچه بتواند به راحتی آن ها را تلفظ کند. بهتر است این برنامه را با کلماتی آغاز نمایید که دارای صداهای مشابه باشند مثلاً (دو جزء شبیه به هم مثل (مامان) یا (بابا) یا صداهایی تقریباً مشابه مثل ((مامان)) یا ((بابا)) یا صداهایی تقریباً مشابه یا (نی) هستند. کلمات متشکل از صداهای خیلی نامتشابه (دارای دو جزء متفاوت مانند ((میز)) و ((ساعت)) باید بعداً ارائه گردند.

کلمه اول:

گام اول: برای چند آزمایش اول (۲۰ تا ۵۰ مورد) کلمه مثل ((مامان)) را بگویید و هر شباهت تقریبی که در بردارنده صداهای اصلی کلمه مورد نظر است را تقویت کنید. همچنین ((ما)) ((مما)) ((ما-آ)) یا ((ماک)) تناسب های آغازین مناسب برای کلمه ((مامان)) است و کلمه ((گاک)) تناسب نزدیکی با ((گاگا)) دارد.

گام دوم: در صورتی که بچه در چند آزمایش اول توانست کلمه ای نزدیک به کلمه شما را به طور مقدماتی ارائه دهد و کلمه ای را بیان کند که تا اندازه ای به کلمه شما شباهت داشته باشد باید آموزش های بعدی را در جهت تصویرسازی کامل کلمه به کار برید، تا بچه بتواند آن را با تناسب بیشتری تلفظ کند. یعنی درآزمون مورد نظر وقتی بچه کلمه ای را تلفظ می نماید که تا اندازه زیادی به نوع مورد نظر، شباهت دارد باید پاسخ او را تقویت کنید. روش کامل کردن یک رفتار را بر اساس تصویر کامل آن، ادامه دهید.

تا زمانی که شباهت تلفظ بچه با کلمه شما به قدری واضح گردد که اکثر افراد، بتوانند آن را به راحتی بفهمند، جواب بچه نیاز به تلفظ دقیق مثل تلفظ شما ندارد و تقلید مناسب کلمه ((غلغلک)) به صورت ((غلغل)) یا ((غلغلک)) خواهد بود.

گام سوم: بچه شما در مراحل اول آموزش در برخی لغات مشکل پیدا می کند و نمی تواند آن ها را مشابه با کلمات شما تلفظ کند. به طوری که حتی شباهت نه چندان دقیقی هم، بین آن ها وجود ندارد.

به عنوان مثال، بچه ممکن است در تقلید یک یا چند صدا، که کلمه مورد نظر را تشکیل می دهند، ناقص عمل کند. یک شباهت نامناسب کلمه ((مامان)) کلمه ((آ)) است.

شباهت نامناسب ((گاگا)) کلمه ((ک)) یا ((گ)) است.

در حالی که از یک روش صورت سازی (جزء جزء کردن کلمه) استفاده می نمایید. باید کلمه مورد نظر را ایجاد کنید. کلمه را به صداهای ترکیبی اش، تقسیم کنید و هر صدا را به عنوان آزمون جدا، مورد استفاده قرار دهید. مثلاً ((مامان)) به صورت ((م)) - ((ا)) ((ما)) ((اما- مامان)) تجزیه می شود. وقتی ترکیب مورد نظر فراهم می گردد، بچه هر کدام از آن ها را تلفظ می کند، و به خاطر تکرار کردن هر ترکیب تقویت می شود. در این ترکیب، شما می توانید کلمات دیگر را به کار برید و همانند روش زیر، از آن ها استفاده کنید.

فرد بزرگسال: ((آ))

بچه: ((آ))

فرد بزرگسال: ((آفرین!)) ((ما))

بچه: ((آ))

فرد بزرگسال: ((م م))

بچه: ((م م))

فرد بزرگسال: ((آفرین!)) آ

بچه: ((آ))

فرد بزرگسال: ((م م))

بچه: ((م م))

فرد بزرگسال: (منتظر می ماند تا بچه بگوید((آ))

بچه: ((آ))

فرد بزرگسال: ((آفرین)) (دوباره تکرار می کند).

نکته آموزشی در این جا، این است که شما از بچه می خواهید تا دو صدای متفاوت، را در کنار هم قرار دهد یا به هم متصل سازد و صدایی را بر زبان آورد. به عنوان مثال گفتن ((م)) علامتی است از طرف بچه برای گفتن ((ما)) در حالیکه در ابتدا او را برای گفتن ((آ)) هیچ گونه راهنمایی نمی کنید. این روش را با کاهش دادن راهنمایی از سوی خود و ((گفتن آ)) ادامه می دهید تا این که در پایان آن را کامل کند. نوشتن جزئیات

مربوط به ساختن کلمه، اول روشی مشکل است و باید تمام امکانات را به کار برید. تا به یک بچه خاص کمک نمایید تا صحبت کند.

به عنوان مثال، اگر در حال کار کردن بر روی ((ما)) هستید، موقعی که می گوئید ((ما)) بچه ممکن است بگوید ((آ)) زیرا صدای آخر کلمه شما یعنی ((ما)) صدای ((آ)) است که برای او قوی ترین صدا می باشد از این جهت که او، آن را واضح تر از صداهای دیگر می شنود. اگر بگویید ((م)) او می گوید: ((ما)) بنابراین گاهی مواقع بگویید: ((م)) سپس ((آ)) را به کار برید و وقتی می گوید ((ما)) او را تشویق کنید. بعد از این که ، بچه ترتیب درست کلمه بر اساس روش ذکر شده را با انجام ۵ مورد بازنمایی مداوم انجام داده است. به تدریج کلمات دیگر را جانشین سازید و آن را سرعت بخشید. در موقعی که میزان بازنمایی کلمه افزایش می یابد، موارد تقویت کننده موجود بین صداهای ترکیبی به تدریج کاهش داده می شوند. در این هنگام، نتیجه ممکن است این گونه باشد:

فرد بزرگسال: ((ما))

بچه: ((ما))

فرد بزرگسال: ((ما-ما))

بچه: ((ما))

فرد بزرگسال: (منتظر می ماند تا بچه ((ما)) دوم را بگوید یا او را راهنمایی می کند)

بچه: ((ما))

فرد بزرگسال: ((خیلی خوب است!))

ترکیب کردن بازنمایی های اجزای یک سیلابی و دوسیلابی کلمات مثل ((ما)) و ((ما-ما)) ((ما-مان)) و ((ما)) حائز اهمیت است تا بر اساس آن به او کمک شود تا بین این دو نوع صدا، تشخیص قائل گردد. بچه ممکن است بین گفتن صداهای کلمه مورد نظر برای مدت زیادی، مکث اندکی داشته باشد. مثل ((ما))..... ((مان)). لیکن، با به کار بردن تقویت کننده های انتخابی برای مواردی که در آن، بچه کلمه را با مکث اندک می گوید، به تدریج می توان این مکث ها را محدود کرد.

کلمه دوم:

دومین کلمه ای که برای آموزش تقلید شفاهی به کار برده می شود. باید از کلمه اول، کاملاً متفاوت باشد. به عنوان مثال اگر کلمه ((مامان)) به عنوان کلمه اول آموزش داده می شود، کلمه ((نی نی)) به عنوان کلمه دوم برای آموزش مناسب است. ممکن است کلمه ((بابا)) یا ((به به)) را به عنوان وجود شباهت های مناسب، بپذیرید. کلمه دوم، همانند مورد اول باید از صداهایی تشکیل شده باشد که بچه بتواند به طور مجزا آنها را تلفظ کند.

کلمه دوم باید به همان روشی که کلمه اول، آموزش داده شد، تعلیم داده شود. بعد از این که بچه کلمه دوم را برای ده بار پی در پی به طور درست بیان کرد. روش گوناگونی برنامه ها را با دو کلمه آغاز کنید روش گوناگونی را به همان روشی که قبلاً توضیح دادیم به کار ببرید. اولین کلمه را به بچه بگویید. این کلمه را آن قدر تکرار کنید، تا زمانی که بچه برای پنج بار متوالی به طور صحیح آن را بیان کند. ممکن است مجبور شوید تا در مراحل اولیه کلمه را با راهنمایی به او بگویید. یعنی به همان صورت که در آموزش اولیه انجام دادید، کلمه را به صداهای ترکیبی اش تقسیم نمایید. اکنون کلمه دوم را دوباره معرفی کنید. این کلمه را آن قدر تکرار کنید تا بچه برای پنج بار متوالی به طور صحیح بتواند آن را تقلید نماید. سپس دو کلمه را بیان دارید تا زمانی که بچه آنها را تلفظ کند، هر بار که کلمه ای را می گوید و بچه فقط دفعه اول، غلط جواب داد. از روش ((دگرگونی و تغییر کلمه)) استفاده کنید تا کلمه ها به خوبی فهمیده شوند.

معرفی کلمات دیگر:

وقتی کلماتی را آموزش می دهید که دارای اجزای گوناگون صدا هستند، با جزء آخر کلمه شروع کنید و از پایان کلمه به سمت جلو حرکت نمایید. این نوع روش ((اتصال وارونه)) نامیده می شود. به عنوان مثال اگر کلمه ((مامان)) را کار می کنید. ابتدا ((مان)) را تعلیم دهید و سپس ((ما)) را در کنار آن بگذارید. اگر کلمه ((کلوچه)) را به او تعلیم می دهید، همین که بگویید ((چه)) برای او کافی است آن را به طور کامل ((کلوچه)) بیان کند. سپس از او بخواهید تا بگوید ((کلو- چه)) وقتی یک کلمه را از هم جدا می نمایید، معمولاً آن چه که اتفاق خواهد افتاد این است که در ابتدا به صورت ((خودکار یا اتوماتیک)) بیان می شود، گویی که در آغاز دو جزء مستقل از هم بودند درباره این مورد نگران نباشید. وقتی مشاهده نمودید که او به این روش عادت کرد و کلمه ها را به طور دو جزیی بیان نمود. بدانید که در مواقع آتی، او تقویت خواهد شد تا مانند شما آن ها را بیان کند. به خاطر داشته باشید که کلماتی را به او یاد دهید که برایش کاربردی باشد، یعنی کلماتی که بتواند نیازهای خود را با آن برآورده سازد و منظورش را بیان کند. به عنوان مثال ((بالا)) کلمه خوبی است، زیرا می تواند یاد بگیرد که در مواقع لازم آن را به کار برد، به طوری که وقتی می خواهد بلند شود، آن را مورد استفاده قرار می دهد، ((کلوچه)) یک کلمه مطلوب است زیرا با گفتن آن کلوچه دریافت می کند. ((بازکن)) یک کلمه خوب می باشد، زیرا وقتی به او یاد داده می شود، در هنگام شنیدن این کلمه می فهمد که وقت بازکردن در است و می تواند به بیرون برود. خیلی از بچه ها، می توانند برخی از کلمات را قبل از این که، آموزش را آغاز کنید، بیان نمایند. اما هنگامی که از آن ها می خواهید، آن را نمی گویند و به ندرت به طور مناسب کلمه را به کار می برند.

توصیه ما این است که سعی کنید تا با اطمینان آن ها را به کار برده و در صورتی که پیشرفتی حاصل نشد، دوباره به سمت موارد ساده باز گردید و آن را کنترل نمایید. صداهای ساده را به کار ببرید یا برای شروع برنامه از کلمات ساده استفاده کنید. در پایان خیلی از تمرینات غیر صوری همراه با کلمات و صداهایی که بچه می تواند تلفظ کند را فراهم نمایید. در همه جا آن را انجام دهید و آن را به عنوان یک بازی سرگرم کننده مدنظر قرار دهید. اگر این طور عمل کند، می تواند زبان را به خوبی فرا گیرد که در این صورت برای او مطلوب است.

زیرا با کلمات و بیان آن‌ها، بازی می‌کند، بیش از پیش از شما تقلید می‌نماید، حتی اگر معنای آنچه را که می‌گوید، نداند. (در مراحل بعد، می‌توانید معنای کلمات را به او آموزش دهید.)

مرحله پنجم: تقلید صدا، زیر و بم و سرعت

وقتی بچه یاد گرفت کلمات اولیه‌ای که آموزش دیده را بیان کند، ممکن است در بخش‌های میزان صدا (بلند و آهسته)، زیر و بم (تن صدا) و سرعت بیان کلماتی که می‌گوید، مشکلاتی را نشان دهد. این مشکلات با استفاده از روش تجزیه یک رفتار، درمان می‌گردند.

تقلید صدا:

گام اول: یکی از صداهایی را که بچه شما می‌تواند بیان نماید را با صدای خیلی بلند بگویید. در آزمایش اول بچه را به خاطر تقلید یا بیان صدا به طور ساده تقویت کنید. او را به گونه‌ای آموزش دهید که میزان صدای شما را تقلید کند یعنی در هر مورد آموزش در حال جریان، در صورتی بچه را تشویق نمایید که صدا را به طور درست تقلید کند و در صورتی که صدای پاسخ، نسبت به میزان کلمه‌ای که بیان می‌گردد، بلندتر باشد. باید با تحریک بچه و حرکت دادن او به این سو و آن سو و با نشان دادن حالت بلند بودن صدا و نشانه‌های خاص در رابطه با بلند کردن صدا او را راهنمایی کنید. مثل نقش یک فرد تماشاچی که تیم مورد نظر خود را با کلمات مخصوص تشویق می‌کند، سعی کنید تا او را در ایجاد صدای بلند راهنمایی نمایید. تمرین ادامه داده می‌شود تا زمانی که بچه میزان صدای شما را تقلید کند.

گام دوم: صدای دوم را با صدای آهسته تر (نجوا) ایجاد کنید. با حالت خیلی آرام در حالیکه کودک را ساکت می‌کنید. آرام بودن را به او نشان دهید. انگشتان خود را بر روی لب‌هایش بگذارید. بچه در صورتی که صدا را به طور صحیح بیان کند و اگر بلندی صدای او به همان میزانی باشد که مورد نظر شما می‌باشد تشویق می‌گردد. آموزش را ادامه دهید تا زمانی که بچه صدای آرام شما را تقلید کند.

گام سوم: اکنون باید صدای آرام و صدای بلند را به روش تغییر و جابه‌جایی با هم به کار ببرید. صدای بلند را با نشانه خاص خودش (حالت حاکی از بلند بودن) و صدای آرام را با حرکت آرام نشان دهید. به تدریج این نشانه‌های راهنما را کاهش دهید. این دو صدا را به طور متغیر به کار ببرید. تعلیم و آموزش ادامه داده می‌شود.

تا زمانی که بچه از حالت صدای بلند وارد صدای آرام گردد و به آسانی این دو حالت را انجام دهد.

گام چهارم: پس از آن صداهای جدید را معرفی کرده و بلندی و آرامی صدا را تمرین کنید. آموزش بچه را ادامه دهید تا زمانی که بتواند هر صدای جدید را به میزان مناسب بیان کند.

گام پنجم: بعد از این که صداها ارائه گردیدند و بچه توانست در همان زمان آغازین زیر و بمی آنها را تقلید کند. یک نشانه سه صدایی مثل ((دا-دی-دا)) را ارائه دهید، در حالی که آن را در زیر و بم‌های گوناگون (تن پایین و بالا، پایین)) می‌گویید. پاسخ بچه را بر اساس رفتار کاملش، شکل دهید تا زمانی که بتواند، الگوی زیر و بم صدایی که ایجاد می‌کنید را تقلید نماید. در هنگامی که بچه، نشانه سه صدایی را یاد گرفته است،

مورد بعدی با (الگوی متفاوتی از زیر و بم ها معرفی می شود و الگوی تقلیدی بچه، در رابطه با زیر و بم های دوباره طراحی می گردد تا رفتار آوایی شما را تقلید کند) نشانه های جدید سه بخشی، معرفی می شوند و پاسخ های او طراحی می گردند تا زمانی که بتواند الگوی زیر و بم های صدا را در دفعه اول تقلید کند.

تقلید شتاب یا سرعت بیان صدا:

گام اول: صدایی که بچه بتواند، بیان کند را انتخاب کنید و از او بخواهید سه تا چهار مرتبه آن را تکرار نماید. صداهایی که می توان برای شروع کار انتخاب کرد عبارتند از ((دا- دا- دا)) یا ((می - می - می)) که برای آموزش آن ها(همانند آموزش بچه جهت تقلید زیر و بم و میزان آرامی و بلندی صدا) در ابتدا لازم است تا تنها صداهای علامت مورد نظر را بیان دارد و سپس به تدریج رفتار مورد نظر شکل گیرد، به گونه ای که وقتی علامت یا صدای مورد نظر گفته می شود، آن را با سرعت تقلید کند.

گام دوم: اکنون نشانه یا مورد دوم را به میزان اندک، ارائه دهید. سپس این دو نشان یا کلمه را جابجا کنید تا زمانی که بچه بتواند به آسانی سرعت بیان آن ها را حفظ کند.

گام سوم: کلمات بعدی را هم به صورت تند و هم به صورت آهسته بیان دارید و پاسخ او را طراحی کنید. تا زمانی که سرعت بیان و باز نمایی کلمات مورد نظر را به خوبی تقلید کند.

فصل هفتم

مهارتهای مناسب بازی کردن :

بازی کردن با BLOCK ها: Block (نوعی وسیله بازی است که از تعدادی شیء رنگی به شکل مربع، مستطیل یا نیم دایره تشکیل می گردد، که با اتصال آن ها به یکدیگر یا قرار دادن آن ها در کنار هم، یک شکل خاص مانند ساختمان یا خانه و ... درست میشود). باید به بچه یاد بدهید که چگونه می تواند با بلوک ها، ساختار ویژه ای بسازد. در حالی که کار شما را به عنوان یک مدل مورد استفاده قرار می دهد بگذارید خودش این کار را انجام دهد. در پایان، امید است کودک بتواند از ابتکار خودش استفاده کند و شکل هایی را که از طریق نمونه سازی به او یاد داده شده را بسازد. در این روش بازی مستقل به او یاد داده می شود. در جریان آماده کردن شرایط جهت آموزش این نوع بازی، شما و بچه باید رو به روی یکدیگر در طول یک متر بنشینید، در حالی که وسعت آن به قدر کافی باشد تا بتوانید به هر کدام از بلوک ها دست یابید، به طوری که آن ها را بین خود و بچه بر یک طرف میز قرار می دهید. در آغاز این برنامه باید تنها بلوک های اندکی در این مجموعه بازی داشته باشید. اما به همان میزانی که آموزش توسعه داده می شود، باید مقدار بلوک ها را اضافه کنید، به گونه ای که تعداد زیادی از آن ها جهت انتخاب موجود گردند.

گام اول: یک بلوک را از جعبه بازی بردارید و آن را در جلوی خود قرار دهید و بلوک مشابهی را در جلو بچه بگذارید. در آموزش این برنامه همانند آموزش رفتارهای دیگر، باید با ساده ترین شکل آغاز کنید. از بچه بخواهید تا در جریان تقلید از رفتار شما مبنی بر دست زدن به بلوک مشابه شما و برداشتن آن، این کار را انجام دهد یعنی یک بلوک را بردارد. می توانید با این دستور شروع کنید. ((اینطوری انجام بده)) یا ((این کار را بکن)).

سپس بلوک را بردارید، از بچه نیز بخواهید تا بلوکش را بردارد. او را راهنمایی کرده و سپس آن را کاهش دهید. در ابتدا ممکن است بلوک شما را بردارد، اما به او یاد دهید تا بلوک خودش را بردارد. پس از آن وارد مرحله آموزش رفتارهای پیچیده تر مثل برداشتن بلوک خود و قراردادن آن در جای اول شوید. شاید مرحله بعدی این باشد که بلوک خود را بچینید و یکی، دوبار آن را بر هم بزنید. سپس از بچه بخواهید تا این کار را بکند و در صورت نیاز او را کمک کنید، سپس آن را کاهش دهید تا زمانی که کار را به خوبی یاد بگیرد.

گام دوم: اکنون به بچه یاد دهید تا دو بلوک را بردارد، می توانید این کار را با قرار دادن دو بلوک در جلو خود و دو بلوک مشابه در جلو بچه شروع کنید، اول یک بلوک و سپس بلوک دیگر را بردارید. کودکتان را وادار کنید تا این گونه عمل کند. سپس او را تقویت کنید. به این صورت که وقتی بلوک اول را دست زده اید و سپس بلوک دوم را بر می دارید، بچه نیز باید مانند شما انجام دهد. یک بلوک را بردارید و بر روی بلوک دوم بگذارید و سپس بچه را وادار کنید تا مانند شما با بلوک هایش بازی کند. هنگامی که بچه، قرار دادن دو بلوک بر روی هم را از شما تقلید کرد، استفاده کردن از ۳ یا ۴ بلوک را شروع نمایید و تا ساختن یک برج ادامه دهید.

گام سوم: وقتی بچه حرکت به سوی بلوک های موجود در اطراف و مرتب کردن آن ها در کنار هم را به منظور ساختن یک برج شروع کرد. برای شما گام نسبتاً ساده ای است که بلوک ها را به گونه ای قرار دهید تا شکل های خیالی بیشتری مثل یک پل را بسازید. برای انجام این کار باید ساختن پل را به او نشان دهید.

گام چهارم: وقتی بچه، ترکیبات ضروری ساختن را در جریان تقلید از شما یاد گرفته است باید آن ساختمان را به هم بزنید و از او بخواهید تا آن را دوباره بسازد سپس به تدریج وقتی یک برج را ساخت، به او یاد دهید تا آن را ((برج)) بنامد. در حالی که ساختمان خود را به عنوان یک علامت راهنما، از او دور می سازید، به او یاد دهید تا طبق دستور ((یک برج بساز)) آن را انجام دهد. هدف از این مرحله، این است که بازی کردن با اسباب بازی هایش را تحت کنترل شفاهی خود قرار دهید به گونه ای که فقط به او می گویند که با بلوک ها چه چیزی بسازد و مجبور نیستید تمام کار را خود انجام دهید. تمام ترکیبات و نوآوری هایی که می توانید با بلوک ها و اشیاء (مثل حیوانات، تصاویر و ماسه بازی) ایجاد نمایید، می توانند کاملاً پیچیده و تخیلی باشند.

بازی کردن با اسباب بازی ها:

یکی از ساده ترین کارها در آموزش مهارت های مناسب بازی کردن، تعلیم بچه به منظور بازی با اسباب بازی های ساده مثل عروسک ها و ماشین ها می باشد دوباره همانند آموزش بازی با بلوک ها، از هر کدام دو مورد را فراهم نمایید. در صورتی که می خواهید بچه شما با عروسک ها بازی کند. مرحله اول باید ساده باشد. عروسک خود را بردارید و از بچه بخواهید تا همین کار را بکند. در جریان تبعیت از دستور شما مبنی بر ((این کار را بکن)) یا ((بیا با عروسک ها بازی کنیم)) او را وادار کنید تا عروسکش را بردارد. در مرحله بعدی نه تنها باید عروسک را بردارید بلکه باید آن را در آغوش بگیرید و سپس بچه را وادار کنید تا همان کار را با عروسکش بکند.

مراحل بعدی شامل تکان دادن عروسک به سمت جلو و عقب، نوازش کردن او، قراردادن بر روی زمین، پوشاندن عروسک با پتو و غذا دادن به او می باشد. به خاطر داشته باشید که در صورت نیاز او را راهنمایی و تقویت کنید. پس از آن، باید به بچه یاد دهید تا عروسک را بشوید، او را لباس بپوشاند، او را به دستشویی ببرد و

فایده داشتن دو جفت اسباب بازی این است که بچه مجبور نیست تا به خاطر آورد چه چیزی از او می خواهید انجام دهد یک اسباب بازی فوراً برای او مهیا می شود تا بر اساس تقلید از شما آن را به کار برد. بعد از این که در تقلید کردن و پیروی از رفتارهای شما تا حد زیادی مهارت یافت. سپس در مراحل تدریجی، در زمینه کار خود و کامل کردن کار او تأخیر ایجاد کنید. به طوری که فاصله زمانی بین رفتار شما و او بتدریج طولانی گردد. شما بازی مورد نظر را انجام دهید، سپس اسباب بازی را به بچه بدهید و از او بخواهید تا همان طور که شما بازی می کنید، او نیز بازی کند. این نوع تأخیر بین رفتار شما و او به این نیاز دارد که به او به خاطر آورد چه کاری را شما انجام دادید.

شرکت در فعالیت های تفریحی:

وقتی یادگرفتید که چگونه بازی تقلیدی را آموزش دهید، همانند موقعی که بلوک ها، کامیون و عروسک ها را به کار می برید، توسعه دادن این نوع رفتار در قالب فعالیت هایی نظیر ورزش ها و رقصیدن کار نسبتاً ساده ای است.

نقاشی کشیدن:

گام اول: ترسیم، با استفاده از یک مداد، یک خط افقی را بر روی تکه ای کاغذ بکشید، یک مداد رنگی به بچه بدهید و او را وادار کنید تا خط مستقیمی بر روی خطی که شما ترسیم کرده اید بکشد. بگویید:

((این کار را بکن)) و در واقع، دست او را گرفته و با مداد رنگی که در دست دارد، خطی را بر روی خط سیاه خود بکشید. بعد از این که این ترسیم را انجام دادید، به خاطر کار کردن خوب با ((نقاشی خوب کشیدن)) او را تشویق کنید. این روش را تکرار نمایید، در حالی که به تدریج راهنمایی تان را کاهش می دهید.

ممکن است دریابید که بچه به نقاشی نگاه نمی کند و در حال توجه کردن به چیز دیگری می باشد. واضح است که او باید آن چیزی را نگاه کند که قصد دارد انجام دهد و شما مجبور خواهید شد تا توجه او را به کاغذ، خط کشیده شده بر روی آن و مداد رنگی جلب نمایید. همانند تمام کارهای دیگر که آموزش داده اید، به بچه کمک کنید تا به کار خود توجه نماید. بدین صورت که به خاطر انجام کار یا نقاشی درست، او را تشویق کرده و به خاطر کار نادرست، او را توبیخ نمایید. در هنگامی که بچه بتواند خط افقی شما را بدون هر گونه راهنمایی به طور درست ترسیم کند، خط افقی دیگری را بکشید و از بچه بخواهید تا بر روی دو خط قبلی، آن را ترسیم نماید. بعد از فراگرفتن این کار، ترسیم یک خط عمود بر روی آن نیاز است. اگر چه بچه ممکن است قادر باشد تا خطوط افقی را ترسیم کند. خطوط عمودی یک تجربه جدید است و به راهنمایی نیاز دارد. در موقعی که بچه بتواند خطوط افقی را از عمودی تشخیص دهد و آن ها را در برابر یکدیگر بکشد. او را وادار کنید تا خطوط عمودی را به صورت دوتایی ترسیم نماید و سپس خطوط متقاطع را بکشد. به بچه یاد داده می شود تا شکل هایی مثل مثلث، مربع و دایره را ترسیم کند و در نهایت قادر می گردد تا تصویر جعبه ها را بکشد. به خاطر عدم پاسخ درست یا عدم توجه به مواد موجود در جلوی او را توبیخ نمایید. همچنین قبل از توسعه دادن یک رفتار پیچیده تر، یعنی خارج شدن از مرحله ترسیم یک خط عمودی و وارد شدن به مرحله ترسیم دو خط عمودی در کنار هم، مطمئن شوید که بچه کار قبلی را به خوبی یاد گرفته و در آن مهارت یافته است و می تواند بدون هر گونه راهنمایی خطوط شما را ترسیم کند.

گام دوم: کپی کردن:

به جای وادار کردن بچه مبنی بر این که خطی را بر خطوط شما بکشد به او یاد دهید تا خطوط کشیده شده توسط شما را تقلید یا کپی برداری کند. یعنی بچه باید خطوطش را در کنار، زیر یا در بالای خطوط شما ترسیم نماید. همانند مرحله یا گام اول موضوع مورد نظر را در مراحل خیلی اندک انجام دهید. در حالی که این کار را با کشیدن خطوط افقی به صورت یکی آغاز کرده، وارد مرحله ترسیم خطوط افقی به صورت دوتایی

می شوید سپس خطوط عمودی یکی، خطوط عمودی دوتایی، خطوطی که هم دیگر را قطع می کند، مثلث، مربع و در نهایت تصاویر اشیاء را به کار می برید.

گام سوم: کپی کردن در حد پیشرفته:

با به کار بردن مهارت های یاد داده شده در دو مرحله اول به بچه یاد داده می شود تا نقاشی های شما بر مبنای اشکال هندسی گوناگون را تقلید کند و پیشرفت کرده و نقاشی کردن حیوانات و گیاهان کوچک مثل سگ ها، گربه ها و گل ها را آغاز می کند و در نهایت موضوعات بزرگ تر و پیچیده تر مثل تصاویر انسان ها، خانه ها و قطارها را ترسیم می نماید. در این مرحله، بچه را وادار کنید تا از کاربرد رنگ نظیر شما تقلید نماید. به عنوان مثال یک گل را ترسیم کنید و از رنگ های قرمز، زرد، سبز و نارنجی استفاده نمایید و بچه را وادار کنید تا به طور درست استفاده از این مداد رنگی ها را از شما تقلید کند.

چهارم: نقاشی ابتکاری:

نقاشی کردن ابتکاری کاملاً پیچیده است و مجبور هستید از آن صرف نظر نمایید. زمانی که بچه، اجزای ضروری در بردارنده نقاشی تقلیدی را یاد گرفته است، رفتار مورد نظر تغییر می یابد. بدین صورت که از مرحله تقلید از نقاشی شما فراتر رفته، وارد مرحله تقلید شفاهی می شود، یعنی چنین درخواستی را از او می کنید. ((یک نقاشی بکش)) در ابتدا، بچه نیازمند راهنمایی شما است. به صورتی که دست او را گرفته و در کشیدن نقاشی کمک می کنید. به آهستگی این راهنمایی فیزیکی را کاهش دهید. به طوری که وقتی از بچه در خواست می شود تا یک نقاشی بکشد بدون کمک و راهنمایی قادر به این کار باشد.

فصل هشتم

بازی کردن به صورت مستقل و انتخاب اسباب بازی

خیلی از بچه های عقب مانده ذهنی بخش وسیعی از زمان شان را در انجام رفتار پی در پی تکراری و ابتدایی گذرانده اند که همراه با کوشش ویژه جهت توسعه و بهبود رفتار و آماده کردن بخش های بدن با تحریکات مورد نیاز شنوایی، بینایی، درونی، ظاهری است. ما در حال حاضر توضیح داده ایم که یکی از اهداف مربوط به انجام برنامه بازی با اسباب بازی به طور مطلوب و مناسب، جانشین ساختن بازی مناسب به جای رفتارهای عجیب و غریب است یعنی شما می توانید اسباب بازی هایی را انتخاب کنید تا شکل مناسب تری از رفتار خود انگیخته را پدید آورید و آن را جانشین رفتار دارای تناسب نادرست ارادی (مثل تکان دادن بدن) سازید.

به تعبیر دیگر با آموزش دادن بچه، جهت بازی با اسباب بازی به جای انجام رفتارهای عجیب، قادر می گردید تا او را برای تقویت کننده های مورد نیاز (بینایی، شنوایی، درونی) آماده کنید.

طبقه بندی زیر شامل نمونه هایی از رفتارهای نامناسب است که توسعه داده شده اند:

۱- تحریک بینایی: بچه به لامپ ها یا چراغ ها خیره می شود توجه خود را بر اشیای در حال چرخش متمرکز می سازد، به دست هایش نگاه می کند، انگشتانش را در جلو، چشمان خود به صورت نقاب قرار می دهد.

۲- تحریک شنوایی: بچه صداهای نامفهومی را از خود در می آورد. زبانش را به سقف دهان می چسباند به طوری که صدایی را ایجاد می نماید. با وسیله ای خاص یا با دست بر روی وسایل آشپزخانه از قبیل قابلمه، سینی و می کوبد.

۳- تحریک لامسه: بچه به بخش های بدن خود ضربه می زند، خودش را نیشگان می گیرد انگشتانش را درون دهان قرار می دهد.

۴- تحریک درونی: بچه بدنش را تکان می دهد، بالا و پایین می پرد، بدن خود را می چرخاند.

۵- تحریک ظاهری بدن: بدن بچه در بخش هایی از خود، ظاهری عجیب می یابد. او در حالت خاصی قرار می گیرد. روی پنجه راه می رود، سرش را به یک طرف بدن خم می کند.

آقای هیل و مک مکین ادغان کردند که انتخاب آغازین اسباب بازی که حالت تحریک بینایی را کاهش می دهد، باید شامل موارد زیر باشد:

چراغ قوه، وسایل دارای رقص نور، ماشین بازی، ساعت شنی، توپ های چرخان مغناطیسی، تفنگ فلاش دار گوردون، فرفره

برای بچه هایی که با ریسمان بازی می کنند یا وسیله ای را به آن بسته و به دور انگشت می چرخانند، از عروسک های خیمه شب بازی استفاده کنید.

برای جایگزین کردن تحریکات شنوایی، اسباب بازی را انتخاب کنید که صدا ایجاد می نمایند. مانند اسباب بازی های سخن گو، پیانوی اسباب بازی، جعبه های موسیقی، یک رادیو، اسباب بازی های ایجاد کننده صدا در هنگام کشیدن یا هل دادن، سشوار، گوشی دکتر ها یا موسیقی از هر نوع.

برای جایگزین ساختن تحریکات لامسه، آیتم هایی را انتخاب کنید که می توان آن ها را لمس کرد. مثل اتوهارپ (نوعی چنگ)، ویبراتور، برس های نرم، اسباب بازی های دارای موی نرم عروسک ها، آدامس، پتوها.

برای جایگزین سازی تحریکات درونی و ظاهری، آیتم هایی را انتخاب کنید که باعث ایجاد تحرک و جنبش می شوند. مثل اسب گهواره ای، صندلی گهواره ای، توپ های بزرگ درمانی فیزیکی جهت غلطیدن روی آن، شبکه های خاص جهت غلطیدن بر رو و داخل آن، واگن ها، صندلی گردان، تخت خواب متحرک، خیلی از اشکال وسایل موجود در زمین بازی مثل تاب ها و الاکلنگ.

در صورتی که بچه، به برخی از اسباب بازی ها یا فعالیت ها (مثل موسیقی) بیش از اندازه علاقمند شد، می توان از آن به عنوان پاداش استفاده کرد، به طوری که او را وادار نمود تا برخی از رفتارهای ضروری که دوست ندارد را انجام دهد و در عوض پاداش بگیرد. و این پاداش همان اسباب بازی یا فعالیت مطلوبش است. به عنوان مثال به خاطر نشستن بر روی صندلی در حالی که توجه خود را بر موضوع متمرکز می سازد و یاد گرفتن برخی از کارهای ضروری جهت انجام فعالیت اجتماعی مناسب به او پاداش داده می شود و این پاداش بازی کردن با یک اسباب بازی (حتی برای چند ثانیه) است.

فصل نهم

تعمیم و نگهداری :

تعمیم یکی از مهم ترین مفهومات یا جریان های موجود در آموزش است. بنابراین تعمیم به کارآیی آموزش، مربوط می شود، در حالیکه تغییر موجود در رفتار بچه، به ویژه تحت عنوان نتیجه ای از آنچه به او یاد داده شده است را تعیین می کند معمولاً تعمیم به دو بخش تقسیم می شود.

الف: تعمیم محرک ----- ب: تعمیم واکنش

تعمیم محرک : به این صورت تعریف شده است: رفتاری که در یک حالت خاص، ایجاد می شود به طور مداوم در حالت های دیگر نیز ایجاد شود حتی اگر حالت های دیگر در آموزش گنجانده نشده باشد. این مطلب که آیا یک رفتار ویژه در همه محیط های مورد نظر عمومیت داده می شود یا نه را در ابتدا نمی توان مشخص کرد. برخی مواقع رفتار عمومیت پیدا می کند و گاهی اوقات اینطور نیست. روش های معین وجود دارد که به تعمیم محرک کمک می کند. این روش ها عبارتند از : ۱- کار کردن در محیط های مختلف ۲- داشتن چندین معلم ۳- برنامه تحریک عمومی : این مورد، حداقل در آغاز کار ممکن است، سودمند باشد به گونه ای که موارد به ظاهر مشابه در خانه و مدرسه را ایجاد می کند. مثلاً سعی کنید شرایط مربوط به هنگام غذا خوردن در خانه را در مدرسه نیز ایجاد کنید. ۴- طرح های رایج مورد توجه : در صورتی که یک رفتار، بر یک طرح خاص مداوم، در خانه استوار می گردد و به طور ناگهانی، به یک طرح متناوب در مدرسه تبدیل می شود.

رفتار مورد نظر حداقل بعد از چند روز نخست احتمالاً عمومیت پیدا نمی کند. چنین تغییرات ناگهانی در طرح های ویژه، به احتمال زیاد، در موقع ورود بچه به مدرسه رخ می دهند و علت آن این است که نسبت بچه ها با بزرگ تر ها در دو مکان، متفاوت می باشد و این در صورتی است که دلایل دیگری در برداشته باشد. برای دوری کردن از چنین تغییرات موجود در طرح های ویژه (reward) ، قبل از اینکه، بچه به مدرسه برود سعی کنید این طرح را به طور متناوب در خانه اجرا کنید.

همچنین کمک گرفتن از چندین معلم موجود در مدرسه در طول چند هفته اول جهت فراهم نمودن طرح آغازین (reward) به طور مداوم تر، اهمیت دارد.

تعمیم واکنش تعمیم واکنش به میزانی اسناد داده می شود که شما بر اساس آن بتوانید با استفاده از کار کردن بر روی یک رفتار تغییری در شمار وسیعی از رفتارها ایجاد کنید برخی از میزان عمومیت، اعم از تحریک یا واکنش، برای آموزش موفقیت آمیز در شمار وسیعی از رفتارها ایجاد کنید برخی از میزان عمومیت، اعم از تحریک یا واکنش، برای آموزش موفقیت آمیز ضروری هستند. شما باید برخی از تغییرات را ایجاد کنید زیرا نمی توانید تمام رفتارها را در تمام موقعیت ها ایجاد کنید . به منظور افزایش تعمیم واکنش، توصیه های زیر پیشنهاد می شوند.

۱- ایجاد واکنش های ارتباطی : جنبه هایی از زبان را توسعه و استحکام دهید که در کسب آنچه بچه می خواهد کارساز باشد. مثلاً ایجاد در خواست های شفاهی برای چیزهایی که بچه شما می خواهد(مثل کلوچه ، بازکن) نسبت به موارد توصیفی (مانند بینی- گوش و) موثرتر است .

۲- ایجاد مهارت های عملی برآورده کردن نیازهای شخصی کودک شما از آموزش هر رفتاری که کارآیی آموزش را افزایش می دهد سود جسته و از آن چه که برآورده کردن نیازهایش را ساده می کند بهره می گیرد. در حالیکه او را قادر می سازد تا در را باز کند، شلوار خیسش را بکند، یا اینکه یک دوچرخه را براند به طوری که توسط آن بتواند به آنچه که در جستجوی آنست، دست یابد.

۳- ایجاد بازی مناسب : انواع معینی از بازی ها، جانشین متناسب برای اشکال نامناسب تحریک خود خواسته می باشند. مثلاً رقصیدن جایگزین خوبی برای چرخیدن و غلطیدن است.

۴- ایجاد حس پذیرش: زمانی است که افراد بالغ، کنترل دو یا چند رفتار را به دست می گیرند، به طوری که بچه در آغاز کار راهنمایی می شود و شماری از رفتارهای پذیرفته شده، به طور همزمان، افزایش خواهد یافت. ذکر این نکته حائز اهمیت است که برای دست یابی به این عمومیت و تعمیم واکنش مشابه باید به بخش وسیعی از تفاوت های فردی بچه ها توجه کرد.

۵- تعلیم آموزش مبنی بر مشاهده: برنامه ها باید به صورتی تنظیم گردند که بچه بتواند با مشاهده صرف رفتارهای افراد دیگر و بدون هدایت مطالب را به خودی خود فرا بگیرد.

۶- ایجاد پاداش های اجتماعی نوین: ما می توانیم از طریق ارتباطات متقابل غیر رسمی که به صورت پاداش یا تنبیه است قسمت وسیعی از رفتار های جدید کودک را شکل دهیم.

۷- فراهم کردن پاداش های واقعی: شاید بیشترین نتایج موجود برای بچه موقعی روی دهد که او می آموزد که پاداش های همراه با رفتار یا کار را مورد توجه قرار دهد. و گاهی اوقات ممکن است یک کار آنقدر خوشایند باشد که به عنوان پاداش برای خودش تلقی شود.

ما باید در آموزشمان نکاتی را به کار ببریم تا آنچه را که کودک آموخته است بتواند در برهه ای از زمان نگهداری کند و آن را تعمیم دهد که این نکات عبارتند از:

۱- بین مدرسه و محیط های دیگر به طور نامحسوس ، گذر نمایید به تعبیر دیگر محیط مدرسه را در هر جایی فراهم کنید به گونه ای که وقتی بچه خارج از مدرسه است. نتواند آن تغییر را تشخیص دهد.

۲- یک طرح متناوب پاداش دهی را به کار برید. بعد از اینکه بچه آموخت بعد از هر کار درستی پاداش دریافت کند به تدریج از دادن پاداش ها بکاهید.

۳- پاداش هایی را به کار برید که بچه در محیط طبیعی دریافت خواهد کرد. از دادن پاداش های مصنوعی و اغراق آمیز خودداری کنید.

۴- رفتارهای کاربردی را آموزش دهید: رفتارهایی را به بچه آموزش دهید که (بخشی از زبان، بازی و رفع نیازهای شخص باشد) در حیات روزمره اش تقویت و بازسازی مهمّی را ایجاد می کند.

فصل دهم

مهارت های خودیاری:

مهارت‌های خودیاری از قبیل لباس پوشیدن، شانه کردن مو، مسواک زدن دندان ها و ... برنامه هایی کاملاً پیچیده هستند و بچه شما باید بعد از اینکه تقلید عمومیت یافته را فراگرفت و توانست چندین آموزش شفاهی را دنبال کند، آغاز گردد. سعی نکنید در یک لحظه، مقدار زیادی از این برنامه ها را به او آموزش دهید. در یک زمان خاص یک مهارت را انتخاب کنید، و به طور منظم با بچه خود کار کنید تا زمانی که آن را به خوبی فراگیرد.

آموزش غذا خوردن:

بدلیل اینکه غذا خوردن یک مهارت پیچیده است باید آن را به مراحل کوچک تر تبدیل کرد. برای آموزش این رفتار ابتدا قاشقی را انتخاب کنید که بچه شما بتواند به آسانی آن را در دست گیرد. و به جای اینکه غذا را داخل بشقاب بریزید آن را داخل کاسه ریخته و از غذاهای نرم مانند ماست، سوپ و غیره استفاده کنید. زیرا آن ها نسبت به تکه های کلفت گوشت و سبزیجات راحت تر داخل قاشق قرار می گیرند. شما می توانید این مهارت را در چهار مرحله به کودک آموزش دهید.

گام اول: به کودک بگویید قاشق را بردار دست کودک را بگیرید و در حالیکه قاشق به صورت محکم در دست کودک قرار دارد قاشق را به سمت غذا ببرید و از کودک بخواهید تا قاشق را بالا بیاورد.

مرحله دوم: به او بگویید . « غذا را بردار» دستان او را هدایت کنید به طوری که قاشق را در کاسه، فرو کند. عمل غذا برداشتن مشکل خواهدبود. مطمئن گردید که او چگونگی خم کردن مچ دست جهت فرو کردن قاشق به سمت پایین را یاد گرفته است.

گام سوم: به او بگویید « غذا را بخور» و به آرامی زیر دست مشت کرده اش را بگیرید و به سمت بالا حرکت دهید، تا قاشق را همراه با غذا در دهانش بگذارد.

گام چهارم: زمانی که قاشق در دهان او است لازم است به او یادآوری کنید که قاشق را بیرون بیاورد. «به او بگویید قاشق را بیرون بیاور و او را هدایت کنید تا قاشق را روی میز بگذارد. و به او آموزش دهید که دستها را ثابت بر روی میز بگذارد و تا زمانیکه دهانش خالی نشده لقمه دیگر را بر ندارد و در آخر راهنماییها را حذف کنید.

روش دیگر آموزش این مهارت روش تقلید کردن است که او این کار را باید از شما تقلید کند و احتیاج به راهنمایی نیز ندارد و بهترین روش ترکیب روش هدایت فیزیکی با تقلید (modling) است که باعث تثبیت رفتار می شود.

تعلیم توالت رفتن در طول روز:

برای آموزش توالت رفتن بهتر است از پیشنهادهای زیر استفاده کنیم:

- ۱- کودک در طول دورهٔ تعلیم مامی نباشد و چندین شلوار برای آموزش داشته باشد
 - ۲- بچه باید از یک شلوار راحت استفاده کند که قادر باشد آن را به راحتی بپوشد و در بیاورد.
 - ۳- بچه در حال نشستن بر روی توالت باید راحت باشد و ترسی از افتادن و چیزهای دیگر نداشته باشد.
 - ۴- شما باید با در دست داشتن مقداری مایعات مطلوب جذب مایع در بدن بچه را افزایش دهید تا به راحتی کار توالت رفتن را انجام دهد.
 - ۵- شما باید هنگام بردن بچه به توالت از پاداشهای مطلوب استفاده کنید تا بتوانید او را مدتی در دستشویی نگه دارید همچنین این پاداشها باید شور باشد تا تشنگی بچه زیاد شود و عمل جذب مایع در بدنش افزایش پیدا کند.
- حال برای آموزش این مهارت آن را به چندین مرحله تقسیم می کنیم ۱- به کودکان مایعات زیاد بخورانید.
- ۲- کودک را ۵ دقیقه یکبار به توالت ببرید تا زمان کنترل دستشویی او را بسنجید. ۳- زمانی که او را به دستشویی می برید لباسهایش را کامل درآورید تا کثیف نشود. ۴- اگر بچه شما بعد از ۵ دقیقه در دستشویی عمل دفع را انجام نداد به دلیل درست نشستنش به او پاداش بدهید. ۵- اگر بچه شما عمل دفع را در شلوارش انجام داد او را به شدت توبیخ کنید. ۶- اگر بچه شما عمل دفع (ادرار کردن) را در توالت انجام داد او را تشویق کنید. ۷- در هنگام کار، از خشک یا خیس بودن شلوار بچه اطمینان داشته باشید. برای تکمیل کردن مهارت توالت رفتن روشهای زیر توصیه می شود. بعد از اینکه کودک شما عمل توالت رفتن را بطور مستقل یاد گرفت
 - ۱- شیرآب را باز کند. ۲- خود را کاملاً با کمک شما بشوید ۳- دستان خود را به جایی نزند و با دست دیگر شلوارش را بالا بکشد ۴- توالت را بشوید ۵- بعد از بیرون آمدن از دستشویی دستهایش را با آب و صابون بشوید.

فصل یازدهم

مهارت پوشیدن:

برای آموزش مهارت پوشیدن بلوز، شلوار، جوراب و کفش باید اول آموزش درآوردن آنها با کودک کار شود یعنی کودک اول باید یاد بگیرد به طور مستقل شلوار یا بلوز خود را درآورد. برای این کار اول باید درآوردن کفش ها و جوراب ها سپس شلوار و بعد پیراهن را بیاموزد.

درآوردن کفش ها و جوراب ها:

مرحله اول: بچه شما باید به گونه ای روی زمین بنشیند که بتواند به کفش هایش دست بزند. مرحله دوم: به او بگویید کفش ها را بازکن سپس دستش را بگیرد و او را هدایت کنید تا کار بازکردن کفش ها را انجام دهد (او را تشویق کنید) مرحله سوم: بگویید «کفش ها را درآور» سپس دست او را بگیرید و انگشت سبابه اش را بر روی پاشنه کفش قرار دهید و دستش را به سمت پایین فشار دهید تا زمانی که کفش درآورده شود او را تشویق کنید برای کفش دیگر نیز این کار را تکرار کنید و راهنمائیها را بتدریج حذف کنید تا کودک به طور مستقل بتواند این کار را انجام دهد. مرحله چهارم: بگویید «جوراب ها را در بیاور» و شست و انگشت سبابه بچه را در بالای جوراب قرار دهید، دست او را به سمت پایین فشار دهید تا زمانی که جوراب هایش را درآورد سپس او را تشویق کنید.

مرحله پنجم: هنگامی که بچه بتواند مقدار باقیمانده جوراب را خودش از پا در بیاورد او را برای این کار وادار کنید و بعد از اتمام این کار او را تشویق کنید و به تدریج راهنمائیها را کاهش دهید و اجازه دهید تا او خودش به تنهایی این کار را انجام دهد.

درآوردن شلوار:

مرحله اول: شلوازی راحت بدون زیپ و گیره به بچه بیوشانید مرحله دوم بگویید «شلوار را در بیاور» و انگشت شست بچه تان را در زیر کمر شلوارش در یک طرف، قرار داده، در حالیکه دست خود را بر روی دستانش می گذارید و شلوارش را به سمت پایین بکشید. و او را تشویق کنید. مرحله سوم: بگویید «پایت را بالا بیاور» و در صورتی که از این دستور پیروی کرد با قرار دادن دست خود در پشت یک زانو و بالا آوردن پا و خارج کردن آن او را کمک کنید. روش موردنظر را با پای دیگر تکرار نمایید (او را تشویق کنید). مرحله چهارم: اگر کودک شما قادر به ایستادن نیست به او بگویید «بنشین» و در صورت نیاز، با قرار دادن یک دست در پشت او دست دیگر در سمت شکم اش، آن را پایین بکشید و او را کمک نمایید. این باعث می شود تا او خم شود. فشار آوردن به پشت او، تا اندازه زیاد، این حس را در او ایجاد می کند. او باید بنشیند. در هنگامی که او نشسته است، بگویید «پایت را بیرون بکش» و او را کمک کنید تا شلوار را محکم بگیرد، در حالی که دست

خود را بر روی ساق پا در پشت زانوی اش قرار داده اید، یک پای خود را از پاچه شلوار بیرون آورد. در مراحل بعدی راهنمائی‌هایتان را بتدریج کم کنید تا جائیکه بچه بتواند بطور مستقل این کار را انجام دهد.

پوشاندن لباس:

پوشیدن لباس، باید به روش مشابه درآوردن آن ، آموزش داده شود. یعنی ، آخرین عمل را در ابتدا انجام دهید. لیکن باید منتظر بمانید تا مهارت های مربوط به محکم کردن شلوار مثل بستن زیپ ، حلقه فلزی و دکمه، آموزش داده شوند. زیرا این کارها به مهارت بیشتری نیاز دارند و از بچه های خیلی کوچک ، نمی توان انتظار داشت تا آن ها را انجام دهند.

پوشیدن شلوار:

در ابتدا اگر پوشیدن شلوار را در حال نشسته به بچه آموزش دهیم ساده تر و مناسب-تر است.

مرحله اول: پوشیدن شلوار به طور کامل ، در حالیکه کمر آن سفت می گردد.

مرحله دوم: بالا کشیدن شلوار ، از کفل ها تا کمر

مرحله سوم: شلوار را از زانو تا کفل بالا بکشید.

مرحله چهارم: شلوار را از مچ پا تا زانو بالا بیاورید.

مرحله پنجم: ایستادن

مرحله ششم: پایش را درون سوراخ پاچه شلوار قرار دهید به طوری که شلوار در مچ پا قرار داده شود.

مرحله هفتم: پاچه های شلوار را بر روی پا قرار دهید.

مرحله هشتم: در حالی که شلوار را نگاه داشته اید آن را برابر پا قرار دهید.

مرحله نهم: یک طرف شلوار را محکم گرفته ، آن را بالا نگه دارید.

مرحله دهم: شلوار را بردارد و بپوشد.

پوشاندن پیراهن:

مرحله اول: پیراهن را داخل سر کودک قرار دهید.

مرحله دوم: دستها را یکی یکی درون آستین قرار دهید.

مرحله سوم: پیراهن را از زیر بغل پایین بکشد و آن را مرتب کند.

مرحله چهارم: پیراهن را در مکانی مناسب قرار دهید و به کودک بگویید آن را بپوش.

پوشیدن جوراب ها:

مرحله اول: جوراب را از ساق پا به بالا بکشید.

مرحله دوم: جوراب را از پاشنه به بالا بکشد.

مرحله سوم: بعد از اینکه جوراب را بر روی پنجه های پا قرار داد سپس از کودک بخواهید آن را به سمت پاشنه پا ، بالا بکشد.

مرحله چهارم: جوراب را بر روی پنجه پا قرار دهید.

مرحله پنجم: جوراب را به طرز صحیحی بگیرید. به طوری که آماده پوشیدن باشد.

مرحله ششم: جوراب را بردارید و کودک را بنشانید و خود نیز بنشینید تا کودک خود به طور مستقل این کار را انجام دهد.

پوشیدن کفش ها :

مرحله اول: پاشنه پا را در پاشنه کفش فشار دهید.

مرحله دوم: پاشنه کفش را بر روی پاشنه پا ، بالا بکشید.

مرحله سوم: بعد از اینکه یک پنجه را به طور درست در آن قرار دادید. پا را به درون آن حرکت دهید.

مرحله چهارم: دست بچه را خم کنید تا بتواند پشت کفش را بالا بکشد.

مرحله پنجم: کودک باید این کار را به طور مستقل انجام دهد.

روش دیگر این آموزش ها روش الگوسازی است. یعنی با وادار کردن بچه جهت تقلید اعمالتان او را آموزش دهید. سودمندی های آموزش از راه تقلید ، این است که بچه یاد خواهد گرفت تا بیشتر از شما تقلید کند و در طراحی خسته کننده هر مرحله به صورت مجزا ، وقت کمتری را صرف خواهید کرد.

برس زدن یا شانه کردن موی سر:

برای اینکه بچه بتواند شانه کردن موی سر را یاد بگیرد باید این کار را به مراحل قابل قبولتری تجزیه کنید.

مرحله اول برداشتن برس یا شانه با دست.

مرحله دوم: برس زدن مو

مرحله سوم: آغاز کردن از یک بخش خاص و حرکت دادن شانه یا برس به سمت پایین در جهات چپ و راست سر.

مرحله چهارم: برس زدن مو به سوی پشت سر و برس زدن از بالا به پایین سر.

مرحله پنجم: شانه کردن موهای ریخته روی پیشانی.

مرحله ششم: برس زدن بخش زیرین مو: بچه را روبروی آئینه بنشانید و برای اجرای هر مرحله به بچه فرمان بدهید مثلاً بگویید: « پشت سر را شانه بزن » و برای هر مرحله با تقلید کردن از شما یا کمک فیزیکی می تواند آن کار را انجام دهد و در آخر به تدریج کمکهای فیزیکیتان را کاهش دهید تا کودک به صورت مستقل این کار را انجام دهد.

مسواک زدن:

عمل مسواک زدن ، متشکل از توانایی طولانی و گسترده ای از اعمال است . مسواک زدن، همانند هر مورد از رفتار ترکیبی ، باید در مراحل خیلی جزئی تر آموزش داده شود. با وجود یک چنین عمل پیچیده ای کاملاً آشکار می شود که چگونه برنامه مربوط به آموزش تقلیدی می تواند سودمند باشد.

مراحل زیر به عنوان راهنمایی جهت آموزش بچه تان در رابطه به چگونگی مسواک زدن دندان اش توصیه می شود: ۱- آب را باز کنید ۲- دسته مسواک را گرفته، آن را بردارید ۳- مسواک را خیس کنید ۴- آب را ببندید ۵- لوله خمیردندان را با دست دیگر بگیرید ۶- در خمیردندان را باز کنید ۷- در آن را کنار بگذارید ۸ - خمیردندان را بر روی مسواک بمالید ۹- مسواک را پایین بگذارید. ۱۰- در خمیردندان را ببندید ۱۱- خمیردندان را پایین بگذارید ۱۲- مسواک را بردارید. ۱۳- سطوح بیرونی دندان های بالایی و پایینی را مسواک بزنید ۱۴- سطوح رویین دندان ها را مسواک بزنید ۱۵- درون دندان های بالایی و پایینی را مسواک بزنید ۱۶- مسواک را پایین بگذارید ۱۷- یک لیوان بردارید ۱۸- آب را باز کنید ۱۹- لیوان را از آب پر کنید ۲۰- آب را ببندید ۲۱- دهان را بشویید ۲۲- لیوان را پایین بگذارید ۲۳- دهان را خوب پاک کنید ۲۴- آب را باز کنید ۲۵- مسواک را بشویید ۲۶- مسواک را کنار گذارید ۲۷- ظرفشویی یا دستشویی را بشویید ۲۸- آب را ببندید ۲۹- دستها را خشک کنید ۳۰- وسائل را کنار گذارید.

شاید همه بچه ها به این مراحل نیاز نداشته باشند و بتوانند این مهارت را با مراحل کمتری انجام دهند. سعی کنید در هر مرحله فرمان را درست و صریح بدهید تا کودک دقیقاً بفهمد از او چه می خواهید. بهترین استراتژی برای آموزش بچه تان جهت مسواک زدن دندان هایش ، همانند نوع موجود در دیگر رفتارهای پیچیده ترکیب تکنیک های نمونه سازی ، تقلید و راهنمایی است. بعد از اینکه بچه چندین مرحله از کار را انجام داد می توانید به تدریج راهنمائیهای فیزیکی را کم کنید تا زمانی که فقط به او می گوید: « دندانهایت را مسواک بزن » او قادر باشد خودش ، دندان هایش را مسواک بزند.

فصل دوازدهم

درک شیء (شناسایی اشیاء):

برای شناسایی یا درک اشیاء کار خود را با اشیایی آغاز کنید که او می تواند به آسانی آنها را نام ببرد. همانطور که در آموزش تقلید و پیروی از دستورات مشاهده شد این مورد درباره توضیح شیء صحت می یابد که بچه ممکن است در حال حاضر برخی از این اشیاء را بشناسد اما او نمی تواند آنها را به کار برد. اکنون، وظیفه شما این است که با پاداش دادن به خاطر پاسخ های درست و تنبیه کردن به خاطر انواع نادرست همراه با تنبیه کردن به جهت ضعف بچه در همکاری، کنترل او را به دست بگیرید. در آغاز کار، (با مشاهده کردن این مطلب که آیا شما معلم بچه هستید یا نه و پرسش کردن از والدین اش در این باره) مشخص نمایید که در حال حاضر بچه چه چیزی را می تواند نام ببرد. (حتی اگر در آن مورد اطمینان چندانی نداشته باشد.) در ابتدا، این حالت بیان اشیاء توسط کودک را کنترل کنید.

مرحله اول: تمام اشیای روی میز را از دید و دسترس بچه ها دور کنید. و با قرار دادن یک شی مثل فنجان بر روی میز با فاصله ای معین در جلوی بچه آموزش را شروع نمایید. سپس به بچه فرمان « فنجان را بردار» را بدهید. اگر بچه نتوانست پاسخ صحیح بدهد وارد مراحل بعدی شوید.

مرحله دوم: راهنمایی دیداری؛ شما با قرار دادن دست خود بر روی فنجان (به گونه ای که او آن را همانند شما انجام دهد) بچه را کمک کنید تا به فرمان شما، پاسخ دهد. اگر باز هم موفق نشد باید کمک های فیزیکی را بیشتر کرده تا بچه موفق نشد و او را تشویق کنید. سپس به تدریج کمک های دیداری را کاهش دهید. یعنی رفته رفته عمل حرکت دست به سوی فنجان را کم کرده تا بچه موفق شود به طور مستقل فنجان را بردارد. و بعد از آن آموزش شیء دوم را آغاز کنید.

مشخص کردن شیء دوم:

به منظور کاهش دادن حالت سردرگمی بچه شیء دوم انتخاب شده برای آموزش بیان، باید از نظر شکل فیزیکی و نوع عمل، از شیء اول، کاملاً متفاوت باشد. همچنین، اگر شیء اول، یک فنجان باشد، به کار بردن یک لیوان، به خاطر شباهت آن با فنجان، هم از نظر شکل و هم از نظر نوع عمل که هردو برای نوشیدن به کار برده می شوند، یک گزینه نامناسب به عنوان شیء دوم خواهد بود. بنابراین نشان یا نام های دو شیء باید تا حد وسیعی متفاوت باشند. مثلاً اگر فنجان اولین نشان آموزش، داده شده باشد، «کلوچه» به عنوان یک کلمه ثانوی، گزینه نامناسب خواهد بود زیرا هر دو کلمه با دو کاف شروع می شوند. و همچنین هردوی آنها وارد دهان می شوند. بعد از انتخاب یک گزینه مناسب آن را به روش شیء نخست آموزش می دهیم. وقتی بچه شیء دوم را شناخت مرحله جابه جایی و تغییر شیء را انجام می دهیم. در این مرحله شیء اول را دوباره بر روی میز قرار داده تا بچه آن را شناسایی کند بعد از اینکه شناسایی به طور صحیح انجام پذیرفت حال دو شیء را جلوی بچه روی میز قرار داده و از او می خواهیم تا به یکی از آنها مثلاً «فنجان» دست بزند

برای اینکه مطمئن شویم بچه به طور تصادفی پاسخ نمی دهد و هر دو شیء را به طور کامل شناخته و از هم تمیز می دهد جای اشیاء را چندین بار عوض می کنیم و سعی می کنیم به گونه ای فرمان دهیم که دستورات ما یک حالت منظم مثلاً یک در میان نداشته باشد و همچنین با حرکات چشم و دست به شیء مورد نظر اشاره نکنیم. (مثلاً می گوییم فنجان ، فنجان ، عروسک ، فنجان ، عروسک ، عروسک و گذاشتن شیء در سمت و جهت خاص مثل راست ، راست ، چپ ، راست ، چپ ، چپ و...) اگر بچه بتواند به طور صحیح پاسخ دهد، در این صورت می تواند دو شیء را از یکدیگر تشخیص دهد و شما می توانید شیء سوم را به او آموزش دهید.

روش دیگری که برای شناخت اشیاء می توانیم بکار ببریم روش نمونه سازی (modeling) است. این روش برای بچه ای که در حال حاضر تقلید می کند، مناسبترین روش می باشد. مجموعه ای از اشیاء را به طور جفتی برای خود و بچه تان ، انتخاب کنید. اشیاء را بر روی میز قرار دهید ، به طوری که ، مجموعه شما ، انعکاسی از مجموعه بچه است دستور بدهید که « به فنجان دست بزن » و با نمونه سازی عمل یعنی دست زدن به فنجان خود ، بچه را کمک کنید تا به فنجان اش دست بزند. در آزمایش های متوالی ، دو فرمان و بخش های راست و چپ اشیاء را به طور متغیر ، جابه جا کنید. به خاطر داشته باشید که مکان های موجود در مجموعه شما و بچه باید همیشه به صورت جفت قرار گیرند. پس از انجام مجموعه ای از آموزش ها با دور شدن از اشیاء موجود در مجموعه خود ، مبنی بر عدم دست زدن به آنها، راهنمایی بر اساس نمونه سازی را کاهش دهید. قبل از این که راهنمایی بر اساس نمونه سازی را کاهش دادید به یاد داشته باشید که بگذارید تا بچه در سطحی از راهنمایی چندین بار در پاسخ دادن ، موفق گردد. تا جایی که بچه بدون کمک پاسخ صحیح می دهد انجام آزمایشات را ادامه دهید اکنون نخستین حالت تشخیص نشان ادراکی را به او آموزش داده اید. وقتی بچه یادگرفت تا دو شیء را بشناسد وارد مرحله بعد شوید و به او شناسایی اشیاء دیگر که در محیط اش موجود هستند را آموزش دهید.

آموزش عمومیت دادن:

در هنگامی که بچه شش نشانه یا مقدار بیشتری از اشیاء ، را فراگرفت ، شما می توانید، آموزش عمومیت دادن را آغاز کنید. بچه باید یاد بگیرد که نه تنها ، آیتم خاصی را که فرا گرفته است را تعیین کند بلکه ، نمونه های دیگری از یک شیء را به طور صحیح ، مشخص نماید. در ابتدا، آموزش باید، به آیتم هایی گسترش یابد که به شیء اولی ، کاملاً شبیه هستند. به تدریج ، باید اشیایی را معرفی کنید که متفاوت از هم باشند. شما باید در طول آموزش عمومیت دادن ، از راهنماها ، استفاده نمایید. روش مشابهی که در آموزش Matching (مقایسه) به کار برده اید را ، دنبال کنید. به آموزش ادامه دهید ، تا زمانی که بچه بتواند به طور صحیح ، شمار جدیدی از یک طبقه را در اولین مرتبه از حالت فراهم شده ، مشخص کنید. وقتی ، بچه شما توانست به آسانی مجموعه ای از اشیاء موجود در طبقات گوناگون را مشخص کند ، باید عمومیت دادن کاربردش را در موقعیت های جدید آغاز کنید ، یعنی بچه بتواند ، آنها را در محیط های جدید تعمیم دهد. اساساً باید

تعلیم بچه تان را به هر بخش ممکن از حیات روزمره اش ، توسعه و گسترش دهید. تنها در این روش است که او در عمومیت دادن مهارت هایی که در جلسات درمانی مؤثر ، کسب می کند ، موفق می شود و آنها را در دنیای واقعی نه چندان سازمان یافته به کار می برد.

توضیح شیء با بیان کردن:

پس از اینکه بچه شما یاد گرفته است تا به طور تقریبی ده شیء را نشان دهد. شما می توانید به او یاد دهید تا در برابر پرسیدن « این چی است » نام آن شیء را بگوید.

مرحله اول: شما و بچه تان باید، روبه روی یکدیگر در دوطرف میز بنشینید. یک شیء را بر روی میز، در جلوی بچه قرار دهید. در موقعی که قصد دارید به او یاد دهید تا برای بدست آوردن اشیاء آنها را نام ببرد سعی کنید در شروع کار ، اشیایی را انتخاب نمایید که بچه شما آنها را دوست دارد ، مثل غذاها یا یک اسباب بازی مطلوب.

مرحله دوم: او را راهنمایی کنید. مثلاً کلوچه را روی میز قرار داده و از بچه نپرسید که این چی است؟ به محض این که بچه کلوچه را می بیند ، با گفتن کلمه «کلوچه» جواب درست را به او نشان دهید. اگر بچه به طور صحیح ، آن را تلفظ کند ، فوراً او را تقویت کنید و کلوچه را از روی میز بردارید ، تا این که آزمایش بعدی آغاز شود.

مرحله سوم: کاهش دادن راهنمایی پس از این که بچه شیء مورد نظر را برای پنج بار همراه با راهنمایی کامل (گفتن کلمه به طور کامل) بیان کرده است ، شما باید راهنمایی را کاهش دهید.

نشان و بیان دوم:

بیان شیء دوم به همان روش موجود در مورد اول آموزش داده می شود به خاطر داشته باشید که شیء دومی که برای آموزش انتخاب شده است، باید از نظر شکل و نوع عمل ، از مورد اول ، کاملاً متفاوت باشد. بعد از اینکه بچه شیء دوم را نیز بدون راهنمایی کامل بیان کرد حال روش تغییر و جابجایی را به کار می بریم.

قدم زدن به سمت (فرد/ شخصی)

این رفتار به کودک می آموزد تا در اتاق به سمت فرد دیگر (در صورتی که فردی وجود داشته باشد) یا به سمت یک شیء مثل میز ، حرکت کند (قدم بزند)

مرحله اول: شما و کودک تان باید در حد فاصل ۵ قدمی از فرد یا شیء موردنظر (به عنوان مثال حدفاصل بچه و پدرش) ، قرار گیرید. به بچه دستور بدهید: « بیا پیش بابا » در صورتیکه بچه فرمان را به خوبی اجرا کند رفتار بعدی را ارائه دهید.

مرحله دوم: او را راهنمایی کنید. این رفتار و رفتارهای مشابه، با وادار کردن بچه جهت تقلید از شما، به آسانی آموزش داده می شوند. همچنین، بعد از گفتن «به سمت پدر بیا» باید بگویید «این طوری عمل کن» یا «اینجوری کن» سپس بلند شوید و به سمت فرد مورد نظر حرکت کنید تا به او برسید. در صورتیکه بچه برای پنج بار آموزش، به خوبی از شما تقلید نکند او را کمک فیزیکی کنید تا آنچه که از او درخواست شده است را انجام دهد. به عنوان مثال، می توانید با قرار دادن دست خود در زیر بازوهای او به همان شکل قبل، او را به سمت مناسب حرکت دهید. در پایان با گرفتن دستش یا در صورت نیاز با هل دادن آرام از پشت، می توانید او را کمک کنید تا به سمت فرد یا شیء موردنظر، حرکت نماید. وقتی بچه، به فرد یا شیء می رسد، باید بلافاصله با دادن غذا و پاداش، او را تشویق کنید.

مرحله سوم: کاهش دادن راهنمایی: هرگونه راهنمایی فیزیکی که شما در حال انجام آن بودید را به طور سیستماتیک و به تدریج کاهش دهید، او را به آرامی هل دهید یا آهسته به سمت جلو برانید تا بتواند به سمت موردنظر حرکت کرده و در واقع راه برود بعد از آن تا جایی که می شود، کمتر دست او را بگیرید و بگذارید تا بلند شود و به سمت مورد نظر حرکت کند و بدون کمک شما، به راه رفتن ادامه دهد. در حالیکه وقتی کمکهای فیزیکی را کم می کنید، خودتان نیز به راه رفتن همراه با او ادامه دهید. همچنین وقتی کمکهای فیزیکی کاملاً محو می گردند. بچه باید کار شما را تقلید کند و همراه شما راه برود.

اکنون، باید نمونه سازی رفتار را کنار بگذارید: به طوری که بچه بتواند در واکنش یا پاسخ به دستورات شما، رفتار را شکل دهد. در هنگامی که بچه بتواند بایستد، دور بزند و بدون ایجاد یک نمونه سازی و یا عدم کمک به سمت فرد یا شیء موردنظر حرکت کند. معرفی فعل ادراکی بعدی را آغاز نمایید.

جستن (دویدن) به سمت (فرد/ شیء)

این فعل نیز (دقیقاً) همانند فعل اول آموزش داده می شود، علاوه بر فرد دوم موجود در روش تعلیم، یک شیء دیگر را به کار ببرید. مطمئن شوید که در آموزش هر دو رفتار، شیء یکسانی را بکار می برید. وقتی بچه نشان ادراکی دوم را یاد گرفت وارد مرحله تغییر و جابجایی شوید. و بعد از این مرحله سعی کنید آموزشتان را تعمیم دهید.

آموزش از طریق تصاویر:

در مرحله بعدی باید به بچه آموزش دهید تا اعمال یا رفتارهای افراد موجود در تصاویر را مشخص کند. تصاویر وسایل آموزشی مفیدی هستند، زیرا می توانند اعمالی را شرح دهند که انجام آنها توسط افراد در طول درمان خیلی مشکل است (مانند خوابیدن یا راندن یک دوچرخه که هنگام آموزش به سختی می توان به صورت عملی حرکت آن را نشان داد) این نوع فعالیت آموزشی دقیقاً همانند روش مطرح شده برای معرفی شیء به صورت درک معنای آن آموزش داده می شود. شما باید فعالیت هایی را انتخاب کنید که دیگران به طور همیشگی انجام می دهند همچنین در مراحل آغازین آموزش نباید تصویر را انتخاب کنید که فردی را در

حال اسکی کردن (ورزش اسکی) نشان می دهد، تصویر فردی که در حال راندن یک ماشین است مناسب تر خواهد بود. در هنگام انتخاب شیء یا موضوع در ابتدا سعی کنید، حالات فعلی را انتخاب نمایید که تا اندازه‌ای نامشابه هستند، تا بر این اساس به بچه کمک شود. فرمان‌ها را از هم تشخیص دهد، و در آموزش زبان بیان در مرحله بعد، او را یاری رساند.

در پایان باید گفت که در مراحل آغازین این تعلیم، فعالیت‌های گوناگون را به صورت جفتی، نشان دهید، به طوری که بچه بتواند با دیدن آنها را از هم تشخیص دهد. همانطور که دو فرمان گوناگون را با شنیدن مشخص می‌سازد. همچنین در آغاز آموزش راه رفتن در برابر دویدن، از نظر تشخیص رفتار، مشکل است. همانطور که حالت نشستن در قیاس با خوردن، مشکل خواهد بود. قبل از اینکه تصاویر جفتی را با هم نشان دهید، باید منتظر بمانید تا زمانی که این تصاویر همراه با فعالیت‌های دیگر، نمایش داده شوند و بچه بتواند آنها را مشخص سازد. در نظر داشته باشید که از بچه انتظار دارید، تا جایی که ممکن است، درست پاسخ دهد شما می‌توانید به انجام این امر کمک کنید، بدین صورت که در ابتدا فعالیت‌های آسان را نشان دهید و سپس به تدریج سطح این رفتارها را از نظر سختی برای بچه افزایش دهید، در صورتیکه بچه به مقدار ناچیزی، پاسخ را بیان کند، احتمالاً بدین خاطر است که شما، خیلی سریع آنها را انجام داده‌اید. همچنین بعد از اینکه بچه یاد گرفته است تا این رفتارها را در تصاویر نشان دهد این سؤال مطرح گردد که آیا او قادر است تا رفتارهای سه بعدی (عینی) را مشخص کند یا نه. با چند حرکت روبه جلو و عقب او باید این رفتارها را یاد بگیرد. لیست زیر شامل نمونه‌هایی از اعمالی است که شما باید به بچه آموزش دهید.

راه رفتن	تکان دادن خوردن	راندن	نشستن	خوابیدن	اخم کردن
بوسیدن	نوشتن	پختن	پریدن	لبخندزدن	ایستادن
خواندن	شانه کردن				

معرفی بیان عمل:

هنگامی که بچه شما یادگرفت به هشت تا ده رفتار ، اشاره کند می توانید این برنامه را شروع کنید، بچه شما یاد خواهدگرفت ، نام رفتاری که انجام داده یا از شما دیده است را بگوید. همچنین یاد می گیرید تا رفتارهای شرح داده شده در تصاویر را نام ببرد. رفتارهای نخستین که برای آموزش انتخاب می کنید، باید رفتارهایی باشند که او در حال حاضر یادگرفته است آن را بیان کند. آموزش برنامه های قبلی را ادامه دهید در حالیکه از همین روش آموزش استفاده می کنید روش آموزشی موجود در معرفی شیء از طریق بیان کردن با روش آموزشی نام بردن کاملاً شبیه است و تنها دو تفاوت اصلی وجود دارد: (۱) به جای نشان دادن یک شیء به بچه عملی را به او نشان می دهید (که شما یا او انجام می دهید). (۲) به جای گفتن « این چی است؟ » به او می گویند: « من دارم چه کار می کنم » .

مرحله اول : شما و بچه تان باید روبه روی یکدیگر بنشینید. شما بلند می شوید و همزمان با آن می پرسید «من چه کار می کنم؟» اگر بچه درست گفت (می ایستد) معرفی عمل دوم را آغاز می کنید. و در صورتی که نتوانست پاسخ صحیح بدهد، او را راهنمایی کنید.

وقتی ایستادید از او نپرسید من چه کار می کنم. بلکه بگویید «می ایستم» و در صورتی که بچه سخن شما را به طور صحیح تکرار کند او را تشویق کنید. اگر بعد از این راهنمایی باز هم پاسخ صحیح نداد از طریق تقلید کردن کار شما یعنی ایستادن همزمان با شما آن را تقلید کند. و سپس راهنمایی ها را کاهش دهید تا بچه بتواند به طور مستقل پاسخ دهد و سپس عمل دو را نیز مانند عمل اول به او آموزش دهید و بعد از اینکه عمل دوم را نیز به خوبی فرا گرفت از عمل تغییر و جابجایی برای تثبیت و یادگیری کامل عمل استفاده کنید. عمومیت دادن موارد آموزشی: عمومیت دادن نشانه های فعل از طریق بیان عمل ، باید از راههای گوناگون ، آموزش داده شود. در ابتدا (به خاطر ساده تر بودن آن برای بچه) افرادی به غیر از درمانگر ، باید اعمالی را انجام دهند که بچه بتواند آن را نام ببرد، واز بچه پرسیده شود « من دارم چه کار می کنم » سپس شما می پرسید : « او دارد چه کار می کند» در حالی که به فردی اشاره می کنید. از او بخواهید رفتارهایی را که می شناسد انجام دهد سپس از او بپرسید : « داری چه کار می کنی؟ » زمانی که بچه این گوناگونی رفتارهای اصلی را یاد گرفت. باید از او بخواهید ، اعمالی را معرفی کند که می تواند نام ببرد، همانند آنهایی که در زندگی روزمره اش روی می دهند، یا آنچه که در تصاویر نشان داده می شوند. همانطور که قبلاً ذکر شد، در مراحل آغازین هر بخش برای عمومیت دادن رفتارها، برخی از راهنمایی ها یا بازنمایی رفتارها ممکن است لازم باشد.

زبان اشاره:

برای برخی از بچه ها که در زبان ، فعل ادراک و بیانشان پیشرفتی حاصل نمی شود زبان اشاره یک جایگزین مفیدی در زبان شفاهی است که مورد استفاده قرار می گیرد.

بنابراین ، بچه هایی وجود دارند که مهارت شفاهی ادراکی را به صورت نسبتاً مطلوب کسب می کنند، اما عمل بیان را در حد ناچیزی یاد می گیرند، به طوری که تلفظ آنها به گونه ای که هیچ کس نمی تواند ، آنها را درک کند.

این بچه ها نیز ، می توانند از آموزش زبان اشاره بهره مند گردند. به طوری که منظور خودشان را از طریق زبان اشاره بیان دارند ، در این زمینه باید از این موضوع آگاه بود که به چه کسانی نباید، زبان اشاره ، آموزش داده شود. به بچه های خیلی کوچک (کمتر از ۳سال) که شکل گیری کاربردی زبان در آن ها ، با تأخیر صورت می گیرد یا بچه هایی که آموزش خیلی زیادی در زمینه تعلیم شفاهی دریافت نکرده اند نباید، زبان اشاره ، یاد داده شود بلکه در ابتدا باید تعلیم شفاهی را برای آنها امتحان کنید. اشاره کردن نباید به بچه های اکولیلیک یا آنهایی که در مهارتهای تقلید شفاهی خوب هستند. آموزش داده شود این گروه از بچه ها، با آغاز کردن برنامه تعلیم زبان شفاهی نظیر موارد توضیح داده شده در بخش های آغازین بیشترین فایده را می برند. خلاصه اینکه ، والدین و معلمان باید از تلاش کردن برای آموزش زبان اشاره صرفاً به خاطر جدید بودن آن و یا به علتی که احساس می کنند، بچه زبان شفاهی را خیلی سریع یاد نمی گیرد، امتناع کنند.

سودمندی های به کاربردن زبان اشاره عبارتند از:

اول اینکه، برخی از متخصصان بر این باورند که اگر یک فرد بزرگ از طریق نشان دادن علائم همراه با گفتن کلمات ارتباط برقرار کند ، (روشی که تحت عنوان ارتباط همزمان مورد توجه قرار می گیرد) کاربرد مناسب زبان، بهبود یا گسترش می یابد، این انتظاری کاملاً مجادله آمیز است. در حالیکه برخی از بچه ها همراه با دنبال کردن ارتباط همزمان ، صحبت کردن را آغاز می کنند، تعداد وسیعی از آن ها ، نمی توانند این گونه باشند. لیکن آن چه واضح به نظر می-رسد این است که اکثر بچه ها بدون زبان شفاهی می-توانند، حداقل برخی از این اشارات را یاد بگیرند ، بنابراین می توانند ارتباط توسعه یافته ای را با افراد بزرگ نشان دهند.

دوم اینکه اگرچه برخی از مواقع مشخص شده است که خیلی از بچه های ناتوان ذهنی در فهمیدن کلمات گفته شده ، مشکل زیادی دارند، اما به نظر می رسد که در درک اشارات تا اندازه ای بهتر باشند. شاید، این موضوع، بر این اساس است که خیلی از بچه-های ناتوان ذهنی ، محرک بینایی را بهتر از محرک شنوایی ، تشخیص می دهند. و برای آنها آسان-تر است، چیزی را ببینند، به جای اینکه آن را بشنوند ، شاید محرک بینایی-، ذاتاً، آسانتر، قابل تشخیص باشد.

یا اینکه خیلی از بچه ها ی ناتوان ذهنی به جای محرک شنوایی، به محرک بینایی بهتر توجه می کنند. از آن جهت که زبان اشاره، مقدمتاً یک سیستم بینایی (مبنی بر اشاره) است. اطمینان می دهد که کسب زبان اشاره ساده تر می باشد. سومین دلیل قابل توجه، این است که یک معلم یا والد، به آسانی می تواند، دستان بچه را به سمت شکل گیری مناسب یک علامت، هدایت کند. (یعنی از نظر فیزیکی او را کمک کند). چهارم اینکه در قیاس از علائم، رابطه متقنی بین علامت و معرفاش وجود دارد. به عنوان مثال، علامت مربوط به «موز» متشکل از پوست کردن آن است که در این حالت انگشت سبابه یک دست به صورت باز، در قالب موز، قرار می گیرد و انگشتان دست دیگر آن را پوست می-کنند. کمیّت بصری خیلی از نشانه‌ها، فایده آموزشی دیگری نیز دارند. پنجم، بچه‌ای که به طور بالقوه زبان اشاره را کسب کرده‌است، می تواند به سمت یک کلاس درس و یا گروه مربوط به افراد ناشنوا جذب شود، در حالیکه شاید، فرصت‌های دیگری جهت توسعه آکادمیک شخصی و اجتماعی، برای او فراهم گردد.

حالت اختیاری:

یک بچه ممکن است نشانه یک شیء خاص مثل یک کلوچه را بداند، ولی هنوز به منظور درخواست یک کلوچه آن نشانه را به طور اختیاری، به کار نمی برد. ما با انتخاب یک تقویت کننده نیرومند، آموزش اختیاری را آغاز می کنیم. غذای مطلوب بچه، می تواند به عنوان یک تقویت کننده به کار رود. در این مورد یک بیسکویت نمکی، به کار برده می شود. فرد بالغ، به نزد بچه می آید و یک محرک تقلیدی (یعنی نشان دادن بیسکویت) را به او نشان می دهد. در موقعی که بچه رفتار فرد بالغ مبنی بر شبیه سازی را تکرار کرد، تکه‌ای از بیسکویت را دریافت می دارد. پس از چندین آزمایش، فرد بالغ، به تدریج محرک را کم می کند و منتظر می ماند تا بچه قبل از اینکه مورد تقویت کننده را ببیند. آن علامت را نشان دهد. در این بخش، ممکن است نیاز باشد تا فرد بالغ به طور قابل انتظار بچه را مورد مشاهده قرار داده و ببینید بچه چه حالتی را از خود نشان می دهد قبل از اینکه بتواند علامت مورد نظر را مشخص نماید. اما پس از اندکی، حتی این محرک نیز کاهش می یابد. در پایان این مرحله بچه، در هر جایی که فرد بالغ ظاهر می شود، به طور اختیاری از او درخواست بیسکویت می کند. ما این تعلیم را با تکرار مجدد روش بالا، همراه با تنوعی از دیگر نشانه‌های غذایی ادامه می دهیم. بعد از مدتی ما مجموعه‌ای از اسباب بازیها و فعالیت‌های مطلوب را گردآوری نماییم و آنها را به آموزش اختیاری اضافه می کنیم.

جملات توصیفی: وقتی به یک بچه آموزش داده شده تا برای دریافت اشیاء و درخواست کردن از زبان اشاره، استفاده کند. مرحله بعدی این است که به بچه آموزش داده شود تا علایم را با هم ترکیب کند تا جملات ساده را شکل دهد. یکی از راههای مفید در آموزش جمله سازی، توصیف کردن است.

هدف از این نوع توصیف این است که بچه یاد بگیرد تا رویدادهای موجود در اطراف خود را با استفاده از ترکیبات ساده اسم، فعل، شرح دهد. به عنوان مثال، فرد بزرگسال یک لیوان شیر بریزد واز بچه بپرسد «من دارم چکار می کنم؟» سپس، بچه می گوید: شیرریختن. (در این مرحله نیاز نیست که بچه آن را به طور کامل

ادا کند و فعل را بطور دقیق بیان دارد. هدف این است که مهارت‌های ترکیب فعل و اشاره، به او آموزش داده شود.

با آموزش جملات توصیفی، آنچه که در حقیقت انجام می‌دهیم، توسعه‌ی اساسی ارتباط از طریق گفتگوی بین بچه و فرد بزرگسال است. همچنین مابقیه‌ی افعال و اسم‌ها را این‌گونه آموزش می‌دهیم. همچنین ما می‌توانیم مفاهیمی را که کاربرد و یادگیری آن مانعی در رابطه با آموزش زبان برای بچه‌های ناتوان ذهنی هستند را بوسیله علائم و اختصارات به این بچه‌ها آموزش دهیم.

آموزش اندازه:

تعلیم ادراک: برنامه مربوط به آموزش اندازه، ساده‌ترین روش جهت فهمیدن برای بچه شما محسوب می‌گردد. همانند آموزش نشانه‌ها، شما باید، با زبان ادراک کار خود را آغاز کنید. زیرا، به‌طور عمومی نسبت به زبان بیان ساده‌تر است. شما باید دو شیء را در جلوی بچه روی میز قرار دهید، که تنها از نظر اندازه باهم تفاوت دارند و از نظر ابعاد دیگر (نظیر رنگ، شکل) یکسان می‌باشند. به عنوان مثال، یک توپ خیلی بزرگ را بر روی میز قرار دهید و در کنار آن، یک توپ نسبتاً کوچک با ماده و رنگ مشابه بگذارید، سپس شما می‌توانید آزمایش اندازه را انجام دهید. بنابراین از بچه بخواهید که به اندازه موردنظر اشاره کند. شما می‌گویید «توپ بزرگ را به من بده» یا فقط می‌گویید «بزرگ» به این معنی که بچه مجبور است توپ بزرگ را به شما بدهد. در هر مورد، کلمه «بزرگ» باید با اشاره غالب، بیان شود. در حالیکه خیلی بلند و واضح بیان می‌گردد. وقتی بچه نمی‌داند چه بکند باید جواب درست را به او نشان دهید مثلاً باید به توپ بزرگ اشاره کنید یا به تعبیری او را راهنمایی کنید تا شیء درست را تشخیص دهد شما ممکن است متوجه شوید که ضروری است تا برخی از نشانه‌های آگاهی (نظیر اینجا را نگاه کن) را به کار ببرید، در حالیکه به سمت میز در جهت اشیای موردنظر اشاره می‌نمایید، و سپس فرمان می‌دهید. برخی بچه‌ها یاد می‌گیرند به موضوع موردنظر توجه کنند و بدون راهنمایی و علائم آگاهی به‌طور متمرکز به آن نگاه نمی‌کنند و به‌طور واضح، به توجه بصری نیاز دارد. در هر مورد، قبل از این که فرمان دهید. و باید منتظر بمانید تا یک بچه به اشیای موردنظر نگاه کند. در این روش، فرمان شما به‌عنوان تقویت‌کننده بچه، جهت توجه بصری به شیء موردنظر ابقاء می‌گردد. تعلیمات شفاهی شما، احتمالاً در حالیکه به عنوان یک تقویت‌کننده در بچه ابقاء می‌شود، می‌تواند، عدم توجه بچه یا کج‌خلقی‌ها را شدید کند. در موقعی که شما، جواب درست را نشان داده‌اید. پس از آن همانند آنچه که در برنامه‌های دیگر انجام داده‌اید، این حالت تحریک یا کمک را کاهش دهید. به فراهم نمودن موارد فرمان‌دهی، ادامه دهید و به یاد داشته باشید تا موقعیت‌های مکانی اشیای روی میز را گهگاهی، عوض نمایید، بدین‌صورت که برخی مواقع توپ بزرگ را در سمت چپ بچه و گاهی در سمت راست او قرار دهید. وقتی بچه به معیار موردنظر پاسخ درست داده است. مفهوم اندازه دوم را به او معرفی کنید، بدین شکل که به او بگویید: «کوچک یا کوچک را به من بده» که منظور توپ کوچک است. کم‌کم از میزان این کمک یا محرک بکاهید. تا اینکه بچه بدون کمک حالت شیء (بزرگ یا کوچک) را بشناسد. اکنون دوباره فرمان اول را بیان کنید «بزرگ را

به من بدهید» و در موقعی که بچه سه یا چهار پاسخ صحیح را به‌طور پیاپی ارائه می‌دهد، به فرمان دوم رجوع کنید: کوچک! یا «کوچک را به من بده» دوباره در صورت نیاز، او را راهنمایی کنید و سپس از میزان آن بکاهید تا بچه بتواند به‌طور مستقل به این سؤال پاسخ صحیح دهد. اکنون دو فرمان را باهم به کار ببرید، در حالیکه از حالت متناوب، نظیر مورد به کار رفته در تمام راه‌های تشخیص برنامه‌های آموزشی بحث شده در این کتاب استفاده می‌نمایید. وقتی بچه بتواند به‌طور اطمینان بخشی توپ بزرگ را از توپ کوچک تشخیص دهد شما می‌توانید به او اندازه‌های اشیای دیگر را آموزش دهید. وقتی این کار را یاد گرفت. واضح است که او مفهوم اندازه را یاد گرفته‌است. و سپس بقیه مفاهیم را نیز به همان ترتیب مفهوم اندازه آموزش دهید.

تعلیم بیان:

بعد از اینکه بچه مفهومی را شناخت بیان کردن و نامیدن مفهوم را به او آموزش دهید به‌عنوان مثال: دو توپ را بر روی میز در جلوی بچه قرار دهید. و به او بگویید به کوچک دست بزن وقتی بچه این کار را انجام داد. از او بپرسید: چه اندازه‌ای؟ بعد از مدتی به تدریج از راهنمایی کردن می‌کاهیم و سپس از بچه می‌خواهیم تا توپ بزرگ را لمس کند و از او می‌پرسیم؟ این چه اندازه‌ای است؟ و بچه باید به‌طور مستقل پاسخ دهد.

آموزش رنگ:

تعلیم زبان ادراک همانند آموزش اندازه و دیگر مشخصه‌های اصلی، عموماً به‌عنوان یک آموزش مقدماتی برای زبان بیان مفید می‌باشد. این مفهوم را باید به همان روشی که اندازه را آموزش داده‌اید آموزش بدهید: بدین صورت که دو شیء را بر روی میز در جلوی بچه قرار دهید، به‌گونه‌ای که فقط از نظر رنگ با هم تفاوت داشته باشند و از نظر ابعاد دیگر با هم یکسان باشند. وقتی به بچه فرمان می‌دهید تا رنگ خاص را به شما بدهد، مثلاً می‌گویید: قرمز! یا «قرمز را به من بده» او شروع به پیدا کردن آن می‌کند. در هنگامی که دو شیء گوناگون از نظر رنگ، بر روی میز در جلوی او قرار داده می‌شود. او مجبور است تا شیء قرمز را به شما بدهد شما باید او را کمک کنید و سپس این راهنمایی‌ها را کاهش دهید، سپس، رنگ‌ها را عوض نمایید، به همان روشی که درباره آموزش اندازه عمل کردید، این تمرین صورت گرفت، کاربرد بیان مشخصه‌های رنگ نیز آموزش داده می‌شود. به یاد داشته باشید که با به کار بردن اشیای گوناگون کاربرد تشخیص رنگ را عموماً آموزش دهید.

آموزش شکل:

برنامه آموزش شکل: همانند روش آموزش رنگ یا اندازه صورت داده می‌شود صرفاً دو شیء را انتخاب کنید که به جزء شکل، در تمام ابعاد باهم شباهت داشته باشند و آنها را بر روی میز، در جلوی بچه قرار دهید. ممکن است بخواهید تا یک دایره و یک مثلث را انتخاب کنید و همان‌طور که در برنامه‌های دیگر انجام دادید، اعمال هدایت کردن، صرف‌نظر از کمک و تغییر اشیاء را انجام دهید. به‌خاطر داشته باشید تا آموزش را به‌طور عمومی یا گسترده انجام نمایید، نظیر اینکه وقتی بچه، یاد گرفته است تا دایره پلاستیکی را از یک مثلث پلاستیکی

تشخیص دهد. سپس از آن شکل‌های دیگر ساخته شده از مواد گوناگون، در قالب رنگ‌های متفاوت و اندازه‌های ناهمسان را فراهم نمایید. به‌عنوان مثال، یک جفت شیء را که هردو نسبتاً بزرگ هستند و از کاغذ مقوایی زرد رنگ ساخته شده‌اند را تهیه کنید. (منظور اینکه در هر مرحله، نوع ماده و رنگ را عوض کنید) اینکه اول رنگ و بعد شکل را آموزش دهیم قانون ثابتی نیست و ما براساس توانایی بچه‌ها باید انعطاف‌پذیر باشیم.

بعد از اینکه بچه شما چند مفهوم را یاد گرفت باید کار ترکیبی را آغاز کنیم مثلاً از بچه بخواهید مثلث «زرد را به من بده» و بعد از یادگیری کامل آموزش، پیچیده تر می شود مثلاً بگویید «مثلث زرد کوچک را بده» لیکن وقتی برنامه، به طور گسترده برای بچه، حالت ترکیبی می یابد، ضرورتاً به این معنی نیست که آموزش مشکل شده باشد. بعد از این کار ما، باید آموزش مفهومات را در خارج از موقعیت کنترل شده انجام دهیم تا بچه به عمومیت و تعمیم‌دهی برسد. آموزش موضوعات مشخص در محیط کنترل شده، از اهمیت کمتری برخوردار است. مگر اینکه بچه بتواند یاد بگیرد تا این مفهومات را به‌طور متناسب در فعالیت‌های روزانه به کار ببرد.

حروف اضافه:

هدف از برنامه مربوط به حروف اضافه، این است که به بچه آموزش دهیم تا روابط ویژه بین مواردی نظیر، در زیر، در بالای، در داخل را مشخص کند. پس از آن، شما، کوشش می‌کنید تا به او موقعیت خودش را در حالت قرار گرفتن بر روی تختخواب و در داخل خانه را بیاموزید. برنامه مربوط به حروف اضافه، نمونه‌ای است که همیشه با تعلیم زبان ادراک، آغاز می‌گردد.

تعلیم ادراک:

شما و بچه‌تان بر سر میزی نشسته‌اید که بر روی آن یک ظرف کوچک نظیر یک فنجان و یک شیء کوچک مثل یک سکه قرار دارد. با گفتن جمله «سکه را داخل فنجان قرار بده» به او یاد می‌دهید تا شیء را در داخل ظرف، جای دهد. در صورت نیاز با گرفتن دست بچه، قرار دادن سکه در دستش و کمک کردن به او جهت انداختن سکه در داخل فنجان، جواب درست را به او نشان می‌دهید. در ابتدا او را از نظر دریافت جواب، هدایت کنید و سپس با کاهش تدریجی همراهی او در دریافت جواب، این راهنمایی را کاهش دهید. برای برخی از بچه‌ها که دارای مشکل کار کردن با انگشت به‌طور مناسب، می‌باشند، انتخاب یک سکه، مطلوب نیست. زیرا، خیلی مشکل است. تا یک سکه را بردارد. وقتی بچه در حال جواب دادن به معیار سنجشی «در داخل» است و آن را خوب انجام می‌دهد، پس از آن حروف اضافه دوم، را به او تعلیم دهید. ما معمولاً «زیر» را انتخاب می‌کنیم. شما باید حرف «کنار» یا برخی از حروف دیگر را انتخاب کرده باشید که از حرف اضافه «داخل» تا حد زیادی متفاوت به نظر آیند. در آموزش حرف اضافه دوم شیء یکسان ممکن است به کار برده شود و لیکن برخی از کودکان برای انجام دو عمل با یک ظرف یکسان ممکن است دچار خطا شوند به‌همین دلیل می‌توانیم ابتدا از دو شیء متفاوت استفاده می‌کنیم. و بعد از مدتی کار کردن بچه قادر می‌شود از دو ظرف یکسان

استفاده نماید. به منظور دور نگه داشتن بچه از تکیه کردن بر چنین محرک‌های راهنما و قراردادن آنها تحت کنترل، حروف اضافه‌ای که شما بیان می‌دارید. باید به او یاد دهید تا هر دو پاسخ را درست بدهد، در حالیکه تنها از یک ظرف استفاده می‌کند.

تعلیم بیان:

در موقعی که بچه پنج یا شش حرف اضافه را در سطح ادراکی فراگرفت، شما ممکن است، تعلیم زبان بیان را آغاز کنید. روش موردنظر دقیقاً همانند مورد موجود در زبان ادراک است. با این تفاوت که اکنون شما شیء موردنظر را در داخل یا در زیر ظرف می‌گذارید و سپس از بچه می‌پرسید: « آن کجا است؟ » جواب مورد نظر مثل «داخل» «داخل فنجان» است. اگر کودک نتوانست پاسخ صحیح بدهد. او را راهنمایی کنید به این صورت که به او بگویید این شیء را داخل فنجان بگذار و پس از او بپرسید « آن کجاست » بعد از چندبار انجام این کار از او بخواهید بدون راهنمایی پاسخ درست بدهد. بعد از این مراحل باید حروف اضافه در تمام موقعیتهای روزمره اجرا شود تا بچه بتواند این مورد را در همه موقعیتهای و با همه اشیاء انجام دهد.

آموزش ضمائر:

هدف از برنامه مربوط به ضمائر، این است که به بچه آموزش داده شود تا زبان بیان روابط شخصی را بفهمد. این برنامه سعی می‌کند تا معنای اصطلاحاتی مثل «مال شما» و «مال من» را یاد دهد و نشان دهد که وقتی فردی درباره «من» در برابر «شما» صحبت می‌کند، منظورش چیست؟

برای آموزش این مبحث به محرک‌هایی مانند لباس و جواهرات (مالکیت شخصی) و بخشهای بدن (بینی، گوش، چشم، ...) نیاز دارد که به عنوان محرک اصلی به کار برده می‌شود.

مرحله اول: در آغاز این تعلیم جمله « بینیات را نشان بده » (یا بخشی دیگر از بدن) به کار می‌رود. یا ممکن است به طور ساده بگویید « بینیات »

مرحله دوم: در این هنگام او را در انجام درست آزمایش یاری نمایید. بدین صورت که دست بچه، را به سوی بینیش حرکت داده و از او بخواهید تا آن را لمس کند.

مرحله سوم: تعلیم، ادامه داده می‌شود، تا زمانی که بچه، بدون راهنمایی به دستور شما، پاسخ درست دهد. « بینی من را نشان بده » یا فقط «بینی ام» وقتی این عمل را به خوبی یاد گرفته است، حالت تناوب را با این دو فرمان را به صورت ترکیبی به او آموزش دهید. در موقعی که بچه به طور دقیق، این دو فرمان را به صورت ترکیبی یاد بگیرد، نشان دهنده دریافت درست این تشخیص است.

آموزش ضمائر، مشکل هستند و برخی از بچه‌ها، در تعلیم یافتن در این سطح با مشکل اساسی، روبه‌رو می‌شوند. یک راه جهت ساده کردن این مشکل، این است که او را در ابتدا، آموزش دهید تا اسم خود و اسم شما را بداند اگر به این مورد نیاز شد، تعلیم خود را تغییر دهید، و از او بخواهید تا به بینی (با اسم بچه) خود و بینی مادر

اشاره کند. وقتی این میزان تشخیص صورت داده شد، پس از آن می‌توانید این فرمان را به‌عنوان یک عامل محرک به‌کار برید و ضمائر «مال شما و مال من» [م یا ت] را براساس اسامی مناسب بیان کنید و پس از آن، به‌تدریج، راهنمایی را کاهش دهید به‌عنوان مثال، از بچه پرسید «بیلی! بینی‌ات را نشان بده» در حالیکه «آت» را کاملاً بلند، بیان می‌دارید و با صدای بلند، تلفظ می‌کنید و سپس به‌تدریج از شدت بلندی نام بچه (بیلی) بکاهید. به‌طوریکه، نارسا گردد و فقط فرمان با صدای ضمیر «آت» شنیده شود. این نوع یکسان از آموزش مقدماتی، در حال به‌کاربردن اسامی مناسب، برای خیلی از انواع ضمائر، به‌کار می‌روند. پس از اینکه بچه توانست مرحله کاربرد ادراکی ضمائر «آت» و «آم» را کاملاً یاد بگیرد، حال آموزش زبان بیان را برای این ضمائر ساده به‌کار برید ابتدا بچه را راهنمایی کنید مثلاً به او بگویید به «بینی‌ات» دست بزن بچه باید به‌طور شفاهی بگوید «بینی‌ام». این برنامه را تا مرحله‌ای ادامه می‌دهید که بچه بتواند به سؤال این شیء (بینی) مال کیست؟ (این بینی چه کسی است؟) پاسخ صحیح بدهد و بعد از آن باید ضمائر را در قالب یک حرکت یا یک فعل آموزش دهید مثلاً کاری را انجام دهید و از او پرسید من دارم چه کار می‌کنم؟ «تو داری چه کار می‌کنی؟ زمانی که این مرحله از تعلیم کامل می‌شود به‌طوری که بچه، می‌تواند به‌طور صحیح بگوید مثلاً «من در حال ایستادن هستم و غیره» اگر بچه در این مرحله مشکل داشت شما می‌توانید این کار را با اشاره دست و راهنمایی فیزیکی به او آموزش دهید و به‌تدریج راهنمائیها را کاهش دهید.

مفهومات زمانی:

هدف از این برنامه، این است که بچه شما یاد بگیرد تا مفهومات ساده‌ی زمانی نظیر «اول» «آخر» و «زود» و «دیر» را دریابد. شما آموزش مفهوم زمانی را با تعلیم «آخر» آغاز کنید.

تعلیم بله/نخیر!

آموزش دادن بچه جهت استفاده‌ی درست از اصطلاحات بله و نخیر یکی از بخشهای مفید در زبان است.

تعلیم بله/نخیر به دوروش، یعنی تعلیم مربوط به عواطف شخصی و تعلیم مربوط به موضوعات حقیقی تقسیم می‌شود. عموماً ما با عواطف شخصی شروع به کار می‌کنیم. زیرا آنها به‌نظر می‌رسند که جهت آموزش ساده‌تر باشند.

دو رفتار، را انتخاب کنید، یک، رفتاری که برای بچه شما، خوشایند باشد و یک رفتاری که برای او ناخوشایند باشد. به‌عنوان مثال سؤالی نظیر این مورد، «آیا شکلات می‌خواهید؟» در مقابل این سؤال «آیا کتک می‌خواهید؟» را مطرح کنید. یکی از این سؤالات را پرسید و سپس جواب درست را به او نشان دهید. به‌عنوان مثال، پرسید: آیا شکلات می‌خواهید؟ در حالی که یک تکه شکلات را به‌طور واضح در جلوی او در دست می‌گیرید. سپس قبل از اینکه، واقعاً به او شکلات دهید، از او بخواهید تا کلمه بله! را بر زبان بیاورد. پس از آن، بگویید. آیا شکلات می‌خواهی؟ جواب دهد؟ (پس از مکث) بله! سپس قبل از اینکه، واقعاً به او شکلات دهید، از او بخواهید تا کلمه بله! را بر زبان بیاورد. پس از آن، بگویید. آیا شکلات می‌خواهی؟ (پس از مکث) بله!

سپس به تدریج، از گفتن کلمهٔ بله، خودداری کنید. و در حالتی این آزمایش را به پایان برید که در آن بچه به سؤال شما جواب دهد؟ بله! زمانی که این مورد به درستی انجام گردید، پس از آن دستان، را بالا برید و از بچه بپرسید؟ آیا کتک می‌خواهید؟ (تنبیه) و او را وادار کنید تا بگوید نه! در مراحل تدریجی این، میزان تحریک، کاهش می‌یابد. در موقعی که این دو سؤال، باهم ترکیب می‌گردند، در حالی که به‌طور متغیّر، به کار می‌روند، تعلیم درست، صورت داده می‌شود. احتمالاً، معقول این است که به بچه اجازه دهید تا با توالی (نتیجه) به کار بردن اصطلاحاتِ بله و نخیر، به‌طور درست، همراه با نتایج حاصل از کاربرد نادرست روبه‌رو گردد. بنابراین وقتی از بچه می‌پرسید آیا کتک می‌خواهید؟ باید یاد بگیرد بگوید «نه» و چیزهای خوشایند را بگوید بله! شما ممکن است بخواهید تا بله و نخیر را در رابطه با موضوعات حقیقی آموزش دهید، شما می‌توانید این آموزش را با دادن دستوراتی همانند (آیا این کتاب است؟ و با گرفتن کتاب نزدیک صورت بچه) ادامه دهید تا بچه بتواند به سؤالات شما پاسخ کامل و درست بدهد.

آموزش عبارات و جملات:

در هنگامی که بچه یادگیری معنای کلمات ترکیبی مانند مفهومات در بردارندهٔ ضمایر و زمان، را آغاز می‌کند، شما، پیوسته، احساس می‌نمایید که ضرورت دارد تا به بچه یاد دهید که چگونه این کلمات جدیداً آموزش دیده را در یک شکل درست، به کار برد. بنابراین، بعد از اینکه او مفهوم رنگ، را یاد گرفت، از او بخواهید تا اصطلاحات رنگ را در هنگام بیان حالات خودش مثل مورد « کامیون قرمز » به کار برد. بچه باید یاد گیرد تا کلمات را به شکلی کنار هم قرار دهد که جملات را تشکیل دهند. برای آموزش بهتر باید آموزشتان را تا آنجاکه می‌توانید به مراحل کوچک‌تر تجزیه کنید اولین و راحت‌ترین مرحله بیان اسم با یک معرف مثل (کامیون قرمز) است. سپس می‌توانید اسم را با فعل بیاورید و در مراحل آخر اسم، صفت و فعل را با هم ترکیب کنید.

گفتگوی زیر نشان می‌دهد، چگونه شما می‌توانید، به بچه خود یاد دهید تا به کاربردن گرامر در هر لحظه از روز، را توسعه دهد.

معلم: شما چه چیزی می‌خواهید؟

بیلی: تخم‌مرغ

معلم: نه! شما چه چیزی می‌خواهید، « من »

بیلی: (بدون جواب)

معلم: من ...

بیلی: من ... می‌خواهم (وقتی معلم به دنبال سؤال کلمه من را به کار می‌برد، در واقع به بیلی نشان می‌دهد تا براساس آموزش قبلی، عبارت من، می‌خواهم را تکرار کند.)

معلم: تخم مرغ (با کمی مکث) بسیار خوب! چه چیزی شما چه چیزی می خواهید؟

بیلی: من تخم مرغ می خواهم

معلم: آفرین! (به بیلی خوراکی می دهد)

آموزش احساسات و عواطف:

تشخیص احساسات:

شما ممکن است دریابید که به کاربردن این برنامه جهت آموزش بچه به منظور تشخیص و تعیین احساسات مملو از شادی ، ناراحتی ، عصبانیت و ترس، به قدر کافی، عواطف اصلی، را می پوشاند.

آنچه در طول این برنامه مهم است این که اطمینان یابید که بچه ارتباط متقابل با فرد بالغ را آغاز می کند تا قادر گردد. عواطف خودش و علل پنهانی آنها را توضیح دهد.

برنامه را با آموزش بچه جهت نشان دادن مشخصه های ظاهری، احساساتی نظیر خوشحالی یا ترس، آغاز کنید. شما به دو کمک کننده (راهنما) نیاز دارید تا در آموزش برنامه به شما کمک نماید. یکی از این دو نفر باید دیگری را قلقلک بدهد به گونه ای که او بخندد و نشانه های شادی را بروز دهد. سپس از بچه بپرسید. او چه احساسی دارد؟ بچه را وادار کنید تا به این سؤال این گونه پاسخ دهد: شادا! یا او شاد است. زمانی که بچه بتواند به طور صحیح و بدون راهنمایی به سؤال پاسخ دهد. پس از آن حس عاطفی دوم، یعنی ترس معرفی می شود. اکنون فرد اول (راهنما) به گونه ای رفتار می کند که گویی قصد دارد فرد دوم را کتک بزند و فرد دوم نشانه های ترس را از خود بروز می دهد. همانند مورد قبلی این سؤال را بپرسید؟ او چه احساسی دارد؟ و بچه را راهنمایی کنید تا به طور صحیح جواب دهد « او ترسیده است » و به تدریج راهنماییها را کم کنید و دیگر علائم احساسی را به همین روش به بچه ها آموزش دهید.

مرحله دوم: بچه باید بتواند فقط با دیدن حالت چهره یک فرد تشخیص دهد که او چه احساسی دارد.

مرحله سوم: بچه باید بتواند از روی تصاویری که به او نشان داده می شود حالت احساسی که در تصاویر وجود دارد را بیان کند و آنها را تشخیص دهد.

مرحله چهارم: بعد از اینکه بچه یاد گرفته است تا احساسات را نشان دهد، آغاز کردن آموزش بچه جهت ساختن جملاتی درباره اشعار عواطف، مناسب است. وقتی بچه می بیند که فرد دوم قلقلک می شود و یاد می گیرد بگوید. « او خوشحال است » به او آموزش داده می شود تا به این سؤال پاسخ دهد: « چرا او شاد است؟ » در این جمله، جواب مناسب این خواهد بود: « زیرا او در حال قلقلک شدن می باشد »

مرحله پنجم: این است که به بچه آموزش دهیم همانطور که احساس ترس را آموخت حالت عصبانیت، که فرد برای ترساندن فرد دوم ایجاد کرده بود را نیز بیاموزد (عصبانی به نظر رسیدن)

مرحله ششم: بچه باید یاد بگیرد تا حالت خوشحالی، ترس و غیره را در خود نشان دهد.

ذکر این نکته حائز اهمیت است که این نوع آموزش در نهایت مسأله‌ساز می‌شود، زیرا نشانه‌های بیان خیلی از احساسات پیچیده، جهت تشخیص خیلی مشکل و ظریف است مثل تشخیص بین احساس غم و اندوه احساس جرم که کاری دشوار می‌باشد. به‌علاوه، اشاره‌هایی که خیلی از حالات عاطفی را مشخص می‌سازند، برخی مواقع، درونی هستند. با این وجود با یقین عواطف اصلی مثل عصبانیت، ترس، خوشحالی و ناراحتی، پیشرفت خوبی حاصل می‌گردد.

آموزش محبت:

مهربانی کردن، معانی زیادی دارد در اکثر موارد به معنی بوسیدن و در آغوش کشیدن، است که به‌آسانی، آموزش داده می‌شوند. این کار را با راهنمایی کردن و وادار نمودن بچه جهت مالیدن صورتش به صورت شما همراه با گفتن این جمله « مرا در آغوش بگیر » آغاز کنید.

سپس به تدریج این راهنمایی را کاهش دهید در حالی که به او نشان می‌دهید تا به مدت زیاد در حدود پنج تا ده ثانیه با قرار دادن دستانش در اطراف کمرتان شما را در آغوش بگیرد. در برنامه ما ویژه در ماه‌ها یا سال نخستین، ۵ دقیقه ماندن در این موقعیت آموزشی بدون اینکه از بچه انتظار رود تا محبت خود به افراد راهنما یا آنان که با او به‌طور مستقیم تماس دارند، را نشان دهد مورد نظر است. و در صورتی که به‌طور اختیاری این رفتار، شکل نگرفت، او راهنمایی می‌شود و از او درخواست می‌گردد تا این‌گونه عمل کند. عموماً اندیشه ما در این برنامه‌ها، این است که فرد راهنما یا (بزرگسال) خود را با تمام وجود در اختیار بچه قرار دهد، به او محبت نماید و از بچه انتظار می‌رود تا از او سپاسگذاری کند. بچه‌هایی که مهربان هستند باید به آنها آموزش داده شود تا یک حد معنی مهربان باشند.

برنامه تصور کردن:

برای ایجاد تصور کردن و آموزش آن به کودکان داری ناتوان ذهنی ما از دو برنامه که عبارتند از :

۱- برنامه پیش‌بینی: که به بچه آموزش داده می‌شود تا پیشگویی کند که در آینده چه اتفاقی روی می‌دهد شما می‌توانید این‌گونه از او سؤال کنید: « اگر من این لیوان را رها کنم، چه اتفاقی می‌افتد؟ » یا اینکه « بعد از ناهار، شما چه کاری را می‌خواهید انجام دهید؟ »

۲- برنامه گفتن یک داستان، با همراهی بچه جهت کامل کردن جملات فراهم شده توسط معلم با توجه به یک تصویر، آغاز می‌شود. به‌عنوان مثال، شما، باگفتن این جمله « این پسر در حال پوشیدن یک ... است » داستان را شروع می‌کنید. به تدریج از چنین راهنمایی‌هایی کاسته می‌شود، در حالی که به‌سوی موارد استادانه‌تر همراه با کاهش دادن اشارات خاص گام برمی‌دارید. (مثلاً « آنها چه کسانی هستند، دارند چه کار می‌کنند؟ »

(در نهایت، شما ممکن است با دنبال کردن این سؤال نقش خود را کاهش دهید: « دربارهٔ تصویر، داستانی را برای من بیان کن» و بچه شما آنرا انجام می‌دهد.

مراحل بعد جهت تشویق بچه در انجام برخی از رفتارهایی است که او به آنها علاقمند است. اما از به کار بردن موارد راهنمایی که در حقیقت جهت کامل کردن فعالیت، ضروری است خودداری می‌گردد. به عنوان مثال به بچه نگاه کنید و به او بگویید: وانمود کند در حال خوردن آب میوه است. و قبل از اینکه شما از او بخواهید تا آن را به صورت خیالی، انجام دهد، او باید این رفتارها را به صورت واقعی توضیح داده باشد و عمل مورد نظر به بچه نشان دهید. (یعنی قبل از اینکه بچه این کار را تخیلی انجام دهد شما آن را به صورت تخیلی به او نشان دهید.) وقتی بچه توانست اولین کار تخیلی مثلاً با لیوان آب خوردن را یاد بگیرد عمل بعدی را به او آموزش دهید. بعد از اینکه بچه این کارهای ساده را یاد گرفت. به سراغ کارهای پیشرفته‌تر مثل حمام کردن، برای خواب آماده شدن و غیره بروید و باید راهنمایی کردن برای این کارها را بیشتر انجام دهیم تا بچه به طور واضح و روشن آن کار را بیاموزد.

بنابر، بنا نهادن حالت تصویرسازی کودکان، او باید یاد بگیرد تا رفتارهای موجود در حیات روزانه‌اش را بیشتر و بیشتر، مشخص کند. به عنوان مثال، اگر با بچه‌ای به یک فروشگاه، یا به حمام یا برخی از مکان‌های دیگر که از آنها لذت می‌برد، رفتید، او را وادار کنید، تا رفتارهایش را در هنگامی که وارد آن مکان‌ها می‌شود، برشمارد (به طوری که برای هر عمل، یک توصیف شفاهی، ایراد کند) چون آنها، در دنیای واقعی روی می‌دهند، به یاد آوردن و توصیف آنها برای بچه آسان‌تر می‌باشد و بیان آنها از گفتن توصیف‌های تخیلی در یک مرحله وسیع‌تر، برای بچه، آسان‌تر خواهد بود. بچه‌های خیلی عقب مانده ذهنی، به دلیل انجام برخی از فعالیت‌های مطلوب تشویق خواهند شد. ولی به دلیل اینکه برخی مواقع رفتاری را در آن لحظه، به تصویر نمی‌کشند یا به طور شفاهی بیان نمی‌کنند، توانایی کمتری دارند تا این آزمایش‌ها را در حالت تخیلی براساس انواع مطلوب یا رفتارهای مورد علاقه به کار برند. باید برنامه‌های موجود در وانمودسازی مقدماتی و پیشرفته، با تجربیات موجود در حیات واقعی بچه، پیوند داده شوند. مثل خرید کردن، خوردن صبحانه، مامان بازی و بچه بازی که باید با همسن‌های خودشان این کار را انجام دهند.

معلم بازی:

«معلم بازی» برنامه‌ای است که برای تعداد زیادی از بچه‌ها لذت بخش است. این برنامه نسبت به برنامه‌های دیگر، از پیچیدگی کمتری برخوردار است و در آغاز تعلیم بچه می‌توان آن را شروع کرد. معلم نقش بچه را به عهده می‌گیرد و بچه را راهنمایی می‌کند تا نقش معلم را بازی کند. او همه کاره می‌گردد، پس شروع به صحبت می‌کند. (در واقع، نقش معلم را به عنوان نقش یک رئیس درمی‌یابد) اگر بچه نتوانست به تنهایی این نقش را اجرا کند از یک راهنما استفاده کنید و بعد از اینکه بچه توانست گفتگوی معلم و شاگرد را بیاموزد

نقش راهنما کم‌رنگ تر می‌شود تا جایی که بچه به‌طور مستقل بتواند نقش معلم را اجرا کند، بازی «چه چیزی پنهان است، یا چه چیزی وجود ندارد.»

هدف از این برنامه، این است که به بچه کمک کند تا نسبت به چیزهایی که در اطرافش می‌بیند، بیشتر توجه کند. این برنامه را در حالیکه شما و بچه در مقابل یکدیگر بر سر یک میز، نشسته‌اید شروع کنید.

مرحله اول: یک شیء را که بچه می‌شناسد بر روی میز قرار دهید و از او بخواهید تا آن را نام ببرد.

مرحله دوم: بعد از تشخیص شیء، از بچه بخواهید تا چشمانش را ببندد اگر نتوانست خودتان با دست چشمهای او را ببندید شیء موردنظر را از روی میز بردارید و به او بگویید چشمهای او را باز کن.

مرحله سوم: جای شیء که از روی میز برداشته‌اید را به بچه نشان دهید و بگویید «چی نیست» (چه چیزی وجود ندارد). اگر او به‌طور نادرست جواب داد او را با نشان دادن قسمتی از شیء راهنمایی کنید.

مرحله چهارم: وقتی او کار کردن با یک شیء را فرا گرفت. در همان لحظه اشیای گوناگون را به کار ببرید.

مرحله پنجم: حال دو شیء مجزا را روی میز قرار دهید. و از بچه بخواهید. تا به آنها نگاه کند و به هر دو شیء اشاره کنید و از بچه بپرسید «این چیست؟» وقتی جواب داد از او بخواهید چشمانش را ببندد و یکی از اشیاء را پنهان کنید یا در ابتدا آن شیء را با پارچه‌ای بپوشانید بدون اینکه آن را به‌واقع، از آنجا بردارید. سپس از او بپرسید: «چی نیست» (چه چیزی پنهان است؟) با گذاشتن دو شیء، بچه قادر می‌گردد تا مفهوم «چه چیزی وجود ندارد» را یاد گیرد. در این موقع او مجبور است به یاد آورد، چه چیزی قبلاً آنجا بوده و اکنون وجود ندارد. در مراحل تدریجی، با اضافه کردن اشیای بیشتر، کار را دشوارتر کنید. (برخی از بچه‌ها قادر خواهند بود تا به پنهان شدن یا پنهان کردن هشت شیء بر روی میز، پاسخ دهند و آنها را نام ببرند.

بازی «این چیست؟»

برای اجرای این بازی چند شیء، به چند نفر که در حالت گروهی در یک دایره می‌نشینند داده می‌شود. و این افراد اشیاءشان را با دست بالا می‌گیرند سپس معلم از کودک می‌پرسد. مثلاً «شما با چه چیزی می‌نوشید؟» و بچه راهنمایی می‌شود تا به شیء درست اشاره کند و آن را تلفظ کند و به تدریج سؤالات پیچیده‌تر می‌شوند مثلاً «آن چیست که زرد است و شما با آن آب می‌نوشید؟» در برخی مواقع، افراد گوناگون در گروه، جای خود را عوض می‌کنند و به سؤالات متفاوت جواب می‌دهند. و این کار را با اشیای گوناگون و تا جایی که بچه بتواند به‌طور مستقل پاسخ دهد ادامه می‌دهیم. به یاد داشته باشید که هدف از برنامه موردنظر، این است که به بچه یاد دهید تا مشاهد کردن و شنیدن را فراگیرد.

در مورد تعیین رفتارها، اعضای گروه، ممکن است برخی اعمال را اثبات کنند یا فرد راهنما، بخواهد، از تصاویر استفاده نماید. در مرحله آغازین، وقتی که از افراد موجود در گروه دارد می‌خندد، برای بچه این امکان وجود دارد تا مشخص نماید که چه کسی، لبخند می‌زند. (به‌عنوان مثال وقتی از بچه، پرسیده می‌شود، چه کسی

دارد می‌خندد؟ او جواب می‌دهد. «لورا دارد می‌خندد» و به تدریج سؤالات پیچیده‌تر را به کار می‌بریم مثلاً «آن کسی که گرم کن زرد به تن دارد و می‌خندد چه کسی است؟» این به بچه کمک می‌کند تا به سؤالات گوش دهد و محیط اطرافش را جهت کسب اشارات مناسب، مورد مشاهده دقیق قرار دهد.

بازی I am / I do (من دارم، من می‌خواهم)

برای اجرای این بازی، گروهی از افراد را به شکل یک دایره بنشینند و سپس با سؤالی مانند این مورد کار خود را آغاز کنید: «چه کسی فنجان زرد دارد؟» فردی که فنجان زرد دارد جواب خواهد داد: «من دارم». اگر نتوانست جواب دهد با دادن یک فنجان زرد به بچه او را راهنمایی کنید. سپس به تدریج سؤالات پیشرفته‌تر می‌شوند مثلاً «چه کسی دارد می‌خندد و موهایش بلند است».

یک تنوع جالب در این بازی، که در حقیقت اطمینان نقش بچه در یادگیری را افزایش می‌دهد این است که فرد راهنما باید به‌طور نادرست به سؤال پاسخ دهد. سپس به بچه یاد داده می‌شود که بگوید «نه شما غلط گفتید» و جواب فرد موردنظر را تصحیح کند. این توانایی بچه جهت تشخیص در سطح موردنظر است که شما را قادر می‌سازد تا استنباط کنید او کار را به‌خوبی فرا گرفته است.

یک تنوع جالب دیگر در این بازی رقابت است. به‌عنوان مثال معلم می‌پرسد «چه کسی بستنی می‌خواهد؟» و هرکس که گفت من آن را می‌خواهم با یک قاشق بستنی او را تقویت کنید. وقتی این رفتار به‌طور کامل شکل گرفت سؤال را تغییر دهید «چه کسی کتک می‌خواهد» این باعث می‌شود که دقت شنیداری بچه تقویت شود.

بازی «گوش بده و حدس بزن».

ضرورتاً معلم در مورد تصویری که فقط خودش می‌بیند توضیح می‌دهد و بعد از آن تصویر یا عکس ویژه را با تصویری مشابه در جلوی بچه قرار می‌دهد و بعد از آن بچه باید تصویری را که معلم در مورد آن توضیح داده است پیدا کند. ابتدا از تصاویر ساده و به تدریج از تصاویر پیچیده‌تر استفاده کنید.

زمان داستان:

این برنامه برای بچه‌هایی که به مدرسه می‌روند و مجبورند در کلاس به حرفهای معلم گوش داده و به سؤالات آنها پاسخ مفید بدهند مناسب می‌باشد. بهتر است این برنامه را به‌صورت مدرسه‌بازی انجام دهیم یک معلم و چندین راهنما موجود باشند و بچه نیز در کنار آنها قرار بگیرد. معلم داستانی را براساس توانایی، درک و علاقه بچه تهیه کرده و شروع به خواندن یک یا دو خط آن می‌کند سپس از راهنماها سؤال می‌پرسد وقتی راهنماها به سؤالات پاسخ می‌دهند بچه نیز تشویق می‌شود تا به آن سؤالات پاسخ دهد مثلاً معلم می‌گوید «سگ واقواق می‌کند و قدقد نمی‌کند» و سپس از یکی از راهنماها می‌پرسد؟ «سگ چه می‌گوید» راهنما پاسخ

می‌دهد و تقویت می‌شود مرحله بعد معلم بدون اینکه راهنماها را در کارش دخالت دهد داستان را برای بچه تعریف می‌کند و سؤالات را از او می‌پرسد تا جایی که او بتواند به‌طور مستقل پاسخ دهد.

بازی کسب اطلاعات:

در این برنامه به کودک آموزش داده می‌شود تا بتواند با جستجو کردن در مورد افراد موردنظر، اطلاعات کسب کند. مراحل اول به این صورت است که کودک از افراد متفاوت می‌پرسد؟ اسم شما چیست؟ چند سال دارید و در مراحل بعدی سؤالات را پیچیده‌تر و ظریف‌تر کنید.

فصل چهاردهم

ایجاد رفتار خودبه‌خودی (بدون کنترل)

رفتار خودبه‌خود به رفتاری گفته می‌شود که به‌طور صریح، یاد داده نمی‌شود، بلکه در حالت آزاد و بدون پیش‌بینی قبلی، رخ می‌دهد. این تعریف رفتار به عمومیت‌پذیری رفتار برمی‌گردد که در موقعیت‌های جدید رخ می‌دهد. روش‌های زیر برای ایجاد و پرورش رفتار خودبه‌خودی طراحی شده‌اند.

۱- باید افراد زیادی با بچه کار کنند. از موقعیتهایی که در آن بچه تنها یک معلم دارد امتناع کنید، زیرا او احتمالاً یاد می‌گیرد تا بین افراد، تبعیض قائل شود و از رفتار خودبه‌خودی بکاهد.

۲- کودکان را در خیلی از موقعیت‌های فیزیکی (مکانی) نظیر مدرسه، خانه، ماشین، در حال قدم زدن، پارک و فروشگاه‌ها، آموزش دهید.

۳- تا حد امکان، از پاداش‌های معمول، استفاده کنید و انواع گوناگون پاداش‌ها را تا اندازه‌ای که می‌توانید، به کار ببرید، از جمله پاداش‌هایی که در هر جایی متناسب با رفتار افراد و خود بچه موجود هستند.

۴- خود را با فراهم کردن تقویت‌کننده‌های نیرومند مثل غذا دادن، برطرف کردن ترس و پریشانی بچه، یا ایجاد فرصت‌های جدید جهت بازی برای بچه، همراه سازید در این روش، به ارزش‌گذاری حالت پاداش‌دهی برای بچه‌تان، پی خواهید برد به‌طوری که عموماً جنبه‌های دیگر رفتار و محیط اطرافش، را درمی‌یابید. موقعی که این شرایط پدیدار گردد، شما مجبور خواهید شد تا از آموزش و ترسیم مطالبی استفاده کنید که از صراحت اندکی برخوردارند. او خودش را به‌گونه‌ای وفق می‌دهد (بنابر تغییر خودبه‌خود) که براساس لذت بردن از پاداش‌های جدید شکل می‌گیرد.

۵- تا حد امکان رفتارهای مناسبی را تقویت کنید که بدون راهنمایی فرد راهنما یا به تعبیری بدون درخواست قبلی ایجاد می‌شوند.

۶- در سرتاسر روز موقعیت‌هایی را فراهم نمایید که در آن شما و بچه‌تان، بتوانید تا حد امکان آزادانه فعالیت نمایید و به‌خاطر فعال بودنش به او پاداش دهید.

۷- به آموزش دادن رفتارهای جدید، ادامه دهید تا مجموعه رفتاری بچه توسعه پیدا کند. این، باعث سهولت عمومیت واکنش می‌گردد.

۸- تا حد امکان سعی نمایید تا واکنش‌های ضروری را آموزش دهید. بنابراین، رفتارهایی را تقویت کنید که بچه را قادر می‌سازد تا بر بخش وسیعی از تقویت‌کننده‌های نیرومند، دست یابد. به‌منظور ایجاد زبان کاربردی، مهارت‌های عملی را به او بیاموزید به‌عنوان مثال، جدای از اینکه فقط بخش‌های بدن را به او بیاموزید تا مشخص کند، به او یاد دهید تا موارد مطلوبش نظیر غذا و بازی، را درخواست کند. همچنین بازی کردن و هنر

را به‌طور متناسب به او آموزش دهید تا آنها را جایگزین اشکال مقدماتی رفتار نظیر خودتحریکی آداب‌وار و ناآگاهانه سازد. شکل‌های اولیه رفتار خودتحریکی را کاهش دهید و به ایجاد رفتارهای مناسب به جای آن امیدوار شوید.

۹- از استفاده طولانی مدت حالات کسل‌کننده (همراه با ترس و آشفتگی عمومی) بپرهیزید، زیرا آشفتگی‌ها، رفتارهای خودبه‌خودی نظیر زبان شفاهی و بازی، را کاهش می‌دهند.

برنامه‌ای جهت شناسایی رفتار اختیاری (خودبه‌خود)

آموزش پوستر، با مجموعه‌ای از ده پوستر آغاز می‌شود، درحالی‌که هر پوستر دارای تصویری از یک شیء است که بچه آن را یاد گرفته است مثل سیب، درخت، سنگ یا اشیایی شبیه به آن می‌باشد. معلم فوراً یک پوستر را به بچه نشان می‌دهد و می‌گوید «دربارۀ پوستر موردنظر برای من صحبت کن» و پس از اینکه بچه پاسخ درست داد او را تقویت می‌کند. و سپس معلم پوستر دوم را نشان می‌دهد و این کار ادامه می‌یابد تا زمانی که نخستین مجموع ده پوستری، نشان داده شود. بعد از آن یک مجموعه جدید ده پوستری دیگری به او نشان داده می‌شود، در حالی‌که هر کدام از آنها دارای دو تصویر نزدیک به هم مثل یک سیب و یک سنگ می‌باشد. پس از اینکه بچه هر دو شیء را درست مشخص نمود. او را تقویت کنید بعضی از کودکان ممکن است احتیاج به راهنمایی داشته باشند او را راهنمایی کنید تا موقعی که او بتواند بدون راهنمایی به پوسترها پاسخ صحیح بدهد. بعد از اینکه، بچه پوسترهای دارای دو تصویر (موضوع) را به‌خوبی یاد گرفت، ده پوستر دارای سه تصویر به او نشان داده شود و این کار ادامه می‌یابد تا زمانی که او بتواند، دربارۀ پوسترهای دارای ده موضوع گوناگون در هر کدام صحبت کند. احتمالاً در این موقع بچه دو چیز را یاد می‌گیرد اول اینکه قبل از اینکه تقویت شود توصیفات بیشتری را بکار برد و احتمالاً به کنترل صریح معلم کمتر وابسته می‌شود. دوم اینکه ممکن است، یاد بگیرد تا به‌طور سیستماتیک محیط اطرافش را مورد بررسی قرار دهد و براساس همراه شدن با رفتار مناسب، اشارات موردنیاز را از محیط دریافت دارد. هر دوی این رویدادها باعث جدایی بچه از کنترل صریح معلم و شروع تکلم اختیاری می‌گردد. بعد از اینکه این پوسترها را به‌خوبی یاد گرفت از تصاویر پیچیده‌تر استفاده کنید و بعد از آن از بچه بخواهید تا محیط اطرافش را بهتر ببیند و جزئیات آن را به‌خوبی نشان دهد. مثلاً به من بگو «در خانه چه می‌بینی» او می‌گوید: «لامپ، در، میز، عکس» اگر نتوانست او را راهنمایی کنید و ادامه دهید تا بتواند به‌تنهایی کار را انجام دهد. تمرین دیگر اینکه از او بخواهید، در مورد خودش صحبت کند. مثلاً بگوید «من مو، چشم، گوش و ... دارم»

انواع دیگری از تمرینات، شامل آموزش دادن بچه جهت فعالیت بیشتر فیزیکی همانند ورزش کردن و بازی جهت استقلال نظر بیشتر به میزان فراوان وجود دارند. به یاد داشته باشید تا کنترل صریح و شدیدی که نیاز داشتید تا در آغاز برنامه خود داشته باشید را در این مرحله به‌تدریج کاهش دهید.

در صورتی که بچه شما در حال حاضر دارای برخی از مهارت‌های اولیه زبان باشد بهتر است برای ایجاد روابط اجتماعی او را در خانه و با همراه کردن بچه با خواهر و برادر نرمال یا با کمک بچه‌های همسایه و از طریق بازی کردن کمک کنید. توسعه بازی با هم نوع در مدرسه ساده‌تر خواهد بود، زیرا قادر می‌گردد تا در بازیهای اجتماعی (همراه با خواهران و برادران و هم‌نوعان) یعنی دویدن، توپ‌بازی و بالارفتن شرکت نماید. در صورتیکه بتواند در برخی از بازیهایشان، شرکت کند، تأثیر بیشتری بر او دارند.

سه استراتژی اصلی وجود دارند که می‌توانند به کار برده شوند تا ارتباط اجتماعی بین یک بچه ناتوان ذهنی و گروه هم‌نوع‌اش را افزایش دهند. ۱- استراتژی توجه معلّم: معلّم (یا برخی از افراد راهنمای دیگر موجود در مدرسه)، به‌طور مستقیم، بچه‌ها را وادار می‌کند تا با همدیگر، ارتباط متقابل داشته باشند. همچنین بچه را وادار به صحبت کردن با بچه‌های دیگر، نشستن کنار آنها، بازی کردن با آنها یا کمک کردن به آنها در برخی کارها می‌کند.

۲- استراتژی سودمندی گروه هم‌نوع: بچه‌ها خودشان به‌عنوان گروه، به‌خاطر بازی کردن با یک بچه ویژه تشویق می‌شوند. معلّم، ممکن است گروهی را مطلع سازد که در صورتی که گروه با یک بچه، بازی کند و در ایجاد ارتباط ویژه به بچه کمک نماید، به همه اعضای گروه، برخی از امتیازات ویژه داده خواهد شد. یا به‌خاطر چنین کاری مورد تمجید قرار می‌گیرند.

۳- استراتژی توجه به هم‌نوع: معلّم، یک بچه خاص را که به‌نظر می‌رسد خیلی توانا است و در برقراری ارتباط با دیگران خوب عمل می‌کند انتخاب کند و او را به‌عنوان معلم برمی‌گزیند. و به‌طور ویژه از آن بچه می‌خواهد تا به‌عنوان یک نمونه و راهنما، در آغاز کار او مانند یک درمانگر معلم، عمل می‌کند: او آموزش می‌دهد، پاداش می‌دهد و راهنمایی می‌کند. این بدین خاطر است که به توسعه برخی از روابط متقابل اجتماعی کمک می‌کند. زیرا بدون چنین تعلیم صریحی، هیچ ارتباطی، موجود نمی‌شود. فرد هم‌نوع در جریان آشنا شدن با همدیگر، احتمالاً انعطاف‌پذیر و خلاق‌تر می‌شود، بدون اینکه ارتباط خود را با بچه ناتوان از دست بدهد. این استراتژی نیز دارای سودمندی است که به توجه اندکی از سوی فرد راهنما، نیاز دارد و ثمره نهایی به ارتباط اجتماعی نرمال، شباهت نزدیکی پیدا می‌کند.

همراه با رفتن به یک اتاق استراحت یکی از رایج‌ترین روش‌های به‌کار برده شده جهت کاهش رفتارهای ناهنجار در کلاس‌های درس می‌باشد. در حالیکه این مورد، همراه با بخش وسیعی از رفتارهای مثبت تقویت شده، مؤثر می‌شود، لازم به ذکر است که این مورد در سه حالت، به‌صورت متقابل اثبات می‌شود.

(الف) در درمان رفتارهایی که به دلیل ذکر شده در بالا، از پذیرش تقاضا (رفتار تقویت‌شده به‌طور منفی) امتناع می‌کند یا از آنها می‌گریزد.

(ب): در درمان اکثر رفتارهای خودانگیخته، در زمانی که بچه، عموماً به‌خاطر این رفتارها، تقویت‌کننده‌ها را کنترل می‌نماید و معمولاً آزاد است تا به‌طور آزادانه در آنها باقی بماند. در حالیکه حالت **time out** محیطی

باشد که تقویت مثبت، به‌طور مداوم جهت اثرگذاری، موجود، نمی‌باشد. در حقیقت، این مورد غالباً در موقعیت‌های ساختاری بی‌ثمر و محدود، اثری ندارد. اگر معلم به‌طور نرمال، انتقادات و توبیخات را بیشتر از ستایش کردن، به‌کار برد، انتظار می‌رود که **time – out** هر آنچه را که رفتار، دنبال می‌کند افزایش دهد، در حالیکه روشی برای فرار کردن از رفتارهای نامطلوب معلم را فراهم می‌کند.

مشکلات معمول و احتیاطات:

اشتباهاتی که در حین کار با این کودکان روی می‌دهد به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند: یک مجموعه عمومی از مشکلات وجود دارند که بر خیلی از موقعیت‌های آموزش، اثر می‌گذارند و از تکنیک‌های معلم مستقل هستند و مجموعه‌ای از مشکلات ویژه وجود دارند که به احتمال زیاد در درون یک چارچوب اصلاح رفتاری، روی می‌دهند.

این بخش برخی از مشکلات ویژه را ذکر می‌کند که ممکن است در یک برنامه آموزش رفتاری طراحی شده، رخ دهد. تعیین این مسائل، همیشه، آسان نیست و شما به کمک یک همکار یا گروهی از هموعان نیاز دارید. تا اشتباهات موجود در هر تکنیک آموزشی را، ذکر نمایند. حتی اگر یک معلم کاملاً دقیق، شروع به کار کند، جای تعجب نیست که در طولانی مدت از مسیر درست تشخیص منحرف شود و درک این تغییرات تدریجی در سبک آموزش، مشکل می‌باشد وجود هموعان، در نگه داشتن یک فرد در مسیر درست، مفید است. مشکلات اصلی که در آموزش رفتاری، ایجاد می‌گردند، در زیر خلاصه می‌شوند.

- تشویقات، متفاوت از تنبیهات هستند:

یکی از رایج‌ترین اشتباهاتی که موقع تشویقات روی می‌دهد، این است که همانند تنبیهات به نظر می‌آیند و بچه، بین آن دو تفاوتی قائل نمی‌شود. اگر واژه «خوب» یا «آفرین» با تُن صدای مشابه و حالت گفتن «نه» توسط معلم گفته شود، در این صورت، احتمال می‌رود که بچه ناتوان ذهنی، اطلاعات را به‌طور نادرست دریافت دارد. در سطوح آموزش پیشرفته معین واژه‌های «آفرین» و «نه» ممکن است با لحن یا بیان عاطفی یکسان، گفته شود، زیرا ارزش اطلاعاتی این کلمات جهت هدایت بچه کافی خواهد بود، اما مطمئناً در طول مراحل آغازین آموزش برای فرد ناتوان ذهنی این‌گونه نیست. یک دلیل ممکن درباره این موضوع که چرا افراد بزرگ (راهنما) واژه‌های «آفرین» و «نه» را به‌صورت تأکیدی اندک، بیان می‌دارند، به این خاطر است که آنها، احساسات خودشان درباره این کلمات را در طول زمان کنترل کنند. اِبقای نوع مشابه بیان عاطفی سطح بالای آن، ماه به ماه و سال به سال، مشکل است. یک فرد به تقویت از سوی هموعان نیاز دارد، تا براساس آن یک چنین تشخیصی را حفظ کند.

تنوع در توجهات:

خیلی از افراد بالغ در انواع توجهات که برای بچه هایشان فراهم می‌کنند، محدود می‌شوند. یک معلم خوب فردی است که به روش‌های گوناگون، پذیرش یا عدم پذیرش کاری را ابراز می‌دارد: او به‌طور شفاهی، تصدیق می‌کند، بچه را می‌بوسد، در آغوش می‌گیرد، غلغلک می‌دهد. غذا را برایش فراهم می‌کند. به بچه اجازه می‌دهد تا از صندلی پایین بیاید، با بچه بازی می‌کند و عموماً تمام انواع چیزهای مطلوب که یک بچه می‌تواند تصور کند را برای او آماده می‌نماید. معلمی که مهارت کافی ندارد، بر یک حالت ابراز واژه «آفرین» با تُن صدای یکسان، پایدار می‌ماند چنین توجه کلیشه‌ای، به موقعیتی تبدیل می‌شود که از آن، دریافت پاداش انتظار می‌رود و بچه، در حالت آموزش، توجهی ندارد. همچنین به یاد داشته باشید که وقتی یک بچه، با مشکلی روبه‌رو می‌شود و جواب آماده‌ای برای آن ندارد، با توجه به علاقه او به تنوعی از تقویت‌کننده‌های مثبت، یک معلم خوب، تصمیم می‌گیرد تا برخی از موارد سخت و حالات ناخوشایند را به او یاد دهد. اکثر بچه‌های نرمال،

احتمالاً، یاد می‌گیرند تا مشکلات را حل نمایند. زیرا مشکل یک حالت معین سختی و ناراحتی در آنها ایجاد می‌کند. توجه به کامل کردن یک کار مشکل، تنها به دلیل به دست آوردن تقویت‌کننده‌های مثبت نیست، بلکه، امتناع یا گریز از انواع سختی‌ها و ناراحتی‌های منفی، نیز می‌باشد. به طوری که حل مسأله، را تسریع می‌دهد. یک معلم خوب احتمالاً فردی است که به بچه‌هایش کمک می‌کند تا برخی از انواع موقعیتهای مشکل را قبل از حل مسأله تجربه نمایند و رسیدن به راه حل را درک کنند.

در مورد چگونگی تقویت با توجه به یک موضوع دقت کنید:

اکثر افراد، تشخیص می‌دهند که یک فرد باید در کاربرد تنبیهش، مواظب باشد. معمولاً، تصور می‌شود که محبت، هیچ آسیبی را ایجاد نمی‌کند. به طوری که بچه‌های ناتوان ذهنی، می‌توانند تمام کارهایی را انجام دهند، که فرد موردعلاقه آنها ارائه می‌دهد. افزون بر این، ما از این موضوع آگاه هستیم که چگونه یک فرد باید دوست داشتن را با احتیاط به کار برد، دوست داشتن، داروی نیرومندی است و می‌تواند هم علیه بچه و هم به نفع او، به کار برده شود. خیلی از افراد، درمی‌یابند که دوست داشتن یک بچه بیمار، ساده‌تر از دوست داشتن یک فرد سالم است. شاید این نگرش، با مفهومات مربوط به بچه‌های تحت عنوان «بیمار روحی» و «ناتوان» همراه شده است، و انتظارات ما از آینده‌شان را پایین آورده است. به ویژه ما مشاهده می‌کنیم که چگونه ابراز محبت به رفتارهای خودآزاری و روان‌پرشی، باعث ابقای چنین رفتارهایی می‌گردد. دلیل این موضوع که چرا خیلی از افراد ناتوان ذهنی توسط کمبودهای رفتاریشان در تنگنا قرار داده می‌شوند و برخی مواقع حتی، از طریق خودآزاری، درصدد برمی‌آیند تا به خود آسیب جدی برسانند. این است که آنها در زمانی اشتباه دوست داشته شده‌اند. معلمان، روانشناسان و روانپزشکان می‌توانند خطرناک‌ترین افراد محترم و باوقار باشند.

توجه جدی:

یکی از مشکلات مهمتر که خیلی از بچه‌های عقب مانده ذهنی، با آن، روبه‌رو می‌شوند، به جدیت یا شدت توجه‌شان بستگی دارد. تا آن اندازه که ما می‌توانیم تشخیص دهیم، بچه‌های عقب‌مانده ذهنی توجه‌شان را به بخش‌های کمتر یک موقعیت آموزشی معطوف می‌سازند و نسبت به آنچه که بچه‌های نرمال یا متوسط با هم نشان رشد مشابه، انجام می‌دهند، بر بخش کمتری از آموزش، متمرکز می‌گردند. به تعبیر دیگر، این بچه‌ها تمام مواردی که فرد، ممکن است از آنها بخواهد تا انجام دهند، را درک نمی‌کنند. در صورتی که، در ابتدای کار، فرد راهنما (بزرگسال) مقدار زیادی از اشارات یا علائم موردنظر، را به کار می‌برد و آن‌ها را به صورت شفاهی یا عملی در هنگام کار یا فعالیت، هدایت می‌نماید، بچه ممکن است به هدایت‌ها یا راهنمایی‌های موجود، عادت کند و به اشارات دیگری که فرد «راهنما» در نظر دارد تا با یک کار ویژه، همراه گردد، توجه‌ای نمی‌کند. و در این حالت، مشکل دوبرابر می‌شود. به عنوان مثال اگر، فرد راهنما، با نشان دادن جایی که جواب درست قرار دارد، بچه را راهنمایی کند، سپس بچه، ممکن است بدون جهت، به راهنمایی یا سمت انگشت فرد راهنما، وابسته گردد و به طور شفاهی آن چیزی را ترسیم یا به تعبیری دنبال می‌کند که دست فرد راهنما، نشان می‌دهد، تا

براساس آن، جواب دهد. توجه بچه به دست فرد راهنما(بزرگسال) ممکن است به قدری شدید گردد که او هرچیز دیگری را نبیند و از آنچه در اطرافش روی می دهد، بی اطلاع گردد و صدایی را نشنود. بچه ممکن است، بادقت صورت فرد بزرگسال را جهت این اشارات اضافی، که جواب درست را نشان می دهد، مطالعه و ارزیابی نماید و به قدری به صورت فرد و برداشت موضوع از آن، توجه کند که هر چیز دیگری باعث صرف نظر کردن از آنها می شود، باید فردی شما را تماشا کند تا ببیند که آیا شما خیلی از این راهنمایی ها یا اشارات بدون مقصود را به کار می برید یا نه.

احساس در برابر ادراک:

مسئله دیگر در توجه کردن، تفاوت بین احساس و ادراک است. به عنوان مثال مقدمتاً این احتمال وجود دارد که بچه به طور مستقیم به صورت فرد راهنما، بنگرد ولیکن آن چیزی را که فرد، سعی دارد تا بیان کند، نمی بیند یا نمی شنود. در این حالت هرچند که با فریاد نیز با او صحبت شود بازهم او متوجه نمی شود (درحالیکه نقص شنوایی ندارد). پرداختن به توجه «واقعی» (دیدن و شنیدن) احتمالاً از طریق کاربرد متفاوت پاداش ها و تنبیهات (یا بدون پاداش) صورت می گیرد. مثلاً بچه را وادار می کنیم تا با دقت به مربی گوش دهد و به آن توجه کند سپس بعد از انجام آنچه که مربی از او می خواهد بلافاصله پاداش می گیرد و تقویت می شود و هنگامی که به اشارات معلم توجه نکند و پاسخ صحیح ندهد از پاداش محروم می ماند و این باعث می شود که توجه کردن شکل گیرد. اهمیت دادن به دقت و توجه بچه بسیار مهم است زیرا زمانی که بچه به شما نگاه می کند ولیکن هیچ توجهی ندارد، آموزش دادن به او کاری عبث و بیهوده است.

بچه، سخت تر از فرد بزرگ، کار می کند:

مسئله دیگر، که جهت تشخیص تا اندازه ای ظریف تر و مشکل تر می باشد، در موقعی دیده می شود که یک فرد بزرگسال در حین کار توجه چندانی به کودک نمی کند. و بچه به طور منفعل بر روی صندلی می نشیند. و به انجام رفتارهای اختیاری می پردازد و از آن لذت می برد برخی مواقع، یک بچه خیلی کند، حرکت می کند، زیرا معلم خیلی فعال نیست و تعلیم، هرگز مؤثر واقع نمی شود. حالت ایده آل، موقعی است که مربی هنرمندانه از فنونی استفاده کند که بچه خیلی فعال کار کند تا خودش به دنبال جواب درست بگردد. نه این که معلم این کار را بکند.